

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

سردبیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

کارشناس اجرایی: مهین زرنگ

مدیر مسؤول: ناصر نبی زاده

مدیر داخلی: حامد رضایی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر محمدباقر آخوندی
۲. دکتر حبیب احمدی
۳. دکتر بی بی اقدس اصغری
۴. دکتر محمدعلی بیدختی
۵. دکتر هادی پورشافعی
۶. دکتر محمدتقی راشد محصل
۷. دکتر مفید شاطری
۸. دکتر حبیب اله عباسی
۹. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
۱۰. دکتر احمد کامیابی مسک
۱۱. دکتر محمدرضا مجیدی
۱۲. دکتر جواد میکانیکی
- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند
- استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
- استادیار مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
- استادیار پژوهش و هنر دانشگاه بیرجند
- دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
- استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی
- دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
- استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
- دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

مترجم و ویراستار انگلیسی: الهه توشه

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه عرفان

شمارگان: ۱۰۰۰

ویراستار ادبی: سیدنورالله نصراللهی

امور فنی: انتشارات فکربر

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی،

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴

دبیرخانه شورای پژوهشی

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: pazhoheshkhorasan@farhangmail.ir

وبگاه: <http://Farhangekhorasan.ir>

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست. نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند. نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند. فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر محمدباقر آخوندی
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر محمد اسکندری ثانی
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد	- دکتر بی بی اقدس اصغری
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر محمد حجتی پور
مربی دانشگاه بیرجند	- سیدمهدی حسینی
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر عمران راستی
دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
استادیار دانشگاه بیرجند	- دکتر کلثوم قربانی جویباری
دانشیار دانشگاه بیرجند	- دکتر جواد میکانیکی



به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴

کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه

"مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه‌ی علمی - ترویجی گردیده

است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی صادر شده است. فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی

علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com و پایگاه بانک اطلاعات

نشریات کشور به نشانی www.into@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به

نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی- ترویجی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.

۲. مقاله در محیط واژه پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه به نشانی <http://Farhangekhorasan.ir> ارسال شود. صفحات مقاله حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.

۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.

۴. معادل‌های لاتین اسامی غیرفارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح 300 dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.

۶. ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۷-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۷-۲- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۷-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیک، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۷-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۷-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). "شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی". [پیوسته] قابل دسترس در:

<http://WWW.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html>. [۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

رابطه سرمایه اجتماعی با ارتقای سلامت شهروندان شهر مشهد

پژمان ابراهیمی، غلامرضا حسنی درمیان، علیرضا افشانی ۷

بازتاب مسلک‌های اخلاقی در تصوف خراسان

پیمان ابوالبشری، حسن صادقی سمرجانی ۳۵

بررسی مقایسه‌ای نظام ارزشی زوج‌های عادی و متقاضی طلاق در شهرستان گناباد

بی‌بی اقدس اصغری ۵۱

اثرات بازارچه مرزی باجگیران بر احساس امنیت اجتماعی - اقتصادی مناطق روستایی

همجوار (مطالعه موردی: دهستان دولتخانه شهرستان قوچان)

حمید جلالیان، حسن مؤمنی، ملیحه سلطان‌آبادی ۷۹

رابطه سرمایه اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ها با میزان گرایش مردم به مصرف مواد

غذایی محلی

مهرداد زیدی، حسین قدرتی، شفیعه قدرتی ۹۹

تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت حضورپذیری عابرین پیاده در محلات شهر اسلامی

(مورد مطالعه: محلات شهر مشهد)

الهه‌سادات موسوی سروینه باغی ۱۲۹



رابطه سرمایه اجتماعی با ارتقای سلامت شهروندان شهر مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۶

سال سیزدهم، شماره اول، پاییز ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۱۹

شماره صفحه: ۷-۳۴

پژمان ابراهیمی^۱

غلامرضا حسنی درمیان^۲

علیرضا افشانی^۳

چکیده

سلامت، به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی توسعه یافتگی جوامع و حقوق جهانی بشر، از موارد مورد تأکید اکثر کشورهاست. یکی از عواملی که بر سلامت اعضای جامعه مؤثر است، سرمایه اجتماعی است. از این رو، هدف اصلی این مقاله، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت شهروندان جامعه‌ی مورد بررسی است. جامعه آماری این تحقیق شهروندان سی سال و بالاتر شهر مشهد بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۳۸۴ نفر از آنها انتخاب شدند. جهت انجام تحقیق و گردآوری داده‌ها نیز از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه استاندارد سلامت SF-۳۶ و پرسشنامه محقق ساخته سرمایه اجتماعی استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان داد افراد شاغل در مقایسه با غیرشاغلین و مردان در مقایسه با زنان، از میانگین نمره سلامت بالاتری برخوردار بوده‌اند. همچنین میزان همبستگی بین سرمایه اجتماعی و سلامت برابر با ۰/۶۱۸ بود. در مورد ابعاد سرمایه اجتماعی نیز نتایج بیانگر آن است که هنجار اجتماعی دارای بیشترین ضریب همبستگی (۰/۶۰۳) با سلامت است و در اولویت‌های بعدی نیز به ترتیب متغیرهای شبکه اجتماعی و اعتماد اجتماعی قرار دارند. نتایج مدل معادلات ساختاری تحقیق نشان داد که ۲۹٪ از تغییرات متغیر وابسته (سلامت)، توسط ابعاد سرمایه اجتماعی تبیین می‌شود.

واژگان کلیدی: سلامت، سرمایه اجتماعی، هنجار اجتماعی، شهروندان مشهد

pezhman.ebrahimi@yahoo.com

gh-hassani@um.ac.ir

afshanianlireza@yazduni.ac.ir

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد

۲. استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

۳. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

مقدمه و بیان مسأله

سلامت را محور توسعه اقتصادی اجتماعی تلقی می کنند. اگر هدف کلیه‌ی سیاست‌های اجتماعی، رفاه جامعه باشد، کلید ورود به رفاه جامعه، ابتدا امید به زندگی مناسب و سالم و سپس کیفیت زندگی است که هیچ یک بدون داشتن سلامت امکان پذیر نیست. توسعه بدون وجود انسان سالم، قابل درک نیست. به گفته ماهر^۱، رئیس پیشین سازمان جهانی بهداشت، سلامت اگر همه چیز نیست، همه چیز بدون سلامت هیچ است (هزارجریبی و مهری، ۱۳۹۱: ۴۲).

سلامت مفهومی انتزاعی و چندبعدی است. سازمان جهانی بهداشت سلامتی را چنین تعریف کرده است: «حالتی از بهزیستی کامل فیزیکی، روانی و اجتماعی، نه فقط فقدان بیماری و ناراحتی» (WHO, 2007: 7). بنابراین مفهوم سلامتی از حالت یک بعدی خارج شد و بر پایه سلامت روانی، جسمانی و اجتماعی استقرار یافت که متخصصانی چون جامعه‌شناسان، مددکاران اجتماعی و روان‌شناسان به مطالعه آن می‌پردازند (افشانی و شیرینی محمدآباد، ۱۳۹۶: ۲).

در بهداشت عمومی، پذیرش و تأیید فزاینده‌ای بر این اعتقاد به وجود آمده که سلامت نه تنها توسط عوامل رفتاری، زیستی و ژنتیکی، بلکه توسط گستره‌ای از عوامل اقتصادی، محیطی و اجتماعی تعیین کننده، تعیین می‌گردد. برخی مطالعات نشان داده که در بین عوامل مؤثر بر ایجاد سلامت، سهم هر دسته از عوامل حدوداً به قرار زیر است: سهم سیستم ارائه سلامت (بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، ...) به میزان ۲۵٪، سهم عوامل ژنتیکی و بیولوژیک ۱۵٪ و سهم عوامل فیزیکی، زیست محیطی و عوامل رفتاری، ۱۰٪ است. این در حالی است که سهم عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، ۵۰٪ است (مرندی، ۱۳۸۵: ۴۴).

رشد و گسترش عوامل روانی، جسمانی، اجتماعی و معنوی و نقش آنها در سلامت کشورهای جهان سوم، به خصوص در کشور ایران، هم‌زمان با رشد و توسعه سرمایه اجتماعی بوده است (ساعی، ۱۳۸۸: ۱). سرمایه اجتماعی، یکی از مفاهیمی است

که در سال‌های اخیر در مباحث توسعه بسیار مطرح شده است و توجه به سرمایه اجتماعی و نقش آن در سلامت افراد در سطوح گوناگون، مورد توجه صاحب‌نظران بوده است. سرمایه اجتماعی، موضوعاتی اعم از شدت و کیفیت روابط و تعاملات بین افراد و گروه‌ها، احساس تعهد و اعتماد دوجانبه نسبت به هنجارها و ارزش‌های مشترک را شامل می‌گردد که می‌تواند افراد و گروه‌ها را به یکدیگر پیوند دهد و به‌عنوان پایه مهم پیوستگی اجتماعی در نظر گرفته شود.

ال‌سینا و لافرارا (Alesina & LaFerrara, 2000) اشاره می‌کنند که سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که در ارتباط با شبکه‌ای منسجم از روابط بیشتر یا کمتر نهادینه شده از آشنایی و شناخت متقابل است که حتی همیاری و هماهنگی افراد را برای دستیابی به منافع مشترک تسهیل می‌کند و سود سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد (پاتنام^۱، ۱۳۸۴: ۹۵). علاوه بر این، سرمایه اجتماعی پدیده‌ای است که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کیفیت تعاملات اجتماعی است و تجارب بانک جهانی نشان می‌دهد که این پدیده، تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد و در چند دهه‌ی اخیر، در تمام مسائل و پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی ریشه دوانیده است که این مفهوم، با هر موضوع اجتماعی می‌تواند پیوند معنادار داشته باشد و اخیراً به‌عنوان یک عامل اجتماعی مؤثر بر سلامت عمومی و اجتماعی جامعه اثرگذار است (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۰).

سرمایه اجتماعی از عناصری چون شبکه اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و اعتماد اجتماعی مشتق شده است. شبکه اجتماعی، یکی از عناصر کلیدی سرمایه اجتماعی است که از طریق ایجاد نوعی شبکه حمایتی رسمی و غیررسمی بر سلامت تأثیر مثبت دارد، زیرا که به‌واسطه ایجاد ارتباط هدفمند و تقویت روابط اجتماعی، افراد را از انزوای اجتماعی رهانیده و آثار سودمندی بر سلامتی آنان دارد. هم‌چنین شبکه اجتماعی قوی، خدمات بهداشتی مناسب‌تری را تقاضا می‌کند و بدین‌واسطه زمینه ارتقای سلامت افراد

را فراهم می‌آورد.

سرمایه اجتماعی موجب رشد اعتماد نیز می‌گردد و این در حالی است که نوعی رابطه متقابل بین اعتماد اجتماعی و سلامت وجود دارد، به گونه‌ای که به همراه اعتماد، مفاهیمی مانند همکاری، امید و دگرخواهی مطرح می‌شود و در جامعه‌ای که اعتماد هست، نوعی همدلی، همبستگی و وفاق وجود دارد که این همدلی، موجب افزایش آرامش و در نهایت، بهبودی در سلامت می‌گردد. هنجارهای اجتماعی نیز از طریق سازوکار کنترل و نظارت بر رفتارهای زیان‌مند و افزایش احتمال پذیرش هنجارهای رفتار سالم بر ارتقاء سلامت کمک می‌کند (افشانی و شیرینی محمدآباد، ۱۳۹۶: ۳).

علت انتخاب شهر مشهد بر اساس تجارب زیسته و علمی محقق به چند دلیل بوده است. یکی این که شهر مشهد به عنوان دومین کلانشهر ایران، یکی از شهرهای مهم مذهبی کشور محسوب می‌شود که بیش از ۵۰٪ جمعیت استان خراسان را در خود جای داده و حاشیه‌نشینان این شهر، ۱/۳ جمعیت سه میلیونی آن را تشکیل می‌دهند. دوم این که آثار سوء حاصل از رشد روزافزون جمعیت، شیوه‌های زندگی شهرنشینی، منابع طبیعی محدود، گسترده‌تر شدن ابعاد تخریب‌ها و آلودگی‌های زیست‌محیطی، ناکافی بودن خدمات و زیرساخت‌ها، بیکاری و فقر، بافت‌های فرسوده شهری، سکونت غیررسمی و ... زمینه‌ی وسیعی از عوامل تهدید کننده‌ی سلامت و کیفیات زندگی شهروندان را در شهر مشهد فراهم کرده است (تاجدار، رفیعیان و تقوایی، ۱۳۸۹: ۱۰۲). از این‌رو، بررسی سلامت شهروندان به یک ضرورت تبدیل شده است. بنابراین از جمله اهداف اصلی پژوهش حاضر پاسخگویی به سؤالات ذیل است:

۱- وضعیت سرمایه اجتماعی و سلامت شهروندان سی سال و بالاتر شهر مشهد چگونه است؟

۲- چه ارتباطی میان سرمایه اجتماعی با سلامت شهروندان سی سال و بالاتر شهر مشهد وجود دارد؟

مروری بر تحقیقات پیشین

امینی رارانی، موسوی و رفیعی (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان "رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی در ایران" انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه اجتماعی و متغیرهای فقر، رشد طبیعی جمعیت، خشونت، میزان باسوادی، میزان بیکاری و پوشش بیمه، به عنوان بیان گرهای سلامت اجتماعی، رابطه آماری معنی داری وجود دارد. در مجموع، پس از انجام تحلیل عاملی اکتشافی و محاسبه نمره سلامت اجتماعی کل، رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی کل در ایران با مقدار همبستگی ۰/۵۴ تأیید شد.

سیدان و عبدالصمدی (۱۳۹۰) مطالعه‌ای تحت عنوان "رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روان زنان و مردان" انجام دادند. یافته‌های پژوهش حاکی از روابط معنادار و همبستگی بین متغیر سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن شامل مشارکت اجتماعی، شبکه حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، اعتماد شخصی و اعتماد تعمیم یافته با سلامت روان است.

شربتیان (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان "تأملی بر پیوند معنایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و میزان بهره‌مندی از سلامت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه پیام‌نور مشهد" مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که تمامی ابعاد سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی رابطه معناداری دارند و از بین متغیرهای زمینه‌ای، وضعیت تأهل و جنسیت با سلامت اجتماعی رابطه دارد. هم‌چنین نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون نشان داد که ۵۹٪ از تغییرات واریانس سلامت اجتماعی، به وسیله دو متغیر اعتماد و مشارکت اجتماعی تبیین می‌شود.

کوششی و دیگران (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت سالمندان ۶۰ سال و بالاتر در مناطق شهری مشهد پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که سلامت سالمندان در شهر مشهد در حد متوسط است، اما سلامت مردان بیشتر از زنان است. تحصیلات بالاتر، دارای همسر بودن، وضعیت اقتصادی مطلوب بر سلامت تأثیر مثبتی دارد. سرمایه اجتماعی به عنوان مؤثرترین متغیر، ۲۰٪ از تغییرات سلامت سالمندان را

تبیین کرده و در مجموع، ۳۷٪ تغییرات سلامت توسط متغیرهای تحقیق تبیین شده است.

شربتیان (۱۳۹۵) به مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت روانی زوج‌های جوان بیرجند پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان داد که رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت روانی زوجین، معنادار است. در این پژوهش، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شناختی، بیشترین ضریب همبستگی را بر سلامت روانی زوجین داشته و رابطه بین این دو متغیر نیز براساس تحلیل رگرسیونی و تحلیل مسیر، معنادار و مستقیم به‌دست آمده است.

افشانی و شیرینی محمدآباد (۱۳۹۶) نقش سرمایه اجتماعی در ارتقای سلامت اجتماعی زنان شهر یزد را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که ارتباط معنادار و مستقیمی بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با سلامت اجتماعی وجود دارد.

در خارج از ایران کاواچی، کیندی و گلس (Kawachi, Kennedy & Glass, 1999) از جمله کسانی بودند که یکی از اولین تحقیقات را در مورد رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت انجام دادند. آنها با استفاده از داده‌های "سامانه پایش عامل خطر رفتاری" در ۳۹ ایالت آمریکا مشاهده کردند که عوامل سطح فردی، از قبیل درآمد پایین، کم‌سواد و مصرف دخانیات، شدیداً با وضع نامناسب سلامت هم‌بسته است، اما حتی پس از کنترل این متغیرها، اثر زمینه‌ای سرمایه اجتماعی بر وضع سلامت مشاهده می‌شد. نتایج تحقیقات وینسنس، املن و استافستروم (Vincens, Emmelin & Stafstrom, 2018) نتایج نشان داد که سرمایه اجتماعی بر سلامت اثرگذار است و نابرابری‌های بهداشتی را توضیح می‌دهد.

فیوریلو و ساباتینی (Fiorillo & Sabatini, 2015) به بررسی ساختار سرمایه اجتماعی و سلامت در ایتالیا پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر این بود افرادی که هر روز یا حداقل دو بار در هفته با دوستان‌شان ملاقات می‌کنند، احتمال بیشتری وجود دارد که سلامت خود را بهتر گزارش دهند.

لی و ژانگ (Li & Zhang, 2015) به بررسی انواع شبکه اجتماعی و سلامت سالخوردگان به بررسی ارتباط بین شبکه اجتماعی (خانواده، دوستان و ...) و تأثیر آن بر روی سلامتی (جسمی، روان‌شناختی و به‌طور کلی سلامتی) پرداختند. تحلیل‌ها حاکی از آن است که رابطه‌ی قوی بین انواع شبکه اجتماعی و سلامتی وجود دارد. در پژوهشی که توسط استوری (Story, 2013) درباره سرمایه اجتماعی و سلامتی در کشورهای کمتر توسعه یافته صورت گرفته یافته‌ها حاکی از آن بود که تحقیق در ارتباط با رابطه سلامت و سرمایه اجتماعی به طرز چشمگیری در حال افزایش است. علاوه بر این، بررسی‌ها نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی یک عامل مهم در بهبود سلامتی است. مومن و دیگران (Mohnen & et al., 2011) در تحقیقی به بررسی سرمایه اجتماعی و سلامت فردی در کشور هلند پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که بین سرمایه اجتماعی با سلامت رابطه مثبت وجود دارد و سرمایه اجتماعی، مهم‌ترین تعیین کننده سلامت فردی است.

هرتادو، کاواچی و سودارسکی (Hurtado, Kawachi & Sudarsky, 2011) در پژوهشی به بررسی سرمایه اجتماعی و سلامت در کلمبیا پرداختند. هدف تحقیق بررسی ارتباط اجزای مختلف سرمایه اجتماعی با سلامت شهروندان کلمبیایی بود. نتیجه تحقیق نشان داد که از بین ابعاد سرمایه اجتماعی، بعد شناختی (اعتماد و روابط متقابل بین فردی) نقش مؤثری در ارتقای سلامت دارد.

چارچوب نظری

عموماً دو رویکرد متفاوت در تعریف سلامت وجود دارد که عبارتند از:

(۱) رویکرد بیماری‌محور: این رویکرد با حضور و عدم حضور بیماری در مقوله‌های مختلف جسمانی و روانی محدود شده است. از این منظر سلامتی حالتی است که علائم بیماری در فرد وجود نداشته باشد و سلامت هدف نهایی پزشکی باشد. در این دیدگاه، نقش عوامل تعیین کننده زیست‌محیطی، اجتماعی و روان‌شناختی نادیده گرفته می‌شود. هم‌چنین این الگو در حل بسیاری از مسائل اساسی بهداشتی انسان از

جمله اعتیاد، بیماری‌های روانی و ... نارسا بوده است.

۲) رویکرد سلامتی‌محور: این رویکرد سلامت را به‌عنوان حالت برخورداری از درجه بالایی از بهزیستی تعریف می‌کنند. طبق نظریه سلامتی، فردی سالم فرض می‌شود که درجات عالی شاخص‌های سلامت را دارا باشد (زارع شاه‌آبادی و کاظمی، ۱۳۹۴: ۵۱). داوانی و دیگران عقیده دارند که سلامت حقیقی، فرایند نیرومند شدن و قادر بودن توأم با داشتن یک زندگی خوب را منعکس می‌کند. این رویکرد که در حیطه‌ی روان‌شناسان مثبت‌نگر قرار دارد به استعدادها و توانمندی‌های انسان، به‌جای پرداختن به ناهنجاری‌ها و اختلال‌ها توجه می‌کند و هدف نهایی خود را شناسایی سازه‌ها و شیوه‌هایی می‌داند که بهزیستی و شادکامی انسان را به‌دنبال دارد (شربتیان، ۱۳۹۱: ۱۵۶).

یکی از متفکران حوزه سلامت که اشارات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی در کار او کاملاً به چشم می‌خورد، کییز^۱ است. طبق نظر وی، حلقه مفقوده در تاریخچه مطالعات مربوط به سلامت و خصوصاً سلامت ذهن، پاسخ به این سؤال است که آیا ممکن است کیفیت زندگی و عملکرد شخصی افراد را بدون توجه به معیارهای اجتماعی ارزیابی کرد. کییز نیز مثل لارسن^۲ معتقد است سلامت روانی، کیفیت زندگی و عملکرد شخصی فرد است که نمی‌توان آن را بدون توجه به معیارهای اجتماعی ارزیابی کرد و عملکرد خوب در زندگی چیزی بیش از سلامت روانی و هیجانی است و شامل تکالیف و درگیری‌های اجتماعی است. از این‌رو، او سلامت اجتماعی را ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی که عضو آنها است، معرفی می‌کند. وی بر این اساس، مدل پنج عاملی خویش را مطرح می‌کند که در آن پنج عامل انسجام، پذیرش، شکوفایی، مشارکت و انطباق اجتماعی شاخص‌های سلامت را تشکیل می‌دهند (همان: ۱۵۷).

کییز بُعد سلامت روانی و اجتماعی را نشانه کارکرد مثبت می‌خواند و می‌گوید اگر فرد شرایط دو بعد سلامت احساسی (احساس خوب و رضایت از زندگی) و بعد کارکرد مثبت را داشته باشد، از سلامت روانی برخوردار است. وی این وضعیت را بالندگی می‌نامد.

1. Keyes

2. Larsen

افراد بالنده، احساس خوبی به زندگی دارند و در رابطه با دیگران و در جامعه، فعال و سازنده‌اند. کییز، نبود سلامت روانی را پژمردگی می‌خواند. افراد پژمرده، احساس خوبی به زندگی ندارند و کارکرد روانی و اجتماعی شان مشکل دارد. این افراد دچار یأس و نومیدی بوده و زندگی خود را پوچ و خالی می‌بینند (شربتیان و ایمنی، ۱۳۹۶: ۱۱۶).

پس از بررسی و توصیف سلامت به بررسی و تعریف سرمایه اجتماعی و ابعاد آن به‌عنوان متغیر دیگر تحقیق می‌پردازیم. اصطلاح سرمایه اجتماعی را اولین بار یک معلم آمریکایی به نام هانیفن^۱، جهت تبیین دگرگونی‌هایی که در روابط اجتماعی دانش‌آموزان مشاهده کرده بود، به کار گرفت. بعد از هانیفن، مفهوم سرمایه اجتماعی برای مدتی به حاشیه رفت تا این که جین جاکوب^۲ در دهه ۱۹۶۰ میلادی این مفهوم را در حیطه برنامه‌ریزی شهری مورد استفاده قرار داد. بعد از جین جاکوب، گلن لوری و ایوان لایت^۳ در دهه ۱۹۷۰ میلادی مفهوم سرمایه اجتماعی را به منظور شناسایی منابع اجتماعی و توسعه انسانی به کار بردند، اما گسترش نظری و تجربی مفهوم سرمایه اجتماعی، مرهون تلاش اندیشمندانی نظیر پی یر بوردیو، جیمز کلمن و رابرت پاتنام^۴ است (مجدی و محمدی، ۱۳۹۵: ۱۶۶).

بوردیو، سرمایه اجتماعی را در بستر شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات تعریف می‌کند. او بیان می‌کند که ارتباطات یک فرد در شبکه، در نتیجه‌ی تجمع مبادلات، تعهدات و هویت به اشتراک گذاشته می‌شود که موجبات ارائه پشتیبانی بالقوه و دسترسی به منابع را برای افراد فراهم می‌آورد (کوششی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۵).

به نظر جیمز کلمن، کنشگران به رویدادهایی که تحت کنترل کنشگران دیگر است علاقه دارند و همین مسأله، باعث ایجاد روابط اجتماعی می‌گردد که در طول زمان تا اندازه‌ای پایدار می‌ماند (کلمن، ۱۳۷۲).

از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی، شبکه‌ها و هنجارها و اعتمادی است که مشارکت کنندگان را قادر می‌سازد تا به‌طور مؤثری با همدیگر کنش داشته باشند و اهداف مشترک‌شان را پیگیری کنند. او با تأکید روی هنجارهای مشارکت مدنی اضافه می‌کند که این منابع

1. Hanifen

2. Jane Jacob

3. Glen Laurie & Ivan Lite

4. Pierre Bourdieu, James Coleman & Robert Putnam

(شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد) در جوامع مدنی، خود خصلتی تقویت کننده دارند و باعث ارتقای همکاری، مشارکت مدنی، اعتماد متقابل و رفاه اجتماعی می‌گردند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۰۰).

با جمع‌بندی نظرات ارائه شده توسط صاحب‌نظران این حوزه می‌توان سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها و ارزش‌هایی دانست که موجب تسهیل همکاری درون‌گروهی و برون‌گروهی افراد جامعه به منظور دستیابی به منافع متقابل و رسیدن به اهداف مشترک به شیوه‌ای موفقیت‌آمیزتر می‌گردد. در واقع سرمایه اجتماعی، شبکه‌ها و هنجارها و ارزش‌هایی است که به اعضای واحد اجتماعی (گروه، محله، اجتماع سازمان و جامعه) امکان می‌دهد تا در یک نوع اقدام جمعی مشارکت نمایند که ماحصل آن، کسب منافع متقابل است.

بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامتی را می‌توان به زمانی نسبت داد که امیل دورکیم^۱ جامعه‌شناس کلاسیک فرانسوی قرن نوزدهم توانست بین میزان خودکشی (به‌عنوان آشکارترین شکل ناسلامتی) با سطوح یکپارچگی و همبستگی اجتماعی و تنظیم اجتماعی، رابطه‌ای را اثبات نماید. از آن زمان تاکنون پژوهش‌های متعددی متأثر از مفهوم یکپارچگی یا ادغام اجتماعی دورکیم، تحت عناوینی نظیر شبکه‌های روابط اجتماعی، حمایت اجتماعی و هم‌اکنون تحت عنوان سرمایه اجتماعی به منظور کشف روابط همبستگی و علی بین عوامل اجتماعی و سلامتی صورت گرفته است (ریاحی، ۱۳۸۷: ۷۴).

ورود مفهوم سرمایه اجتماعی به حوزه سلامتی را شاید بتوان به نوشته‌ها و پژوهش‌های دو تن از صاحب‌نظران یعنی رابرت پاتنام (بویژه کتاب دموکراسی و سنت‌های مدنی) و ویلکنیسون^۲ نسبت داد.

در چند دهه اخیر، تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت به‌طور وسیع بررسی شده است. نتایج حاصل از تحقیقات اولیه نشان داد که ابعاد سرمایه اجتماعی (شبکه‌ها، اعتماد، هنجارها و روابط متقابل) به‌طور مثبت و چشم‌گیری در حفظ و بهبود سلامت تأثیر دارد.

نظریه پردازانی هم چون لینچ و کاپلان (Lynch & Kaplan, 1997)، سرمایه اجتماعی

1. Emile Durkheim

2. Wilkinson

را نوعی انباشت سرمایه و شبکه‌هایی معرفی کرده‌اند که همبستگی اجتماعی، تعهد اجتماعی و در نتیجه نوعی عزت نفس و سلامت را در افراد به وجود می‌آورد. هارفام^۱ نیز معتقد است که سرمایه اجتماعی عوامل استرس‌زا را در زندگی کاهش داده و خطر این عوامل را کم می‌کند. هم‌چنین سرمایه اجتماعی می‌تواند حوادث منفی زندگی چون از دست دادن شغل را در زندگی کاهش دهد (موسوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱۴ - ۱۱۵).

ویلکنیسون نیز معتقد است جوامعی که توزیع درآمد در آنها شدیداً ناعادلانه است، از میزان اندکی از انسجام و یکپارچگی اجتماعی برخوردارند که یکی از راه‌های تأثیرگذاری درآمد بر سلامتی، وجود یا فقدان این منبع اجتماعی (انسجام اجتماعی) است. به عقیده وی، محرومیت‌های مادی و نابرابری درآمد صرفاً در پایین‌ترین سطوح توسعه اقتصادی، بر سلامتی تأثیر منفی دارند، اما با کاهش فقر در جوامع غنی، تنها علل روانی- اجتماعی‌اند که به عنوان عوامل مهم ایجاد کننده نابرابری‌ها در سلامتی نقش ایفاء می‌کنند (ریاحی، ۱۳۸۷: ۸۷).

پاتنام چهار دلیل عمده برای رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت بر شمرده است:

- ۱- شبکه‌های اجتماعی می‌توانند کمک‌های مالی محسوسی به نیازمندان افراد شبکه خود کنند که این امر، باعث کاهش فشار روحی- روانی افراد عضو می‌شود.
 - ۲- شبکه‌ها می‌توانند هنجارهای سالم را تقویت کنند.
 - ۳- افراد شبکه برای دستیابی به خدمات بهداشتی و بهزیستی می‌توانند چانه‌زنی کنند.
 - ۴- دادوستد و تعامل افراد در شبکه روابط اجتماعی، می‌تواند به تقویت سیستم ایمنی و دفاعی بدن فرد کمک کند (بهبودی و باستان، ۱۳۹۱: ۳۱).
- بنابراین، مفروض است که فضاهای اجتماعی که دارای برخی از انواع مشارکت و اعتماد هستند، بهداشت مناسب را ایجاد و یا تسهیل می‌کنند. در حقیقت روابطی چون تعاون، رابطه متقابل و پذیرش این که نیازهای دیگران، نیازهای ما هستند، تأثیر عمیقی بر سلامتی و تندرستی دارند.

سرمایه اجتماعی از عناصری چون (اعتماد اجتماعی، شبکه اجتماعی و هنجار اجتماعی) مشتق شده است.

اعتماد به عنوان یکی از ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، یکی از مهمترین شاخص‌ها و نشانگرهای مؤثر سلامت و بهزیستی است. عقیده اساسی این است که اعتماد افراد به یکدیگر و اعتماد آنها به نهادهای اجتماعی همراه با شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی سودمند می‌تواند اثرات مثبتی بر سلامت جسمی و روانی افراد و همچنین بر کارایی نظام داشته باشد (شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۵). فلورین و اندرمن^۱ معتقدند شرکت کردن در جامعه از طریق مشارکت، این مفهوم را می‌رساند که افراد برای زندگی آرمان دارند و نشان دهنده سلامت و بهزیستی افراد است. گامسون^۲ نیز استدلال می‌کند که مشارکت در جنبش‌های اجتماعی، رشد هویت شخصی را در برمی‌گیرد و نشان دهنده فرصتی برای درک خود است (شربتیان و ایمنی، ۱۳۹۶: ۱۱۷). آلمدوم (Almedom, 2005) معتقد است که عضویت در یک سازمان و اعتماد به گروه‌ها و انجمن‌های شهری با سلامتی، همبستگی بالایی دارد. سطح بی‌اعتمادی نیز به‌طور معناداری با نرخ مرگ‌ومیر رابطه دارد، به‌طوری که یک فرد در اجتماعی با سطح پایین اعتماد، میزان بیشتری از بیماری‌های جسمانی و روانی را تجربه می‌کند. مطالعاتی که در حوزه سرمایه اجتماعی و سلامت به انجام رسیده است، گویای یک رابطه معنادار بین سرمایه اجتماعی و سلامت است. افرادی که از سرمایه اجتماعی فردی بالاتری برخوردارند، ناهنجاری‌های روانی کمتری را تجربه می‌کنند و کمتر دچار اختلالات ذهنی می‌شوند.

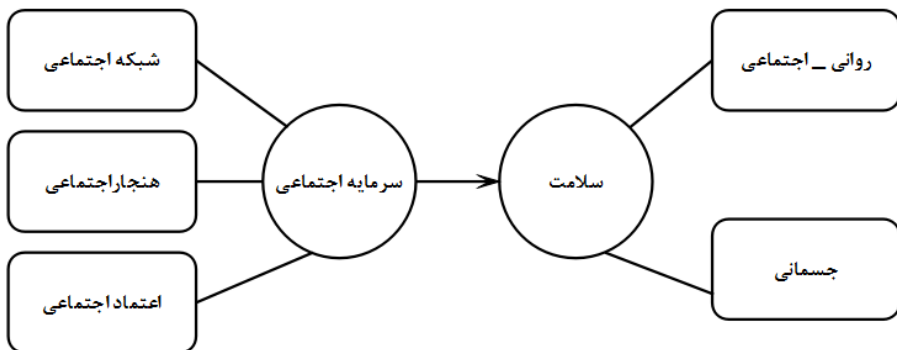
بر این اساس تأثیرات بالقوه سرمایه اجتماعی بر سلامت دست کم به دو شیوه است: اول این که تأثیر سرمایه اجتماعی ممکن است به‌صورت نتیجه مستقیم ویژگی‌های فردی و فعالیت‌هایی باشد که در سرمایه اجتماعی موجود در محلات دخیل است. به‌عنوان مثال، مشارکت در انواع مشخصی از شبکه‌ها یا ابراز اعتماد به‌صورت فردی ممکن است به سلامت اعضای شبکه و آنهایی که ابراز اعتماد می‌کنند به‌صورت مستقیم و صرفاً به‌خاطر عضو بودن در یک شبکه یا ابراز اعتماد کردن تأثیر داشته باشد. درگیر شدن (مسئولیت) انجمنی و یا

1. Florin & Andermann

2. Gamson

اعتماد بین فردی در برخی بافت‌ها و در همه آنها بر سلامت تأثیر داشته است. دوم این که سرمایه اجتماعی ممکن است از طریق تأثیر بر محیط‌های اجتماعی - سیاسی به‌طور غیرمستقیم بر سلامت مؤثر باشد. ممکن است برخی محله‌ها در بسیج منابع جمعی برای حل مشکلات محله‌ای با دلالت‌هایی بر بهداشت عمومی از سایر محله‌ها مجهزتر باشند. به‌عنوان مثال، اعتماد اجتماعی و سیاسی منظم و مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه یا تعداد یا تراکم چنین شبکه‌های انجمنی ممکن است بر توانایی یک محله جهت توجه به مشکلات عمومی یا کاهش جرائم خشونت‌آمیز با دلالت‌هایی بر بهداشت و سلامت تأثیر داشته باشد (سلطانی بهرام و بهارلویی، ۱۳۸۹: ۵-۶).

مطالعات و پژوهش‌های مرتبط سرمایه اجتماعی با بخش‌های حوزه سلامتی بیانگر این است که این دو پدیده اجتماعی دارای نوسانات و تغییرات بسیاری در زمان‌های مختلفی در یک جامعه می‌باشند. سلامت شهروندان در سطوح فردی و عمومی با تغییر در میزان سرمایه اجتماعی، رابطه و همخوانی داشته است. به عبارت واضح‌تر، بالا بودن میزان سرمایه اجتماعی به دنبال خود، افزایش سطح سلامت فردی و عمومی، افزایش امید به زندگی، رفاه و رضایت‌مندی بیشتر و ... را به همراه داشته است. در حالی که سرمایه اجتماعی اندک، با افزایش میزان مرگ‌ومیر عمومی، مرگ‌ومیر حاصل از انواع سرطان‌ها، افزایش بیماری‌های قلبی، اختلالات روانی، خودکشی و ... همراه بوده است (ریاحی، ۱۳۸۷: ۸۳). براساس چارچوب نظری فوق، مدل نظری پژوهش به شکل ۱ ارائه می‌شود و مورد آزمون قرار می‌گیرد.



شکل ۱) مدل نظری پژوهش

فرضیات پژوهش

- بین سرمایه اجتماعی و سلامت شهروندان، رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین شبکه اجتماعی و سلامت شهروندان، رابطه وجود دارد.
- بین هنجار اجتماعی و سلامت شهروندان، رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد اجتماعی و سلامت شهروندان، رابطه وجود دارد.
- بین سن و سطح سلامت شهروندان، رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای جمعیت‌شناختی (جنسیت، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال) و سطح سلامت شهروندان، رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی، به لحاظ معیار زمان مقطعی، به لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ میزان ژرفایی، پهنانگر است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را جمعیت سی سال و بالاتر شهر مشهد تشکیل می‌دهند که تعداد آنها بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، ۸۸۰۶۷۳ نفر مرد و ۸۷۰۳۳۸ نفر زن را شامل شده است. برای برآورد حجم نمونه ابتدا یک مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری انجام گردید، تا پراکندگی صفت مورد مطالعه (سلامت) مشخص گردد و سپس با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران با سطح اطمینان ۹۵٪ و دقت احتمالی ۵٪، حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین گردید. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است، به این صورت که ابتدا شهر مشهد را به دو خوشه بالا و پایین تقسیم کرده و در هر خوشه، تعدادی پرسشنامه توزیع شد. یافته‌های پاسخگویان بر اساس آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تی مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برای بررسی اعتبار وسیله اندازه‌گیری، اعتبار محتوایی مد نظر بوده است که براساس آن ابزار گردآوری اطلاعات به رؤیت تعدادی از متخصصان رسید و براساس مشورت آنها در عین وفاداری به چارچوب اصلی مقیاس‌های استاندارد مورد نظر، برخی گویه‌ها اصلاح و بازنگری شد. برای سنجش

پایایی متغیرهای تحقیق نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان آلفا برای گویه‌های میزان سرمایه اجتماعی برابر $0/83$ و برای گویه‌های سطح سلامت برابر $0/82$ بوده است که با توجه به این که میزان آنها از $0/7$ بیشتر است، نشان از همبستگی درونی بالای گویه‌ها و مطلوب بودن پایایی ابزار پژوهش دارد.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق متغیر مستقل: سرمایه اجتماعی

از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی برابند روابط میان افراد، گروه‌ها و اجتماع است که اعتماد می‌آفریند و این روابط و اعتماد در جای خود کنش جمعی را در رسیدن به هدف یا اهداف جمعی یاری می‌رساند (مجدی و محمدی، ۱۳۹۵: ۱۷۱). صاحب‌نظران و محققین مختلفی که به سنجش سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند و یا در مورد آنها اظهارنظر کرده‌اند، با توجه به رویکرد و یا نوع تحقیق خود به تقسیم‌بندی خاصی از سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. با توجه به تعاریف نظریات و تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته می‌توان ابعاد مختلفی را برای سرمایه اجتماعی در نظر گرفت. در این تحقیق سرمایه اجتماعی به دو بُعد ساختاری و شناختی (هنجاری) تقسیم شده است. شاخص شبکه‌های اجتماعی برای بُعد ساختاری و برای بُعد شناختی، شاخص‌های اعتماد اجتماعی و هنجارهای اجتماعی در نظر گرفته شد. به منظور سنجش میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان، این متغیر در سه بُعد اعتماد اجتماعی (شامل چهار زیربُعد اعتماد بین‌شخصی، اعتماد نهادی، اعتماد به محیط و اعتماد تعمیم یافته) هنجار اجتماعی و شبکه اجتماعی (شامل سه زیربُعد مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی و کیفیت شبکه) سنجیده شد.

متغیر وابسته: سلامت

سلامت، بنا بر تعریف سازمان بهداشت جهانی وضعیت کاملاً مناسب جسمانی، روانی و اجتماعی و نه فقط نبود بیماری، معلولیت و ناتوانی در نظر گرفته شده است (WHO, 1948: 100).

برای سنجش سطح سلامت شهروندان از پرسشنامه استاندارد SF-۳۶^۱ استفاده شده است که به وسیله ویر و شربورن^۲ ساخته شده و از طریق ۳۶ سؤال، سلامت را از ابعاد مختلف مورد ارزیابی قرار می دهد. مقیاس سنجش سلامت شهروندان در دو بعد شامل سلامت فیزیکی^۳ و روانی-اجتماعی^۴ سنجش شده که نمرات بین ۰ تا ۱۰۰ را در بر گرفته است و نمره بالاتر، به منزله سلامت بالاتر است. اعتبار و پایایی این پرسشنامه در جمعیت ایرانی تأیید شده است و ضرایب همسانی درونی خرده مقیاس های هشت گانه آن بین ۰/۷۰ تا ۰/۸۵ و ضرایب بازآزمایی آنها با فاصله زمانی یک هفته بین ۰/۴۳ تا ۰/۷۹ گزارش شده است. همچنین این پرسشنامه می تواند در تمام شاخص ها، افراد سالم را از بیمار تفکیک کند.

یافته های پژوهش

الف) یافته های توصیفی

اطلاعات توصیفی مرتبط با پاسخگویان پژوهش نشان می دهد که میانگین سن پاسخگویان ۴۱/۳۹ سال بوده، ۳۲٪ را زنان و ۶۸٪ از جمعیت نمونه را مردان تشکیل داده اند. میانگین تعداد اعضاء خانواده های نمونه ی مورد بررسی ۴/۱۵ فرزند بوده است. بیش از نیمی از پاسخگویان ۵۱/۷٪ شاغل تمام وقت، ۲۱٪ شاغل نیمه وقت، ۱۴/۳٪ شاغل پاره وقت و ۱۳٪ نیز بیکار می باشند. از نظر نوع شغل، ۳۹/۳٪ از پاسخگویان دارای شغل دولتی می باشند. همچنین ۴۸/۷٪ نیز شغل آزاد دارند. ضمن آن که ۱۲٪

-
1. Short form
 2. Ware & Sherbourne
 3. Physical health
 4. Mental health, social functioning

از پاسخگویان شغل خود را اظهار نکرده‌اند. اکثر پاسخگویان، یعنی ۷۹٪ ازدواج کرده و دارای همسر می‌باشند و گروه‌های ازدواج کرده فاقد همسر در اثر طلاق و ازدواج کرده فاقد همسر در اثر فوت، هر کدام ۱٪ و ۱۹٪ از پاسخگویان هرگز ازدواج نکرده‌اند.

جدول زیر آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد در میان ابعاد سرمایه اجتماعی، بعد هنجار اجتماعی با میانگین ۷۱/۹۴ بیشترین و بعد شبکه اجتماعی با میانگین ۶۳/۱۷، کمترین میزان را به خود اختصاص داده است. به‌طور کلی میانگین سرمایه اجتماعی در میان شهروندان مشهدی، بیشتر از حد متوسط است. همچنین میانگین شاخص کلی سلامت ۷۷/۱۷ و بعد سلامت جسمانی با میانگین ۷۹/۳۹ بیشترین و بعد روانی - اجتماعی با میانگین ۷۳/۶۹ کمترین میزان را به خود اختصاص داده است. بنابراین به‌طور کلی میانگین سلامت در میان شهروندان مشهدی، بیشتر از حد متوسط است.

جدول (۱) آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	دامنه امتیازات	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
سرمایه اجتماعی	۰ - ۱۰۰	۶۶/۵۱	۱۴/۷۷	۳۵/۳۳	۹۱/۳۳
اعتماد اجتماعی	۰ - ۱۰۰	۶۶/۸۰	۱۶/۴۷	۳۰	۹۲
شبکه اجتماعی	۰ - ۱۰۰	۶۳/۱۷	۱۶/۳۵	۲۹/۲۳	۹۲/۳۱
هنجار اجتماعی	۰ - ۱۰۰	۷۱/۹۴	۱۵/۹۳	۳۴/۲۹	۹۷/۱۴
سلامت	۰ - ۱۰۰	۷۷/۱۷	۱۶/۳۰	۲۲/۶۴	۱۰۰
سلامت روانی اجتماعی	۰ - ۱۰۰	۷۳/۶۹	۱۸/۳۷	۲۱/۰۷	۱۰۰
سلامت جسمانی	۰ - ۱۰۰	۷۹/۳۹	۱۶/۴۹	۱۹/۳۲	۱۰۰

ب) یافته‌های استنباطی

آزمون فرضیات

جدول ۲ با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، رابطه بین متغیرهای مستقل را با متغیر وابسته (سلامت) نشان می‌دهد. با استناد به نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها که در این

جدول منعکس شده است، رابطه آماری مثبت و معناداری بین متغیرهای مستقل (سرمایه اجتماعی، شبکه اجتماعی، هنجار اجتماعی و اعتماد اجتماعی) وجود دارد، یعنی با افزایش این متغیرها، شهروندان نیز از سطح سلامت بالاتری برخوردار خواهند بود. هم‌چنین میزان همبستگی متغیر سن شهروندان با میزان سلامت آنها $0/013$ است که همبستگی ضعیفی را نشان می‌دهد و از نظر آماری نیز تأیید نشده است ($P > 0/05$).

جدول ۲) همبستگی متغیرهای تحقیق با سلامت

فرضیات	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	نتیجه
رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت	$0/618$	$0/001$	تأیید
رابطه شبکه اجتماعی با سلامت	$0/580$	$0/001$	تأیید
رابطه هنجار اجتماعی با سلامت	$0/603$	$0/001$	تأیید
رابطه اعتماد اجتماعی با سلامت	$0/499$	$0/001$	تأیید
رابطه سن با سلامت	$0/013$	$0/822$	عدم تأیید

بررسی رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و سلامت

همان‌گونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌گردد، نتایج حاصل از مقایسه میانگین سلامت شهروندان زن و مرد به دلیل آن که متغیر جنسیت دارای سطح سنجش اسمی دو وجهی (زن و مرد) است و متغیر سلامت دارای سطح سنجش در حد فاصله‌ای است، از آزمون پارامتریک تی جهت مقایسه میانگین‌ها استفاده شد. نتایج بیانگر آن است که میانگین نمره سلامت شهروندان مرد برابر با $81/6$ و میانگین نمره سلامت شهروندان زن برابر با $67/7$ است. بنابراین در میان شهروندان 30 سال و بالاتر شهر مشهد، مردان به‌طور معناداری سلامت خود را بالاتر از زنان ارزیابی کرده‌اند ($P < 0/001$).

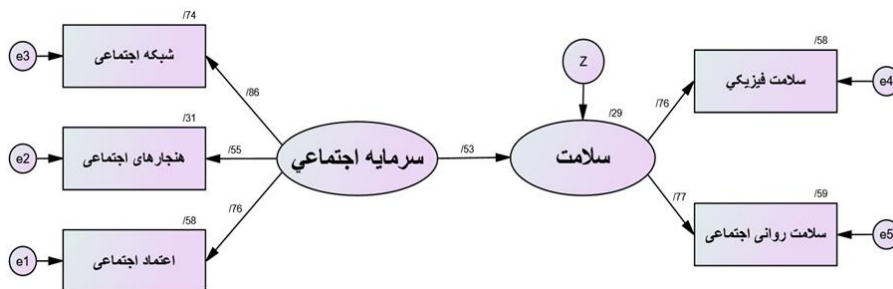
میانگین نمره سلامت شهروندان متأهل برابر با $76/82$ و میانگین نمره سلامت شهروندان مجرد برابر با $80/59$ است. این نتیجه نشان دهنده آن است که در نمونه آماری، میانگین این دو گروه با همدیگر متفاوت است، اما سطح معناداری این آزمون بیانگر آن است که هر چند در جامعه آماری مورد نظر، مجردین سطح سلامت خود را

بیش از متأهلین ارزیابی کرده‌اند، اما این تفاوت از نظر آماری معنادار نیست. میانگین نمره سلامت شهروندان شاغل برابر با ۷۸/۷۵ و میانگین نمره سلامت شهروندان غیرشاغل برابر با ۶۶/۲ است. بنابراین شاغلین از سطح سلامت بالاتری از افراد غیرشاغل برخوردار هستند. بنابراین در میان شهروندان مشهدی، سلامت شاغلین بیشتر از غیرشاغلین ارزیابی می‌گردد ($P < ۰/۰۰۱$).

جدول ۳) آزمون مقایسه میانگین میزان سلامت شهروندان با متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنی‌داری	نتیجه
جنسیت	مرد	۸۱/۶	۱۲/۸	۷/۴۵	۰/۰۰۱	تأیید
	زن	۶۷/۷	۱۸/۸			
وضعیت تأهل	متأهل	۷۶/۸۲	۱۶/۷۶	-۱/۷۹۹	۰/۰۷۵	عدم تأیید
	مجرد	۸۰/۵۹	۱۳/۳۷			
وضعیت اشتغال	شاغل	۷۸/۷۵	۱۶/۰۱	۴/۲۵	۰/۰۰۱	تأیید
	غیرشاغل	۶۶/۲	۱۸/۱۴			

جهت بررسی فرضیه اصلی تحقیق از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس محور استفاده گردید. متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی) و متغیر وابسته (سلامت) به‌صورت متغیرهای مکنون و در قالب مدل‌های عاملی مرتبه اول وارد مدل معادله ساختاری گردیدند. برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری و پارامتر اصلی این مدل (اثر سرمایه اجتماعی بر سلامت) در شکل ۲ و جدول ۴ زیر گزارش شده است.



شکل ۲) مدل معادله ساختاری رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت

جدول ۴) برآورد مقادیر مربوط به مدل‌های عاملی مدل معادله ساختاری

متغیر	خرده‌مقیاس	بارعاملی	مقدار بحرانی *	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	۰/۷۶	-	-
	شبکه اجتماعی	۰/۸۶	۱۰/۹۰۸	۰/۰۰۱
	هنجارهای اجتماعی	۰/۵۵	۸/۸۰۹	۰/۰۰۱
سلامت	سلامت فیزیکی	۰/۷۶	-	-
	سلامت اجتماعی روانی	۰/۷۷	۷/۰۴۴	۰/۰۰۱

*T Value (C.R.)

برحسب مقادیر برآورد شده در جدول ۴، بارهای عاملی مربوط به همه خرده‌مقیاس‌های متغیر سرمایه اجتماعی و همچنین متغیر سلامت در وضعیت مطلوبی قرار دارند. به عبارت دیگر، همبستگی متغیرهای سرمایه اجتماعی و سلامت با خرده‌مقیاس‌های مربوط به این متغیرها در حد متوسط به بالا برآورد می‌شوند. در نتیجه، ابزار سنجش این متغیرها از اعتبار عاملی برخوردار است.

جدول ۵) برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	برآزش مطلق		برآزش تطبیقی			برآزش مقتصد	
	GFI	CMIN	DF	CFI	TLI	RMSEA	CMIN/DF
مقدار	۰/۹۹۳	۵/۵۳۷	۴	۰/۹۹۸	۰/۹۹۵	۰/۰۳۶	۱/۳۸۴

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها، در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند. به عبارت دیگر، برازش داده‌ها به مدل برقرار است و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۶) برآورد مقادیر اثر متغیر سرمایه اجتماعی بر سلامت

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	برآورد		خطای معیار	مقدار بحرانی	سطح معناداری
				غیراستاندارد	استاندارد			
سرمایه اجتماعی	<---	سلامت	۰/۲۸۶	۰/۹۶۴	۰/۵۳۵	۰/۱۴۹	۶/۴۵۹	۰/۰۰۱

مقادیر برآورد شده در جدول ۶ بیانگر این است که متغیر سرمایه اجتماعی ۲۸/۶٪ از واریانس متغیر سلامت را تبیین می‌کند. با در نظر گرفتن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین، این مقدار نسبتاً بزرگ برآورد می‌شود. به عبارت دیگر، متغیر سرمایه اجتماعی در حد نسبتاً بالایی توان تبیین واریانس متغیر سلامت را دارد. از دیگر سو، اثر متغیر سرمایه اجتماعی بر متغیر سلامت به لحاظ آماری معنادار است ($p < 0/001$). بنابراین فرض پژوهش مبنی بر این که متغیر سرمایه اجتماعی بر متغیر سلامت تأثیر دارد، تأیید می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر (۰/۵۳)، می‌توان گفت این اثر مستقیم و نسبتاً قوی برآورد می‌شود، به این معنا که افزایش سرمایه اجتماعی می‌تواند در حد نسبتاً بالایی منجر به تقویت یا افزایش سلامت شود و برعکس، کاهش سرمایه اجتماعی منجر به تضعیف و یا کاهش سلامت گردد.

نتیجه‌گیری

حفظ و ارتقای سلامت، یکی از پیش‌شرط‌های اساسی در رسیدن به توسعه پایدار است. انسان زمانی می‌تواند در راستای محور توسعه نقش‌آفرینی کند که از سلامت و تندرستی برخوردار باشد. مطالعات بسیاری در ایران پدیده سلامت را بررسی کرده‌اند و متخصصان علوم اجتماعی و مددکاران اجتماعی از ابعاد گوناگون به این موضوع پرداخته‌اند. در این

پژوهش، با رجوع به اغلب دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی موجود و بهره‌گیری از نتایج به‌دست آمده از مرور آنها برای تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت شهروندان، چارچوب نظری تحقیق تنظیم و در قالب آن فرضیه‌های تحقیق ارائه شد و مورد آزمون قرار گرفت. فرضیه اصلی پژوهش حاضر مبنی بر وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت شهروندان ۳۰ سال و بالاتر شهر مشهد بود که یافته‌های تحقیق نشان داد که میزان همبستگی متغیر مستقل سرمایه اجتماعی با میزان سلامت شهروندان برابر با ۰/۶۱۸ است. این نتیجه بیانگر وجود همبستگی مثبت (مستقیم) بین سرمایه اجتماعی و سلامت است. به عبارت دیگر، نتایج آزمون حاکی از آن است که با افزایش میزان سرمایه اجتماعی شهروندان، میزان سلامت آنها نیز افزایش می‌یابد. نکته قابل توجه در مورد ابعاد سرمایه اجتماعی نیز آن است که هنجار اجتماعی، دارای بیشترین ضریب همبستگی با سلامت (با میزان همبستگی ۰/۶۰۳) است و در اولویت‌های بعدی نیز به ترتیب متغیرهای شبکه اجتماعی و اعتماد اجتماعی، دارای بیشترین رابطه و همبستگی با سلامت شهروندان می‌باشند. هم‌چنین نتایج مدل معادلات ساختاری تحقیق نشان داد که ۰/۲۹٪ از تغییرات متغیر وابسته (سلامت)، توسط متغیر مستقل یعنی سرمایه اجتماعی، تبیین می‌شود و با توجه به مقدار ضریب تأثیر ۰/۵۳، اثر سرمایه اجتماعی بر سلامت، اثری مستقیم و نسبتاً قوی برآورد می‌شود. این یافته با نتایج برخی از مطالعات نظیر (علیزاده اقدم، ربانیو مبارک بخشایش، ۱۳۹۱؛ صابری فر، ۱۳۹۵؛ کیوان‌آرا، حقیقتیان و علی‌بابایی، ۱۳۹۳؛ موریاما، فوجیوارا و کاواچی (Murayama, Fujiwara & Kawachi, 2012)، رونکانی، براون و شفلر (Ronconi, Brown & Scheffler, 2012) همخوانی دارد. در واقع، این نتیجه تأیید کننده دیدگاه‌های بوردیو، پاتنام و کلمن در رابطه با تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت است که در چارچوب نظری تحقیق بدان اشاره گردید.

همان‌گونه که کلمن مطرح کرده و در این تحقیق نیز نشان داده شد، سرمایه اجتماعی منبعی از روابط اجتماعی میان اجتماع است. از طرف دیگر، به قول پاتنام، سرمایه اجتماعی فراتر از آن که منبعی از احساس تعلق افراد به اجتماع، همکاری اجتماعی، روابط متقابل، اعتماد و نگرش مثبت به نهادها باشد، دربرگیرنده مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و یا

مشارکت مدنی است که با افزایش آن، همسو با نتایج این پژوهش می‌تواند سلامت را بهبود بخشد. هم‌چنین نتایج تحقیق نشان داد که بین متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت و وضعیت اشتغال با سلامت شهروندان، تفاوت معناداری مشاهده گردید. بدین معنا، مردان در مقایسه با زنان و افراد شاغل نسبت به غیرشاغلین، از سطح سلامت بالاتری برخوردار بودند. در تبیین چگونگی ارتباط سرمایه اجتماعی و سلامت باید اذعان داشت که یکی از وجوه سلامت، رابطه اجتماعی است و سرمایه اجتماعی از طریق ایجاد احساس اعتماد، امید به زندگی، مشارکت‌پذیری و تسهیل کنشگری جمعی و کنش بر اساس اعتماد متقابل و همدردی مشترک، به سلامت به‌عنوان یکی از شقوق توسعه پایدار کمک می‌نماید. علاوه بر این، سرمایه اجتماعی از طریق ایجاد حس اعتماد در جامعه، منجر به بروز محیط اجتماعی مناسب شده و احساس بی‌قدرتی و بیگانگی در شهروندان را کاهش می‌دهد و از این طریق، سلامت آنان را ارتقاء خواهد داد.

سرمایه اجتماعی با ایجاد اشکال متنوعی از حمایت اجتماعی، به‌عنوان عامل میانجی در برابر فشار و استرس‌های روزمره عمل می‌کند. علاوه بر این، سرمایه اجتماعی زمینه‌یادگیری مهارت‌های اجتماعی را در شهروندان فراهم آورده و احساس تعلق به جامعه را در آنان تقویت می‌کند که همین عامل، منجر به نوعی حس تأثیرگذاری و معنابخشی در فرد شده و به‌صورت غیرمستقیم مشارکت اجتماعی و خودشکوفایی اجتماعی را در آنان ارتقاء می‌دهد.

کاواچی و برکمن نیز از ساز و کارهایی یاد می‌کنند که از طریق آن، سرمایه اجتماعی بر سلامتی اثر می‌گذارد. نخست در سطح ملی، سرمایه اجتماعی با تقویت انتشار سریع اطلاعات مرتبط با سلامت و نیز افزایش احتمال پذیرش هنجارهای رفتار سالم و نیز اعمال کنترل و نظارت بر رفتار زیان‌مند، بر سلامتی تأثیر می‌گذارد. دوم، سرمایه اجتماعی می‌تواند از راه افزایش دستیابی به خدمات و تسهیلات، بر سلامتی اثر بگذارد. سرانجام، سرمایه اجتماعی می‌تواند از راه مسیرهای مستقیم روانی-اجتماعی، بر سلامت اثر بگذارد. بویژه آن‌که سرمایه اجتماعی می‌تواند با تأمین حمایت اجتماعی و نیز عزت نفس و احترام متقابل، سلامتی افراد را تقویت کند (افشانی و شیرینی محمدآباد، ۱۳۹۶: ۱۶).

بنابراین، نتایج حاصل از پژوهش حاضر، همسو با پیشینه نظری و تجربی تحقیق بوده و بر همین مبنا، پیشنهاد می‌شود به منظور ارتقای سلامت و بهبود وضعیت فعلی شهروندان، صرفاً به اقدامات صورت گرفته از سوی وزارت بهداشت بسنده نکرده و برنامه‌ریزان اجتماعی و مدیران سازمان‌ها و نهادهای گوناگون در سطح جامعه، برنامه‌های خود را هدفمند دنبال کرده و راهکار سابق خود در جهت پیشبرد اهداف جامعه و ارتقاء سلامت شهروندان را مجدداً مهندسی نمایند.

محدودیت‌ها و تنگناهای تحقیق

- در فرایند اجرای هر پژوهش، همواره مسائل و مشکلاتی پیش روی محققین است که تحقیق حاضر نیز از این قاعده مستثنی نیست.
- بسیاری از افراد به دلیل تعداد بالای سؤالات و هم‌چنین عدم آشنایی با پرسشنامه و تحقیقات پیمایشی، از پاسخ دادن به آن امتناع کردند.
 - از لحاظ علمی در این حوزه، تحقیقاتی که دو متغیر سرمایه اجتماعی و سلامت را با هم مورد سنجش و بررسی قرار دهند، اندک بود.
 - محدود بودن ابزارهای سنجش سرمایه اجتماعی و سلامت، متناسب با جامعه ایران.

منابع

- افشانی، علیرضا؛ شیری محمدآباد، حمیده (۱۳۹۶). "نقش سرمایه اجتماعی در ارتقای سلامت اجتماعی زنان شهر یزد". *پژوهش‌نامه زنان*، دوره هشتم، ش ۴ (زمستان): ۱-۲۰.
- امینی رارانی، مصطفی؛ موسوی، میرطاهر؛ رفیعی، حسن (۱۳۹۰). "رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی در ایران". *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، دوره یازدهم، ش ۴۲ (پاییز): ۲۰۳-۲۲۸.
- بهبودی، داود؛ باستان، فرانک (۱۳۹۱). "تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت عمومی در ایران". *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، دوره اول، ش ۱ (تابستان): ۲۷-۴۶.

- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: وزارت کشور، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی.
- ----- (۱۳۸۴). *جامعه برخورددار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی*. تهران: شیرازه.
- تاجدار، وحید؛ رفیعیان، مجتبی؛ تقوایی، علی اکبر (۱۳۸۹). "سنجش مؤلفه سلامت در کلان شهر مشهد از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری". *هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، دوره نهم، ش ۴۱ (بهار): ۱۰۱-۱۱۰.
- ریاحی، محمداسماعیل (۱۳۸۷). "سرمایه اجتماعی و سلامتی (توصیف رابطه و تبیین سازوکارهای اثرگذاری)". *توسعه انسانی، دوره سوم*، ش ۱ (پاییز): ۶۷-۹۴.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ کاظمی، سمیه (۱۳۹۴). "بررسی عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی معلمان مقطع ابتدایی ناحیه یک شهر یزد". *دوماهنامه علمی- پژوهشی دانشکده بهداشت یزد، دوره چهارم*، ش ۶ (زمستان): ۵۰-۶۷.
- ساعی، راحله (۱۳۸۸). "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت شهروندان تبریز". *پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز*.
- سلطانی بهرام، سعید؛ بهارلویی، حمزه (۱۳۸۹). "سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی، یک نگرش جامعه‌شناختی". در: *مجموعه مقالات اولین همایش کشوری دانشجویی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت*. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران: ۱-۶.
- سیدان، فریبا؛ عبدالصمدی، محبوبه (۱۳۹۰). "رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روان زنان و مردان". *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، دوره یازدهم، ش ۴۲ (پاییز): ۲۲۹-۲۵۴.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۸). "بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی به نیروهای انتظامی (مطالعه موردی: استان مازندران)". *جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه*

- اصفهان، دوره بیستم، ش ۴ (زمستان): ۱-۱۶.
- شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۱). "تأملی بر پیوند معنایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و میزان بهره‌مندی از سلامت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه پیام‌نور مشهد". *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، دوره دوم، ش ۵ (بهار): ۱۴۹-۱۷۴.
 - ----- (۱۳۹۵). "مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت روانی زوج‌های جوان". *زن و مطالعات خانواده*، دوره نهم، ش ۳۴ (بهار): ۱۱۵-۱۴۲.
 - شربتیان، محمدحسن؛ ایمنی، نفیسه (۱۳۹۶). "تحلیل جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان منطقه ۴ شهری تهران)". *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره هشتم، ش ۳۰ (بهار): ۱۰۵-۱۴۱.
 - صابری‌فر، رستم (۱۳۹۵). "بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر سلامت روان شهروندان (نمونه موردی: شهر مشهد)". *پژوهش سلامت*، دوره اول، ش ۲ (زمستان): ۱۰۵-۱۱۲.
 - علیزاده اقدم، محمدباقر؛ ربانی، رسول؛ مبارک بخشایش، مرتضی (۱۳۹۱). "بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و احساس محرومیت بر سلامت شهروندان (مطالعه موردی: شهر اصفهان)". *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره چهارم، ش ۱۵ (تابستان): ۴۶-۸۷.
 - کلمن، جیمز (۱۳۷۲). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
 - کوششی، مجید، و دیگران (۱۳۹۵). "تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت سالمندان ۶۰ سال و بالاتر در مناطق شهری مشهد". *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، دوره سیزدهم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۱۰۹-۱۲۹.
 - کیوان‌آرا، محمود؛ حقیقتیان، منصور؛ علی‌بابایی، معصومه (۱۳۹۳). "بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روان در بین شهروندان شهرکرد". *مجله علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، دوره بیست و دوم، ش ۷ (بهمن): ۴۷-۵۵.
 - مجدی، علی‌اکبر؛ محمدی، فردین (۱۳۹۵). "بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و

- اثر بخشی فردی کارمندان بانک‌ها (مورد مطالعه: کارمندان بانک‌های دولتی شهر سنندج)". *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، دوره سیزدهم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۱۶۱-۱۸۶.
- مرنندی، علیرضا (۱۳۸۵). *عوامل اجتماعی سلامت در کتاب جامع بهداشت عمومی*. تهران: کتاب‌پردازان.
 - موسوی، میرطاهر، و دیگران (۱۳۹۴). "بسط مفهومی سرمایه اجتماعی با رویکرد سلامت اجتماعی". *رفاه اجتماعی*، دوره پانزدهم، ش ۵۷ (تابستان): ۱۰۹-۱۵۰.
 - هزارجریبی، جعفر؛ مهری، اسدالله (۱۳۹۱). "تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روانی و اجتماعی". *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی*، ش ۵۹ (زمستان): ۴۱-۸۸.
 - Alesina, A.; La Ferrara, E. (2000). "Participation in heterogeneous communities". *The quarterly journal of economics*, Vol. 115, No. 3: 847-904.
 - Almedom, A. M. (2005). "Social Capital and Mental Health: An Interdisciplinary Review of Primary Evidence". *Social Science & Medicine*, Vol. 61, No. 5: 943- 964.
 - Fiorillo, D.; Sabatini, F. (2015). "Structural social capital and health in Italy". *Economics & Human Biology*, Vol. 17, No. 129-142.
 - Hurtado, D.; Kawachi, I.; Sudarsky, J. (2011). "Social capital and self-rated health in Colombia: the good, the bad and the ugly". *Social Science & Medicine*, Vol. 72, No. 4: 584-590.
 - Kawachi, I.; Kennedy, B. P.; Glass, R. (1999). "Social capital and self-rated health: a contextual analysis". *American journal of public health*, Vol. 89, No. 8: 1187-1193.
 - Li, T.; Zhang, Y. (2015). "Social network types and the health of older adults": *Exploring reciprocal associations. Social Science & Medicine*,

Vol. 130, No. 59-68.

- Lynch, J. W.; Kaplan, G. A. (1997). "Understanding how inequality in the distribution of income affects health". *Journal of Health Psychology*, Vol. 2, No. 3: 297-314.
- Mohnen, S. M.; et al. (2011). "Neighborhood social capital and individual health". *Social science & medicine*, Vol. 72, No. 5: 660-667.
- Murayama, H.; Fujiwara, Y.; Kawachi, I. (2012). "Social capital and health: a review of prospective multilevel studies". *Journal of Epidemiology*, Vol. 22, No. 3: 179-187.
- Ronconi, L.; Brown, T. T.; Scheffler, R. M. (2012). "Social capital and self-rated health in Argentina". *Health economics*, Vol. 21, No. 2: 201-208.
- Story, W. T. (2013). "Social capital and health in the least developed countries: a critical review of the literature and implications for a future research agenda". *Global public health*, Vol. 8, No. 9: 983-999.
- Vincens, N.; Emmelin, M.; Stafstrom, M. (2018). "Social capital, income inequality and the social gradient in self-rated health in Latin America: A fixed effects analysis". *Social Science & Medicine*, Vol. 196, No. 115-122.
- WHO (2007). Promoting Mental Health: A report of the world health organization. Melbourne: University of Melbourne, Department of Mental Health.
- World Health Organization (1948). Official records of the world health organization. *Proceedings and Final Acts of the International Health Conference*. New York, 19- 22 June 1946.

بازتاب مسلک‌های اخلاقی در تصوف خراسان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱

سال سیزدهم، شماره اول، پاییز ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۲۸

شماره صفحه: ۵۰-۳۵

پیمان ابوالبشری^۱

حسن صادقی سمرجانی^۲

چکیده

تصوف در خراسان بزرگ سده‌های پنجم و ششم توانست با تکیه بر آبشخورهای فکری ممتاز و متمایز از جنبش زهاد در عراق، سرآغاز تحولی عمیق در تاریخ معارف باطنی جهان اسلام و تولید مکتوبات صوفیانه شود. جایگاه ایالت خراسان و تنوع اقلیت‌های دینی، به شکوفایی تصوف در این سرزمین، کمک بزرگی کرد. شیوخ خراسانی با یاری گرفتن از مرام‌های کهنی هم‌چون جوانمردی، ملامتی، عیاری و قلندری که در این خطه وجود داشت، به باروری هر چه بیشتر تصوف یاری رساندند و آن را از پيله تنگ معرفتی کناره و خاموش و تکیه بر زهد سرسختانه، هم‌چنان که در عراق بود، به جریانی قدرتمند تبدیل کردند، شرایطی که پیش از آن وجود نداشت. یافته‌های این پژوهش که مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی است، نشان می‌دهد که تصوف خراسان از سنن مستقل ملامتی، قلندری، عیاری و ... برای گسترش اقتدار خود استفاده و نهایتاً با حذف استقلال اندیشه‌های مزبور، آنها را در خود هضم کرده است.

واژگان کلیدی: صوفیان، عیاران، جوانمردان، خراسان، قلندران، ملامتیان

مقدمه

در مکتب تصوف خراسان واقعیتی منحصر به فرد وجود دارد. عناصری اخلاقی و دینی در این مکتب موجود است که بومی و خاص همین سرزمین است و آن طور که شایسته است، مورد بازبینی واقع نشده است. بسیاری از تحقیقات شرق شناسان در حوزه تاریخ اندیشه تصوف در خلأ و بدون در نظر گرفتن پس زمینه های تاریخی و اجتماعی انجام شده است که نتیجه اش تمایل محققان برای پیوسته نشان دادن سیر تکاملی معارف جنبش زهاد با تصوف و در نهایت آشکار کردن تأثیرات الهیات مسیحی و نوافلاطونی بر هر دو است که نتیجه آن، حذف عناصر هویتی اخلاقی در سرزمین خراسان است. انگشت شمارند، محققانی هم چون سعید نفیسی که به این عناصر اخلاقی منحصر به فرد در تصوف خراسان توجه نشان داده باشند. سعید نفیسی در کتاب سرچشمه تصوف در ایران که حاصل درس گفتارهای او در دانشگاه تهران بود، فرضیه های درخشانی را در آن طرح کرد. از همان ابتدا نفیسی (۱۳۸۵: ۲۹، ۴۴) «سعی می کند خود را از یوغ اندیشه های شرق شناسان درباره تصوف خراسان، رهایی بخشد. او ریشه تصوف ایران را در شرق و نه اندیشه مسیحی غربی جستجو می کند و با تیزبینی به تأثیر بودائیان شرق ایران در فرقه های صوفیه خراسان بزرگ اشاره دارد». نویسنده اگر چه از مظاهر بیرونی این تأثیر مانند معماری و وقایع نگاری پیش از اسلام و حضور دین بودا در ایران فراتر نمی رود، شرق شناسانی هم چون «ماسینیون و بسیاری دیگر را در ریشه و منشأ تصوف به چالش می کشد» (همان: ۷۲). نفیسی به طور علنی محققان اروپایی را که ریشه هر علمی را در تمدن یونانی و رومی جستجو می کنند، به مقابله فرا می خواند و «به محققان اروپایی نوعی خودپرستی و خودخواهی نسبت می دهد» (همان: ۷۱).

به رغم نگارش مقالات فراوان فارسی، هنوز به آبشخورهای اخلاقی تأثیرگذار تصوف که بومی خراسان بوده است، اشاره دقیق و مشخصی نشده است. از این میان، تنها می توان به محدود نوشته هایی از حبیب الله عباسی و زهرا رستمی اشاره کرد که به طور مثال با "بررسی مؤلفه ای از خسروانیات در تصوف خراسان" یکی از مؤلفه های مؤثر در تصوف را برجسته کرده اند یا مقاله دیگری از ناصر صدقی و ناهید باقری توفیقی که "مبانی

فکری تصوف خراسان در عهد سلجوقی " را در یک دوره معین بررسی کرده‌اند و اساساً مرزبندی دقیقی از این که کدام مرام‌های اخلاقی دقیقاً بر تصوف خراسان تأثیر گذاشته، عبور کرده‌اند. مقالات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که تنها به توصیف ظاهری مکتب خراسان پرداخته است (صمدی و صدیقی، ۱۳۸۷: ۵۹-۶۱).

در اینجا نویسندگان این سطور به تأکید می‌گویند که محققان مسیحی آگاهانه یا ناآگاهانه، تمایلی به بررسی تأثیر مسلک‌های اخلاقی بومی در شرق جهان اسلام هم‌چون مانویان، بوداییان، قلندران، ملامتیان، عیاران و جوانمردان در تصوف از خود نشان نداده و پیش‌فرض‌های الهیاتی خویش را در این مسائل داخل کرده‌اند. عدم تأسیس گرایش‌های میان‌رشته‌ای و مطالعات بین‌ادیانی در کند شدن روند این مسیر، مؤثر بوده است. علاوه بر این، بیشتر محققان ایرانی نیز دنباله‌روی راه خاورشناسان بوده و بر مکاتب اخلاقی شرق ایران، تمرکز جدی نداشته‌اند. مسأله این نوشته فهم این نکته است که کدام مرام‌های اخلاقی موجود در سرزمین خراسان، تصوف را از معرفتی کناره و زاهدگرا، به جریانی قدرتمند تبدیل کردند.

بوداییان خراسان

نویسنده /شکال/العالم در فصل نوزدهم کتاب خویش به جغرافیای خراسان و توابع آن می‌پردازد و مرزهای آن را از سمت شرق به سیستان و هند، از طرف شمال به ماوراءالنهر و از سوی جنوب به بیابان فارس و کرمان و منطقه قومس محدود می‌کند. جیهانی نیز در فصل آخر کتاب خویش، مرزهای گسترده‌تری برای خراسان تعریف می‌کند. وی سرزمین کافر نشین بودائی غور را در مرزهای خراسان می‌گنجاند و جغرافیای مستقلی به لحاظ سیاسی - اقتصادی برای ماوراءالنهر تعریف می‌کند. از همین سرزمین بود که طبق گفته‌ی اصطخری (۱۳۴۰: ۲۲۰) از منطقه غور، برده‌های کافر به هرات و سیستان می‌فرستادند. موضوعی که در این قسمت حائز اهمیت است این که در حالی که مشک و عود تبت به خراسان بزرگ از راه مسیرهای تجاری حمل می‌شد (همان: ۲۲۷؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۸)، پس برده‌های بودائی سرزمین غور و خوش شامل مناطق

وَحّان و سفینه در خراسان بزرگ که به کافرستان مشهور بود، نیز می‌توانستند حاملان فرهنگی ادیان هندی- بودایی به‌شمار آیند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۳۳). ناگفته نماند که البته مهمترین مرکز بودائی در خراسان بزرگ، بامیان بود؛ سرزمینی در میان یکی از تنگه‌های کوهستان غور. از دوره باستان ارتباطی ناگسستنی بین بودائیان آسیای مرکزی و چینی وجود داشت. استفاده شعرای فارسی از کلمه بت، بتخانه و شمن از تأثیر عمیق و شگفت بودائیان در اشعار فارسی است. سعید نفیسی به تأثیر چنین مظاهر بیرونی در منابع تاریخی و جغرافیایی به نحو شایسته و دقیقی اشاره می‌کند. مؤلف کتاب *حدود العالم من المشرق الى المغرب* (۱۳۴۰: ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۱۰۱) از بودائیان خراسان بزرگ عصر اسلامی نام می‌برد که دارای بتخانه و راهبان‌اند. از میان محققان معاصر، لسترنج^۱ (۱۳۷۷: ۴۰۸) بر این باور است که «خراسان در زبان قدیم فارسی به معنی خاور زمین است و ... به‌طور کلی بر تمام ایالات اسلامی که در سمت خاور کویر لوت تا کوه‌های هند واقع بودند، اطلاق می‌شد و به این ترتیب تمام بلاد ماوراءالنهر را در شمال خاوری به استثنای سیستان و قهستان در جنوب شامل می‌شد». به این ترتیب، می‌توان احتمال داد که تصوف در خراسان بزرگ به سبب موقعیت جغرافیایی و نزدیکی به مراکز بودائی- مانوی، از اندیشه‌های مزبور تأثیر گرفت و متقابلاً تصوف خراسان تا هند و سین‌کیانگ چین و قفقاز و داغستان راه یافت (پورجوادی و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۶).

تصوف خراسان

سرزمین خراسان بزرگ را می‌توان به‌دلیل قرار گرفتن در کانون تلاقی ملل و نحل گوناگون، ظهور زهاد و صوفیان مشهور، گستردگی فرقه‌ها و مکاتب صوفیانه و نگارش آثار برجسته از سوی عرفا و مهد تصوف در جهان اسلام به‌حساب آورد. با این حال، هنوز در باب جایگاه خراسان در شکوفایی تصوف، سخن جدی گفته نشده است. به‌علاوه، به نظر می‌رسد به‌رغم پژوهش‌های پراکنده در حوزه تصوف، ادوار تاریخی بنیان‌های معرفتی مزبور در شرق ایران، بویژه اعصار نخستین اسلامی، مرزبندی دقیقی به‌عمل

نیامده و به جای تأمل بر گسست‌ها و تفاوت‌ها در حوزه مبانی و اصول اندیشه‌ای در هر دوره، به هم‌شکلی و شباهت اصول و باورهای صوفیانه در طی سده‌ها تأکید و از حضور اخلاقیات مجزای ملامتی و عیاری و ... غفلت شده است.

مکتب تصوف خراسان، مؤلفه‌های منحصر به فردی در خود دارد. تصوف خراسان از مکاتب بغداد و بصره با سنت تسامح و رواداری تمام و کمال، تمایز بخشیده شده که این مسأله تا حد زیادی متأثر از حضور ملامتیان، جوانمردان، عیاران و اقلیت‌های دینی دیگر و تأثیر آنها در تصوف است. تقریباً بسیاری از شرق‌شناسان بر این باورند که سنت عرفانی در دین اسلام، تصوف است (لویزن، ۱۳۸۴: ۵۱)، اما نکته‌ای که باید اهمیت آن را درک کرد این است که گروه‌ها و فرقه‌های دیگری خارج از چارچوب تصوف، فعالیت داشته‌اند، مانند ملامتیان یا قلندران که در شرق جهان اسلام گسترش پیدا کردند و زیرمجموعه تصوف محسوب نمی‌شدند اما به سنت عرفانی جهان اسلام متعلق بودند. سارا سویی^۱، تحلیل فوق‌العاده هوشمندانه‌ای از این موضوع ارائه می‌کند، او می‌نویسد: صوفی خواندن تمامی عرفای مسلمان تحت عنوان کلی صوفیه، نتیجه مستقیم یکپارچه کردن آرمان تصوف زیر یک پرچم از سوی نویسندگانی هم‌چون سراج، و سلمی و بعدها قشیری و هجویری، صورت گرفت (همان: ۱۵۵).

ملامتیان

کلمه صوفی در ابتدا تنها برای زهاد کوفه و بعدها برای تمام صوفیان عراق در مقابل ملامتیان خراسان به کار می‌رفت. ظاهراً از معدود محققانی که به این نکته پی برده است، شفیع کدکنی (۱۳۸۶: ۲۲-۲۳) است که در نگاهی دقیق‌تر «تپش‌های دینی سده سوم هجری در خراسان بزرگ را به صوفیه و ملامتیه و جوانمردان تقسیم کرده است». شرق‌شناسان نیز به این طبقه‌بندی اشاره داشته‌اند اما موضع‌گیری نکرده‌اند (شیمل، ۱۳۸۱: ۱۶۲). تقریباً تمامی دسته‌های موجود به تفاوت صوفیه و ملامتیه اشاره کرده‌اند (سلمی، ۱۳۸۹: ۲۷-۲۸). دانسته است که هیچ اندیشه‌ای در خلأ و به

دور از از بسترهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جوامع بشری شکل نمی‌گیرد. ملامتیان خراسان نیز از این موضوع، مستثنی نیستند. ملامتیان در اواسط سده سوم هجری قمری در شهر نیشابور ظهور کردند و در دو قرن بعدی توانستند در خراسان و ماوراءالنهر گسترده شوند (گولپینارلی، ۱۳۷۸: ۱۹). اخلاقیاتی که آنها در نیشابور تبلیغ کردند، نوعی عملگرایی را در رویکرد مؤمنان نسبت به امور دنیوی ایجاد کرد که با هنجارهای تشویق شده از سوی حکومت سامانی و مردم آن سامان تطابق داشت. معارف ایشان از ابتدا تا انتها عملی بود و بُعد نظری نداشت و به همین دلیل از سیره بزرگان ملامتی، رساله مستقلی در دست نیست. با این حال در سده‌های میانه اسلامی، متون تصوف و به‌ویژه دستینه‌های صوفیانه، ملامتیان را شیوخ خویش به‌شمار آوردند و این نشان‌دهنده ذوب این مسلک به‌طور کامل در تصوف خراسان و یکی از عوامل مهم در شکوفایی آن محسوب شد.

احتمالاً اگر در متون صوفیانه، وارونه‌خوانی صورت گیرد، نتایج جالبی از تأثیرات ملامتیان بر صوفیان به‌دست آید. به‌عنوان نمونه وقتی امام قشیری، رساله خود را نوشت از تمایلات رهبر معنوی‌اش، ابوعبدالرحمن سلمی به سلوک ملامتی آگاه بود و احتمالاً به همین دلیل بود که از او نامی در کتاب خود نیاورد و مهمتر آن که حتی در تعریف مفهوم/خلاص که مفهوم پایه‌ای در میان ملامتیان بود، به داستان‌های ایشان اشاره‌ای نکرد و بر تشریح و توصیف صوفیان از این اصطلاح پای فشرد. نکته مهم، لزوم توجه عمیق به غیبت‌های آگاهانه از متون است و تلاشی که به‌عنوان نمونه قشیری در حذف تأثیر ملامتیان بر صوفیان در این مقطع تاریخی داشت. پیش از این، در جایی دیگر به‌طور مفصل اشاره شده است که ملامتیان، مرام‌هایی متمایز و منفک از تصوف داشتند که در سده‌های پنجم و ششم، اصول‌شان در تصوف خراسان جذب شد و به باروری آن کمک بسیار کرد (ابوالبشری و دیگران، ۱۳۹۵: ۳).

جوانمردان

دلایلی وجود دارد که آیین جوانمردی، مسلکی پیش از اسلامی و ایرانی بود و بعدها در جهان اسلام پراکنده شد (نفیسی، ۱۳۸۵: ۱۵۴). حضور گروه‌های جوانمردی ابتدا از خراسان شروع شد و بعدها به نواحی دیگر ایران، عراق و شام رفت و در قرن ششم هجری نیز در آناتولی و سوریه و مصر گسترده شد (گولپینارلی، ۱۳۷۹: ۱۰۹). از رساله ملامتیه ابو عبد الرحمن سلمی در قرن پنجم برمی‌آید که اهل فتوت از همان ابتدا خود را از صوفیان جدا و با ملامتیه پیوند برقرار کردند و حتی به نوعی از سوی بزرگان ملامتیه پذیرفته شدند. تفاوت جوانمردان با طریقت‌های صوفیانه نیز در این بود که اهل فتوت اهل دنیا بودند. کسب حلال، یاری به جوانمردان و تعاون از شروط عمده اهل فتوت به‌شمار می‌رفت. بعدها بود که مقوله جوانمردی با صوفیه خراسان پیوند ناگسستنی یافت و به یکی از مؤلفه‌های هویتی در تصوف خراسان تبدیل شد. امام قشیری تأکید ویژه‌ای بر نام بردن از جوانمردان خراسان بزرگ داشت. به‌عنوان نمونه، از ابوالحسن علی بن احمد بن سهل بوشنجی نام برد که از جوانمردان خراسان بود. نمونه کلاسیک دیگر، از آمیختگی مسلک و مرام صوفیان و جوانمردان در فضیل عیاض جمع شده بود (عطار نیشابوری، ۱۳۹۴: ۱۳۰-۱۳۱) که رادمهر (۱۳۸۳: ۱۳۸) درباره آن به تفصیل توضیح داده است. نکته شگفت‌انگیز دیگری که جذب تصوف و آیین جوانمردی را آشکارا نشان می‌دهد و پیش از آن در جایی اشاره نشده است این که خطاب و گفتگوی ابوالحسن خرقانی نیز در کتاب نوشته بر دریا، با جوانمردان است که حاکی از پیوند عمیق صوفیان و سنت جوانمردی ایران باستانی در خراسان بزرگ است. حکایات این قطب خراسان با جوانمردان تا آخرین صفحات کتاب ادامه می‌یابد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۳۸۴). مهم‌تر از همه این که فتوت‌نامه‌های سده ششم به بعد از سوی صوفیان به رشته تحریر درآمد که نشانی از درآمیختگی کامل این مرام‌های متفاوت با تصوف است، به نحوی که یکی از بزرگان متفکر شیعی، عبدالرزاق کاشانی که شاگرد ابن عربی بود، کتابی به نام فتوت‌نامه، تألیف کرد (کربن، ۱۳۸۳: ۱۳).

مهم‌ترین عناصر هویتی از جوانمردان که به نظر می‌رسد به صوفیه خراسان هم منتقل

شده باشد، شاید بتوان علاقمندی به اهل بیت پیامبر (ص) دانست. اهل فتوت راه خود را راه علی می‌نامیدند و اعتقادشان بر این بود که فتوت حضرت محمد (ص) به حضرت علی (ع) رسیده است. جوانمردان، محبت علی (ع) و اهل بیت را بزرگ‌ترین ارزش می‌شمردند و در این زمینه تا عقاید باطنی و غالی و تمسک به حکایات مجعول پیش می‌رفتند (همان: ۷۵). فتوت از یک سو با تصوف و زهد، از یک سو با پهلوانی و اصناف در شهرها و از سوی دیگر، با تشیع پیوستگی عمیقی داشت.

ناگفته نماند که در توضیح بعضی از مشاغل، فتوت‌نامه‌ها با روایاتی از ائمه شیعه شروع می‌شود. به عنوان نمونه، در بیان کار سلاخان و قصابان، امام جعفر صادق (ع) روایتی از آدم نقل می‌کند (افشاری و مدائنی، ۱۳۸۸: ۱۷۷، ۲۵۱). معمولاً وقتی فتوت‌نامه‌نویسان در یافتن ریشه‌های تاریخی مراسم خویش یا اصل یک پیشه و شغل به مشکل برمی‌خورند، منشأ رسوم را به حضرت آدم و حضرت ابراهیم علیهما السلام می‌رسانند. در آثاری که افشاری و مدائنی (همان: ۸۲، ۱۳۹، ۱۵۳) تصحیح کرده‌اند، این مسأله به خوبی قابل مشاهده است. افشاری (۱۳۹۴: ۳۹) معتقد است در آداب و سنن فتيان، می‌توان نشانه‌هایی از آیین‌های ایران باستان یافت. تصوف به مثابه بزرگ‌ترین جریان عارفانه در قرون پنجم و ششم تمام این خرده مسلک‌های بومی ایران را در خود حل کرد.

عیاران

قدیمی‌ترین گروه شناخته شده جوانمردان، عیاران بودند که از تجارت‌پیشگان و ثروتمندان جامعه دزدی می‌کردند و به فقرا می‌بخشیدند. هجویری از ابوعلی فضیل عیاض نام می‌برد که از صعالیک قوم بود و از کبار ایشان و فتوتی در طبیعت وی وجود داشت. وی پس از مدتی توبه کرد و شیوه راهزنی را کنار گذاشت (هجویری، ۱۳۹۲: ۱۴۹). نکته جالب اینکه در متون صوفیه بسیاری از واژگان همچون: اخی، فتوت، جوانمردی، عیاری و ملامتی به مثابه اسم‌های علم در کنار یکدیگر قرار می‌گیرد تا مؤلفه‌های هویتی تصوف را در خراسان نشان دهد. به عنوان نمونه، هجویری در باب

ملامت از فردی به نام نوح که در نیشابور عیار بوده و به فتوت شهرت داشته است، نام می‌برد (همان: ۲۷۸)، اما به نظر می‌رسد بهترین قرینه از ارتباط رهزان و عیاران با گروه‌های شاخصی هم‌چون ملامتیان و جوانمردان را می‌توان در این حکایت دید که می‌گوید: «و از شیخ بومسلم فارسی شنیدم که گفت وقتی با جماعتی قصد حجاز کردم و اندر نواحی حُلوانِ کردان راه ما بگرفتند و خرقه‌هایی که داشتیم از ما جدا کردند ... یکی بود اندر میان ما اضطراب کرد. گُردی شمشیر بکشید و قصد کشتن او کرد. ما جمله مر آن کرد را شفاعت کردیم. گفت روا نباشد که این کذاب را بگذاریم، لامحاله او را بخواهیم کشتن. ما علت کشتن از وی پرسیدیم. گفت از آنچه وی صوفی نیست و اندر صحبت اولیا می‌خیانت کند ... گفتیم از برای چه؟ گفت از آنچه کمترین درجه تصوف جود است و او را اندر این خرقه‌پاره چندین بند است. او چگونه صوفی باشد و چندین خصومت با یاران خود می‌کند؟ ما چندین سال است تا کار شما می‌کنیم و راه شما می‌رویم و ...» (همان: ۴۶۵). در *تاریخ سیستان* (۱۳۱۴: ۲۲۴-۲۲۵) از عیاران به "صلوکان" یاد شده است. به عنوان مثال، در *رساله شاطران* آمده است که «برخی از عیاران که جوانمردان راهدار و رزم‌آور بودند، همواره با حکام شهرها و سپاهیان آنان ستیزه و نبرد می‌کردند، برخی از آنان هم فرمانبرداری از فرمانروایان را می‌پذیرفتند و ... گاه دوشادوش پادشاهان و فرمانداران در جنگ‌هایی که پیش می‌آمد، شرکت می‌کردند» (افشاری و مدائینی، ۱۳۸۸: ۱۲۱). در واقع، بخشی از عیاران، مردان سپاهی بودند که به فعالیت‌های نظامی شهرت داشتند. نویسنده *قابوس‌نامه* نیز عیاری را با سپاهی‌گری، یکسان تلقی کرده است و درباره اخلاق جوانمردان می‌نویسد: «بدان که جوانمردی عیاری آن بود که او را از چند گونه هنر بود، یکی آن که دلیر و مردانه و شکیبا بود به هر کاری، و صادق‌الوعد و پاک‌عورت و پاکدل بود و زیان کسی به سود خویش نکند و زیان خود از دوستان روا دارد و بر اسیران دست نکشد و اسیران و بیچارگان را یاری دهد و بد بدکنان از نیکان بازدارد و راست شنود، چنان که راست گوید و داد از تن خود بدهد و بر آن سفره که خورد، بد نکند و نیکی از بدی مکافات نکند و از زنان ننگ دارد و بلا راحت بیند» (عنصرالمعالی، ۱۳۴۵: ۲۴۸). ابن بطوطه (۱۳۴۸، ج ۱: ۳۰۴)

نیز در سفرنامه خویش، از جمال لوک سیستانی نام می‌برد که با درآمدی که از راهزنی داشت، برای صوفیان خانقاه می‌ساخت. با جذب و هضم مسلک‌های اخلاقی پیش از اسلام از سوی تصوف بویژه در عصر جامی دیگر نشانی از حضور مجزا و تفکیک شده آیین‌های جوانمردی و عیاری در آثار صوفیانه نمی‌توان یافت (جامی، ۱۳۷۰: ۳۴) که می‌تواند حاکی از غفلتِ عامدانه نویسندگان صوفی در راستای کم‌اهمیت نشان دادن این سنن یا جذب کامل این مسلک‌ها در تصوف داشته باشد.

قلندران

یکی دیگر از جریان‌های عرفانی در کنار ملامتیه و اهل فتوت در خراسان، قلندریه بود که بعدها با تصوف خراسان درآمیخت. مطالعات معاصر، آثار محدودی راجع به این گروه‌های پُرسه‌گرد و هنجارشکن را به‌خود اختصاص داده است. برخی از نخبگان صوفی با ستودن رفتار و مناسک قلندران در آثارشان، آنان را نماد جنگ با تزویر و ظاهرگرایی زاهدانه معرفی کردند. سنت قلندری در نهایت به سمبل بی‌اعتنایی به احکام اسلامی تبدیل شد. به‌دلایلی چون فراهم نبودن اطلاعات تاریخی و هم‌چنین حجم کم تحقیقات در این خصوص، هاله‌ای از ابهام این فرقه و آموزه‌هایشان را فرا گرفته است، چنان‌که امروزه حتی به‌درستی نمی‌دانیم ریشه و منشأ این فرقه و افکار و آداب آنها در کجاست؟ اگر چه کتب مهم و اصیلی از متون قلندری از جمله *قلندرنامه* از خطیب فارسی تصحیح شده است، اما تحقیقات تاریخی اندکی در خصوص تأثیر شگرف آنها بر تصوف خراسان صورت گرفته است و بیشتر مطالعات جنبه ادبی دارد که می‌توان به آثار *قلندریه* در *تاریخ از شفيعی کدکنی و آیین قلندران* از برومند سعید اشاره کرد.

شاید بتوان از مقایسه مجموعه‌ای از رسوم و سنن قلندران و بودائیان و مانویان در کنار یکدیگر، به نتایج مهمی رسید، البته به مناسکی که در بسیاری از طریقت‌های صوفی واجب شمرده نمی‌شد، اما در میان قلندران و بودائیان جزو واجبات و فرائض بوده است. همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد، قلندران به تبعیت از پیشوای خود، تمام موی سر، صورت، ابرو و سبیل خود را می‌تراشیده، آن را نمادی از ترک تعلقات دنیوی

می دانسته اند. این سنت که بعدها به فرقه خاکسار هم رسید (سجادی، ۱۳۶۹: ۹۴)، چهارضرب می خواندند. با توجه به این که در مذهب اسلام، تراشیدن ریش و سیل نزد اکثر فقها حرام است، به نظر می رسد این سنت چهارضرب با توجه به جغرافیای مشترک بین قلندران و بودائیان از کیش بودائی به قلندریه منتقل شده است. در این رابطه اشاره به چند نکته ضروری است، اول این که راهبان بودائی از گذشته های دور، موی سر و روی و ابروان خود را می تراشیده و تا همین زمان نیز چنین می کنند. سالکان برای پذیرش و ورود به صومعه باید سر خود را بتراشند. بر اساس این سنت، هر دو هفته یکبار راهب موظف است این عمل را انجام دهد، حتی به هنگام سفر نیز باید تیغ را به منظور سرتراشی همراه داشته باشند (Lester, 1987: 124). دوم آنچه آشکار است اینکه هر دو گروه بودائیان و قلندران از چهارضرب کردن هدف مشابهی را دنبال می کرده و آن را به خاطر مقهور کردن هوای نفس انجام می دادند (افشاری، ۱۳۸۲: ۱۳۱). سنت چهارضرب پیش از قرن هفتم در میان قلندران سابقه ای نداشته است. به نظر می رسد از قرن هفتم هجری به بعد بود که موازی با ایلغار مغول، مهاجرت های گسترده پیروان ادیان گوناگون، هم چنین حمایت ایلخانان مغول از آیین بودا و ورود بخشیان [راهبان بودایی] به ایران و برپا کردن معابد (اشپولر، ۱۳۸۰: ۲۰۳ و ۲۵۲)، آداب چهارضرب به قلندران منتقل شد. در پایان باید به این نکته اشاره کرد که نمونه هایی که شفيعی کدکنی برای چهارضرب کردن ارائه می دهد، بیشتر به سنت ابروتراشی [فصل هشتم] یا تراشیدن ریش اشاره داشته و ربط چندانی با سنت چهارضرب قلندری که در آن، نه تنها موی ابرو و ریش، بلکه موی سر و صورت را نیز می تراشیده اند، پیدا نمی کند (شفيعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۷۴-۷۵). نمونه ای دیگر که اوحدی مراغه ای (بی تا: ۵۸۴)، شاعر اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری به تصویر می کشد، شباهت فوق العاده بودائیان و قلندران را برجسته تر می کند:

زین کچول و کچل سری چنندن	که به ریش جهان همی خندند
عسلی خرّقه و عسل خواره	همچو زنبور بیشه آواره

رنگ زعفرانی خرّقه قلندران، آوارگی و دائم السفر بودن ایشان و سرهای تراشیده فقط و

فقط می‌تواند یک راهب بودائی را در ذهن تداعی کند. این نکته را نتایج تحقیقات کسانی چون گلدزیهر^۱ (۱۳۵۷: ۳۸۸) نیز تأیید می‌کند، چرا که او اعتقاد داشت که پرسه و سیاحتی این‌گونه منحصر به مانویان بوده است. بررسی و مطالعه در حوزه عرفان اسلامی نشان می‌دهد که برقراری ارتباط بین آیین بودا و تصوف خراسان مسأله تازه‌ای نبوده، پژوهش‌های جسته و گریخته، شاهدی بر این مدعاست. بزرگانی چون استاد فروزانفر، زرین کوب (۱۳۸۵: ۳۶۰-۳۶۱)، مرتضوی (۱۳۶۵: ۱۴۵) و اسکات (Scott, 1995: 146) به شباهت‌های فراوان بین آموزه‌های بودائیان و قلندران اشاره کرده‌اند.

نتیجه

تصوف در خراسان سده‌های پنجم و ششم هجری، مورد توجه نخبگان و توده مردم قرار گرفت. تصوف در این زمان، معرفت متفاوتی از جنبش زهادی منطقه عراق بود و گسستی را نشان می‌داد که از سوی شرق‌شناسان به سهو یا عمد، نادیده گرفته شده است. در این میان، عوامل بیرونی تأثیر به‌سزایی در همه‌گیر شدن دانش صوفیانه داشت. تصوف خراسان توانست در این زمان برای اولین بار اندیشه‌های ملامتی، قلندران، سنن پیش از اسلامی جوانمردی و عیاری را که منحصر به جغرافیای سرزمین خراسان و مجزا از تصوف بود، به‌طور کامل در خود جذب و به شکوفایی هر چه بیشتر آن کمک کند.

منابع

- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۴۸). *سفرنامه*. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابوالبشری، پیمان (۱۳۹۵). "کهن نامه ادب پارسی، تبارشناسی باورهای ملامتیان نخستین در متون صوفیانه". *نشریه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال هفتم، ش ۳ (پاییز): ۱-۱۸.
- اشپولر، برتولد (۱۳۸۰). *تاریخ مغول در ایران*. ترجمه محمود میرآفتاب. تهران: علمی و فرهنگی.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۰). *مسالك و ممالك*. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افشاری، مهران (۱۳۸۲). *فتوت نامه ها و رسائل خاکساریه*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ----- (۱۳۹۴). *فتوت نامه ها و رسائل خاکساریه*. تهران: چشمه.
- افشاری، مهران؛ مدائینی، مهدی (۱۳۸۸). *چهارده رساله در باب فتوت و اصناف*. تهران: چشمه.
- اوحدی مراغه‌ای (بی تا). *دیوان شعر*. تصحیح سعید نفیسی. تهران: بی نا.
- *تاریخ سیستان* (۱۳۱۴). به تصحیح محمدتقی بهار. تهران: کتابخانه زوار.
- جیهانی، محمد بن احمد (۱۳۶۸). *اشکال العالم*. ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب. تصحیح فیروز منصوری. مشهد: آستان قدس رضوی، به نشر.
- *حدود العالم من المشرق الى المغرب* (۱۳۴۰). به اهتمام منوچهر ستوده. تهران: طهوری.
- پورجوادی، نصرالله، و دیگران (۱۳۸۸). *تاریخ و جغرافیای تصوف*. تهران: کتاب مرجع.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۷۰). *نفحات الانس*. تصحیح محمود عابدی. تهران: اطلاعات.

- رادمهر، فریدالدین (۱۳۸۳). *فضیل عیاض از رهنزی تا رهروی*. تهران: نشر مرکز.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۵). *جستجو در تصوف ایران*. تهران: امیرکبیر.
- سجادی، علی محمد (۱۳۶۹). *جامه زهد*. تهران: علمی و فرهنگی.
- سلمی، ابوعبدالرحمن (۱۳۸۹). "اصول ملامت و طریق فتوت (ترجمه رساله ملامتیه)". مترجمان عباس گودرزی و مهری زارع مؤیدی. *اطلاعات حکمت و معرفت*، سال پنجم، ش ۱۲ (اسفند): ۲۷-۳۳.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴). *نوشته بر دریا*. تهران: سخن.
- ----- (۱۳۸۶). *قلندریه در تاریخ*. تهران: سخن.
- شیمل، آن ماری (۱۳۸۱). *ابعاد عرفانی اسلام*. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صمدی، قسمت علی؛ صدری، جمشید (۱۳۸۷). "تصوف در مکتب خراسان". *نشریه ادبیات فارسی*، سال پنجم، ش ۲۰ (زمستان): ۵۴-۶۹.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۹۴). *تذکره الاولیاء*. تصحیح ر. نیکلسون. مقدمه محمد قزوینی. تهران: هرمس.
- عفیفی، رحیم (۱۳۷۶). *اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته های پهلوی*. تهران: توس.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر (۱۳۴۵). *قابوس نامه*. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کربن، هانری (۱۳۸۳). *آیین جوانمردی*. ترجمه احسان نراقی. تهران: سخن.
- گلدزیهر، ایگناس (۱۳۵۷). *درس هایی درباره اسلام*. ترجمه علینقی منزوی. تهران: کمانگیر.
- گولپینارلی، عبدالباقی (۱۳۷۸). *ملاط و ملامتیان*. توفیق هاشم پور سبحانی. بی جا: روزنه.
- ----- (۱۳۷۹). *فتوت در کشورهای اسلامی و مأخذ آن*. ترجمه توفیق هاشم پور سبحانی. تهران: روزنه.
- لسترنج، گای (۱۳۷۷). *جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی*. ترجمه

- محمود عرفان. تهران: علمی و فرهنگی.
- لویزن، لئونارد (۱۳۸۴). *میراث تصوف*. ترجمه مجدالدین کیوانی. تهران: نشر مرکز.
 - مرتضوی، منوچهر (۱۳۶۵). *مکتب حافظ یا مقدمه بر حافظ‌شناسی*. تهران: توس.
 - نفیسی، سعید (۱۳۸۵). *سرچشمه تصوف در ایران*. عبدالکریم جربزه‌دار. تهران: اساطیر.
 - هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان (۱۳۹۲). *کشف‌المحجوب*. مقدمه و تصحیح از محمود عابدی. تهران: سروش.
 - Lester, Robert (1987). *Buddhism: The path to Nirvana*. New York: Waveland.
 - Scott, David (1995). *Buddhism and Islam: Past to Present Encounters and Interfaith Lesson*. International Association for the History of Religions, Brill Academic Publishers. Vol. 42, No. 2: 141-155.

بررسی مقایسه‌ای نظام ارزشی زوج‌های عادی و متقاضی طلاق در شهرستان گناباد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۳۰

سال سیزدهم، شماره اول، پاییز ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱

شماره صفحه: ۷۸-۵۱

بی‌بی اقدس اصغری^۱

چکیده

همگام با تغییرات فنی و تکنولوژیکی جامعه، در عین حالی که ارزش‌های سنتی حوزه خانواده هنوز تا اندازه زیادی به قوت خود باقی‌اند اما ارزش‌های مدرن نیز آرام آرام و به تدریج در حال شکل‌گیری هستند. این ارزش‌ها وقتی بین زوجین متضاد و ناهمگون باشند در میزان رضایت زناشویی و پایداری خانواده اثر بسزایی دارند. نداشتن تفاهم اخلاقی، بخشی از علل مهم آمار طلاق در ایران است که به ارزش‌ها بازمی‌گردد. این تحقیق با هدف مقایسه نظام ارزش‌های زوجین عادی و متقاضی طلاق در شهرستان گناباد در سال ۱۳۹۵ انجام شده است. چارچوب نظری تحقیق ترکیبی از نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت و نظام ارزش‌های آلپورت است. این مطالعه میدانی با روش پیمایشی به انجام رسیده است. جمعیت آماری شامل کلیه زوج‌های مراجعه‌کننده به دادگاه‌های گناباد با درخواست طلاق و همچنین زوج‌های عادی همین شهرستان بوده‌اند. با توجه به محدودیت‌های پژوهش، روش نمونه‌گیری در مورد دو گروه مورد مطالعه متفاوت انتخاب شده است. برای زوج‌های متقاضی طلاق از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی به شیوه گلوله برفی استفاده شده و در مورد گروه زوج‌های عادی نیز به شیوه تصادفی ساده انجام پذیرفته است. حجم گروه زوج‌های متقاضی طلاق ۳۰ زوج (۳۰ زن و ۳۰ شوهر) و گروه عادی نیز به همان اندازه یعنی ۳۰ زوج (۳۰ مرد و ۳۰ زن) بود. نتایج آزمون فرضیات نشان داد که بین این دو گروه از زوجین، به جز در نظام ارزش‌های دینی در تمام ۵ ارزش دیگر مورد نظر آلپورت تفاوت معنادار وجود دارد. و این بیانگر این معناست که در جامعه، ارزش‌های مادی جای ارزش‌های فرامادی را گرفته‌اند. بیشترین تفاوت دو

گروه زوجین بر اساس میانگین محاسبه شده در حوزه ارزش‌های نظری و کمترین آن در حوزه ارزش‌های دینی است.

واژگان کلیدی: نظام ارزش‌ها، دگرگونی ارزشی اینگلههارت، زوجین عادی و متقاضی طلاق

مقدمه و بیان مسأله

یکی از بنیادی‌ترین عوامل بقای یک جامعه، ترسیم خط‌مشی‌های لازم در روابط اعضای آن است. ازدواج که به‌عنوان ابزاری برای تکثیر نسل‌ها در هر جامعه‌ای مدنظر قرار می‌گیرد، یکی از مهم‌ترین بسترهای رابطه میان اعضای یک جامعه است. در ازدواج، هر چند خط‌مشی مشخص برای رابطه بین دو نفر به نام زن و شوهر ترسیم می‌شود، اما تأثیر این خط‌مشی تنها شامل این دو نفر نیست، بلکه تمامی عناصر آن جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، یکی از نکات مهمی که در امر ازدواج اهمیت پیدا می‌کند، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است که افراد در نگرش‌ها و ارزش‌های خود بدان پای‌بند هستند. این ارزش‌ها می‌تواند در بقاء و یا عدم بقای روابط زوجین تأثیر به‌سزایی بگذارد. آنچه امروز، به‌عنوان تفاهم در روابط زناشویی از آن یاد می‌شود، در واقع، درک همین تفاوت‌ها و شباهت‌ها در ارزش‌هایی است که زن و شوهر به آن مقید بوده و آن را مدیریت می‌کنند. همان‌طور که پارسونز (Parsons, 1951: 35) نیز معتقد است، فرهنگ هر جامعه متشکل از نظام ارزش‌ها، عقاید و نمادهای احساسی و عاطفی هدایت‌کننده و معنابخش اعمال اجتماعی و زندگی جمعی است. در واقع، نکته اصلی توصیف پارسونز از فرهنگ در تأکیدش بر ساز و کارهایی نهفته است که به موجب آنها، ارزش‌ها به‌طور موفقیت‌آمیزی درونی می‌شوند. از این طریق، فرهنگ خود "جنبه‌های عام سازمان سیستم‌های کنش" را ایجاد می‌کند و عناصر فرهنگی فرایند ارتباطی و کنش متقابل را میانجی‌گری و تنظیم می‌کند.

به نظر اینگلههارت^۱ (۱۳۷۳: ۱۹) نیز فرهنگ نظامی از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانشی

است که به طرزی گسترده در میان مردم مشترک است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. روشه^۱ در تعریف ارزش می‌گوید: شیوه‌ای از بودن یا عمل، که یک شخص یا یک جمع به‌عنوان آرمان می‌شناسد و رفتار یا رفتارهایی را که بدان نسبت داده می‌شود، مطلوب و مشخص می‌سازد (روش، ۱۳۷۹: ۷۶). همان‌طور که زاهدی و خضرنژاد (۱۳۹۲) نشان داده‌اند، با تغییرات فناوری موجود در جامعه، ارزش‌های سنتی حوزه خانواده هنوز تا اندازه زیادی به قوت خود باقی‌اند و ارزش‌های غیرسنتی نیز آرام آرام و به‌تدریج در حال شکل‌گیری هستند. این ارزش‌ها وقتی که بین زوجین متضاد باشند، در رضایت زناشویی و پایداری خانواده اثر به‌سزایی دارند. بخشی از علل مهم آمار طلاق در ایران، نداشتن تفاهم اخلاقی است که به ارزش‌ها بازمی‌گردد.

چنانچه این تفاوت‌ها و شباهت‌ها در ارزش‌هایی که زوجین به آن مقید هستند، مورد توجه قرار نگیرد، چه بسا امکان ادامه رابطه زوجیت فراهم نشده و لاجرم زن وشوهر را به‌سوی جدایی سوق دهد. بر همه ما مسلم شده است که این جدایی می‌تواند چه هزینه‌های هنگفتی هم برای زوجین و هم برای جامعه پیرامونی آنها داشته باشد. شهرستان گناباد از شهرستان‌های جنوبی در استان خراسان رضوی است که همگام با تحولات ایجاد شده در سطح کلان جامعه، تحت تأثیر قرار گرفته و متأسفانه آمار بالایی از طلاق و طلاق توافقی را نشان می‌دهد. از این‌رو، هدف اصلی این پژوهش بررسی مقایسه‌ای ارزش‌های زوج‌های عادی و متقاضی طلاق در شهرستان گناباد است. در خلال تحقق این هدف، پاسخ به سؤالات زیر مورد توجه بوده است:

- ۱- آیا در ارزش‌های نظری بین زوج‌های عادی و متقاضی طلاق، تفاوت وجود دارد؟
- ۲- آیا در ارزش‌های اقتصادی بین زوج‌های عادی و متقاضی طلاق، تفاوت وجود دارد؟
- ۳- آیا در ارزش‌های سیاسی بین زوج‌های عادی و متقاضی طلاق، تفاوت وجود دارد؟
- ۴- آیا در ارزش‌های اجتماعی بین زوج‌های عادی و متقاضی طلاق، تفاوت وجود دارد؟
- ۵- آیا در ارزش‌های دینی بین زوج‌های عادی و زوج‌های متقاضی طلاق، تفاوت وجود دارد؟

۶- آیا شباهت زوج‌های عادی در ارزش‌های لذت‌جویی از زوج‌های متقاضی طلاق، بیشتر است؟

پیشینه پژوهش

درخصوص نظام ارزشی و مقایسه ارزش‌ها و نگرش‌ها، مطالعات زیادی صورت گرفته است که نتایج این مطالعات، از نظر زمان بسیار قدیمی هستند و به همین سبب، محقق سعی کرده است به مطالعات جدیدتری اکتفا کند که به موضوع تحقیق حاضر نزدیک باشد. زاهدی و خضرنژاد (۱۳۹۲) در پژوهشی سعی کرده‌اند که علل تغییر ارزش‌ها در حوزه خانواده در شهر بوکان را بررسی کنند. در این تحقیق که به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه به اجرا درآمده، واحد تحلیل فرد و سطح تحلیل خرد است. جامعه آماری آن مجموعه افراد ۱۵ سال و بالاتر اعضای خانواده‌های شهر بوکان می‌باشند. حجم نمونه ۳۹۴ نفر و شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. ابزار سنجش، پرسشنامه‌ی ۶۷ سؤالی بوده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که از میان متغیرهای مستقل تحقیق، سرمایه درونی بیشترین تأثیر را بر ارزش‌های حوزه خانواده، بویژه ارزش‌های غیرسنتی داشته است، به این معنی که با افزایش سرمایه درونی خانواده، ارزش‌های غیرسنتی خانواده بیشتر شده و در عوض، ارزش‌های سنتی کاهش یافته است. جهت‌گیری عام‌گرایی و سرمایه بیرونی از دیگر متغیرهای اثرگذار مثبت و معنی‌دار بر ارزش‌های غیرسنتی خانواده هستند. نتایج تحقیق بازگوی آن است که میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و ارزش‌های آن، ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. این نتایج هم‌چنین نشان می‌دهد که ارزش‌های سنتی حوزه خانواده هنوز تا اندازه زیادی به قوت خود باقی‌اند و ارزش‌های غیرسنتی نیز آرام آرام و به تدریج در حال شکل‌گیری هستند.

آزاد ارمکی و ظهیری‌نیا (۱۳۸۹)، در صدد هستند با بهره‌گیری از نظریه‌های مربوط به تغییرات فرهنگی، ضمن شناخت وضعیت سنخ‌های ارزشی در بین اعضای خانواده ایرانی (والدین و فرزندان)، به بررسی تغییرات فرهنگی در خانواده بپردازند. داده‌های

این تحقیق با تکمیل ۳۹۳ پرسشنامه (۲۰۰ نفر والدین و ۱۹۳ نفر فرزندان) به روش مصاحبه حضوری، از خانوارهای ساکن در شهر بندرعباس، گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از بررسی وضعیت سنخ‌های ارزشی، نشان می‌دهد که هم والدین و هم فرزندان، ارزش‌های مادی را نسبت به ارزش‌های فرامادی، در اولویت بالاتری قرار می‌دهند. هم‌چنین نتایج بیانگر آن است که میزان رضایت از زندگی، تعامل اجتماعی و احساس خوشبختی فرزندان، بیشتر از والدین است و در مقابل، والدین بیشتر به ارزش‌های مذهبی و خانوادگی توجه دارند. این مسأله احتمالاً به دلیل تأکید بیشتر والدین بر ارزش‌های سنتی، مذهبی و خانوادگی باشد که این خود نیز تحت تأثیر شرایط اجتماعی شدن افراد، در دوران اولیه زندگی‌شان است. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، به دلیل برآورده نشدن نیازهای اولیه افراد در هر دو گروه از پاسخگویان (والدین و فرزندان)، اولویت‌های ارزشی بیشتر به سمت ارزش‌های مادی گرایش دارد. در واقع، علی‌رغم ظهور و نمود بُعد سخت توسعه در جامعه آماری، بُعد نرم توسعه (تغییرات فرهنگی و ارزشی متناسب) هنوز تحقق نیافته است.

وثوقی و رضائیان (۱۳۹۳)، به بررسی جامعه‌شناختی تغییرات فرهنگی در مناطق لک‌نشین پرداختند. پشتوانه نظری تحقیق، نظریه دگرگونی فرهنگی رونالد اینگلهارت بوده و جامعه آماری تحقیق شامل مردان و زنان بالای ۱۵ سال ساکن در استان لرستان (مناطق لک‌نشین) می‌باشد که حجم نمونه‌ای به تعداد ۳۸۴ نفر از سه شهر نورآباد، کوهدشت و الشتر انتخاب شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه بوده و نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که به زبان اینگلهارتي جامعه لک در دوره کميایی به‌سر می‌برد و از سویی دیگر، این نتایج نشان می‌دهد که مهم‌ترین اولویت‌های ارزشی افراد، ارزش‌های مادی هستند و هنوز این افراد، به سطح ارزش‌های فرامادی نرسیده‌اند.

عظیمی هاشمی و دیگران (۱۳۹۴) شناسایی ارزش‌ها، نگرش‌ها و کنش‌های نسل جوان دانشجو در شیوه‌های همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج و هم‌چنین میزان همسویی ارزش‌ها، نگرش‌ها و کنش‌های مذکور با نسل پیشین را مورد واکاوی قرار داده‌اند. روش تحقیق مطالعه‌ی فوق، کمی و پیمایشی است که با توجه به عمق و حساسیت موضوع

مطالعه، مطالعات اکتشافی و مصاحبه‌های کیفی عمیق، پیش زمینه طرح‌ریزی و اجرای پیمایش قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان دانشگاه‌های استان خراسان رضوی اند که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، تعداد ۱۴۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شده‌اند. یافته‌های مطالعه حاضر مؤید تفاوت‌های بین نسلی و درون‌نسلی در خصوص ارزش‌های همسرگزینی و رابطه با جنس مخالف است. دانشجویان به‌طور مشهودی تمایل دارند، همسرشان را خودشان انتخاب کنند. نزدیک به یک سوم نسل جوان، دوستی دوجنس مخالف را نمی‌پذیرند که این نسبت در نسل قبل حدوداً دو برابر است. نیمی از جوانان با شرایط خاص و بقیه به راحتی این رابط را می‌پذیرند که بررسی‌های عمیق‌تر نشان داد این نسبت‌ها هم، مؤید تفاوت‌های بین‌نسلی و هم درون‌نسلی در مورد این موضوع است. نتایج در خصوص نوع رابطه با جنس مخالف، حاکی از شکاف و قطبی شدن ارزشی در نسل جوان دانشجویان است. هم‌چنین تفاوت معنی‌دار بین نسلی نیز در این مورد وجود دارد. ۴۰٪ از جوانان دانشجوی، علاوه بر نگرش مثبت به دوستی با جنس مخالف، این دوستی را در عمل تجربه کرده‌اند.

بهشتیان (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان "بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های ازدواج زوج‌های در شرف ازدواج دوم با ملاک‌های آنها در ازدواج اول" انجام گردیده است. جامعه آماری این تحقیق شامل همه زوج‌هایی است که در شهر تهران در سال ۱۳۹۴ قصد ازدواج دوم داشته‌اند. نمونه‌گیری به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس بوده و شامل ۵۰ زوج در شرف ازدواج می‌باشد که در سال ۱۳۹۴ به مراکز مشاوره مراجعه نموده‌اند. در این پژوهش، ده ملاک اصلی ازدواج به وسیله پرسشنامه محقق ساخته مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که ملاک‌های ظاهری، تحصیلات، اقتصاد و رضایت خانواده زنان و مردان در ازدواج اول و دوم تفاوتی ندارد، در حالی که ملاک‌های فرهنگی و قومی، مذهبی، روان‌شناختی، شرایط خانواده و علائق مشترک زنان و مردان در ازدواج اول و دوم متفاوت است و ملاک عشق در زنان در ازدواج اول و دوم متفاوت بوده و در مردان، تفاوتی نداشته است.

عباسی مولید (۱۳۹۰) پژوهشی در خصوص رابطه‌ی تعهد زناشویی با ارزش‌های

فرهنگی (ایرانی، اسلامی) زوجین انجام داده است. در این مطالعه، ۶۰ نفر (۳۰ زوج واقعی) از شهر بیرجند به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و مقیاس تعهد زناشویی و پرسشنامه‌ی ارزش‌های محقق‌ساخته فرهنگی، برای ارزیابی میزان تعهد و ارزش‌های فرهنگی آنان تکمیل گردید. یافته‌ها نشان از رابطه بین تعهد زناشویی و ارزش‌های فرهنگی زوجین دارد.

امام‌جمعه‌زاده، رحیمی و حاتمی نسب (۱۳۹۱) در تحقیق خود با روش توصیفی-تبیینی به بررسی گرایش جوامع فراصنعتی به ارزش‌های پسامادی گرایانه براساس نظریه اینگلهارت پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تغییرات نسلی، آموزش عالی و غیره مخصوصاً در مواقعی که این جوامع در شرایط رونق اقتصادی به‌سر می‌برند، در گرایش مردم به‌سوی ارزش‌های پسامادی‌گرایی مؤثر بوده‌اند.

مطالعه گانت (Gaunt, 2011) به بررسی نقش شباهت زوجین در رضایت زناشویی در میان ۲۴۸ زوج پرداخته است. رابطه میان شباهت‌های همسران و معیارهای ارتباطی مورد بررسی قرار گرفت. به‌عنوان فرضیه، شباهت بیشتر بین شرکاء با سطوح بالاتر رضایت زناشویی و سطوح پایین با اثرات منفی همراه بود. به‌طور خاص، شباهت در حوزه‌های شخصیت و ارزش‌های جنسیتی، با ابعاد روابط ارتباط بیشتری را نشان می‌دهد تا شباهت در حوزه‌های نگرش و دین‌داری.

هال (Hall, 2006) در تحقیق خود به بررسی معنی ذهنی از "مؤسسه ازدواج" می‌پردازد که بزرگسالان جوان و متأهل، براساس نظام (یا مجموعه‌ای) از باورهای مربوط به ازدواج دارند. براساس نظریه "کنش متقابل نمادین"، استدلال می‌شود که معنای ازدواج این است که چگونه مردم قبل و در طول ازدواج (عملکرد زناشویی)، رفتار می‌کنند.

لاپلانت، میلر و ماله‌رب (Laplanche, Miller, Malherbe: 2006) در پژوهش خود استدلال می‌کنند که تغییرات مهم در رفتار مربوط به خانواده و زندگی جنسی که در نیمه دوم قرن بیستم در کبک^۱ مشاهده شد.

نتیجه یک تحول بزرگ در پایه نظام هنجاری است که توسط اعضای گروه اصلی مذهبی- اجتماعی کبک و کاتولیک‌های فرانسوی‌زبان، به اشتراک گذاشته شده است. با استفاده از داده‌های نظرسنجی گالوپ^۱، نویسندگان در این تحقیق تحول عقاید کاتولیک‌های فرانسوی‌زبان کبک و پروتستان‌های انگلیسی‌زبان اونتاریو^۲ را در امور مربوط به رفتار جنسی و خانوادگی از سال ۱۹۵۰ میلادی تا شروع سال ۲۰۰۰ میلادی با هم مقایسه می‌کنند. نتیجه کلی این است که تحول تفاوت‌ها بین دو گروه با فرضیه آنها سازگاری دارد.

چارچوب نظری پژوهش

مشهورترین نظریه در زمینه دگرگونی ارزش‌ها، نظریه "دگرگونی ارزشی اینگلهارت" است که معتقد است در اثر فرایند جهانی شدن، ارزش‌های مادی جای ارزش‌های فرامادی را می‌گیرند. از نظر او، هر کشوری که از شرایط ناامنی اقتصادی به سوی امنیت نسبی حرکت کند، این فرایند در آن ایجاد می‌شود. اینگلهارت با دو فرضیه، دگرگونی ارزشی را پیش‌بینی می‌کند. اولین فرضیه، فرضیه کمیابی است، یعنی اولویت‌های ارزشی فرد منوط به محیط اجتماعی- اقتصادی اوست. بدین معنی که بیشترین اولویت را چیزهایی دارند که کمتر عرضه می‌شوند و در کوتاه‌مدت رخ می‌دهند. پس وقتی شرایط اقتصادی در جامعه‌ای خوب نیست، انسان‌ها در آن جامعه، رو به ارزش‌های فرامادی می‌آورند. فرضیه دوم، اجتماعی شدن است که ارزش‌های فرد وابسته به فرایند جامعه‌پذیری اوست که در بلندمدت در انتقال و جایگزینی نسلی، خود را نشان می‌دهند. اما در پاسخ این‌که این ارزش‌ها کدامند، باید به نظام ارزشی افراد مراجعه کرد. در این زمینه، از نظریه آلپورت (Allport, 1955) درباره نظام ارزش‌ها استفاده شده است. طبق دیدگاه آلپورت، شخصیت یک نظام واحد روانی- جسمانی است که فرد از طریق آن، با دنیای خویش در تعامل و ارتباط است. طبق این تعریف، شخصیت یک نظام کلی است که از دو زیرنظام روان‌شناختی و جسمانی تشکیل شده است. مثل هر نظام دیگر، نظام شخصیت

1. Gallup
2. Ontario

نیز به شیوه‌ای واحد و متحد کار می‌کند. بنابراین، این زیرنظام‌ها باید در یک نظم و هماهنگی خاصی کار کنند، تا نظام شخصیت بتواند عمل کند. عملکرد شخصیت، تعامل با دنیای اطراف است برای ارضای نیازها و رسیدن به اهداف.

به عقیده آلپورت، برای این‌که شخصیت بتواند به یک شیوه واحد عمل کند، نیازمند وحدت و یکپارچگی است. یعنی همان چیزی که آلپورت از آن به "فلسفه وحدت و یکپارچگی" تعبیر می‌کند. باید توجه داشت که آلپورت با این اصطلاح درصدد اشاره کردن به فلسفه به معنای سنتی آن نیست، بلکه مراد وی از اصطلاح مزبور، یک نظام ارزشی کلی است که به تمام زندگی، معنا و انگیزه می‌بخشد (میردریغوندی، ۱۳۸۲: ۷۹). آلپورت شش نظام ارزشی اساسی را تعیین می‌کند. به عقیده وی، تمام انسان‌های دنیا از این شش نظام استفاده می‌کنند و هیچ انسانی از این شش نظام خارج نیست و به غیر از این نظام‌های ارزشی کلی و اساسی، نظام ارزش دیگری وجود ندارد. این نظام‌ها عبارتند از: ارزشهای نظری و علمی^۱، ارزش‌های سیاسی^۲، ارزش‌های زیبایی‌شناختی^۳، ارزش‌های اقتصادی^۴، ارزش‌های اجتماعی (پایگاه و منزلت)^۵ و نظام ارزش‌های دینی^۶. در بخش تعریف متغیرها، تعریف آلپورت از هریک از این شش نظام ارزشی آمده است. او در نهایت، نظام ارزش‌های دینی را مهم‌ترین نظام ارزشی قلمداد می‌کند.

روش پژوهش

روش انجام پژوهش در این مطالعه از نوع پیمایشی بوده است. جمعیت آماری این پژوهش زوج‌های مراجعه کننده به دادگاه گناباد با درخواست طلاق و زوج‌های عادی همین شهرستان در سال ۱۳۹۵ بوده‌اند. با توجه به روش‌های معرفی شده در نمونه‌گیری در پژوهش‌های آزمایشی، محقق تلاش کرده است با ترکیب دو روش همسان‌سازی و

-
1. Theoretical value system
 2. Political Values
 3. Aesthetic Values
 4. Economic Values
 5. Social Values
 6. Religious value System

انتخاب تصادفی دو نمونه گواه و آزمایش را انتخاب کند. از آنجا که کمترین میزان نمونه برای تعمیم‌پذیری ۳۰ نمونه است، ۳۰ زوج در هر گروه انتخاب شد. حجم نمونه در مورد گروه زوج‌های متقاضی طلاق ۳۰ زوج (۳۰ زن و ۳۰ شوهر) و در مورد گروه عادی ۳۰ زوج (۳۰ مرد و ۳۰ زن) بود.

فرضیات پژوهش

فرضیه اول: بین زوج‌های عادی و زوج‌های متقاضی طلاق در ارزش‌های نظری، تفاوت وجود دارد.

فرضیه دوم: بین زوج‌های عادی و زوج‌های متقاضی طلاق در ارزش‌های اقتصادی، تفاوت وجود دارد.

فرضیه سوم: بین زوج‌های عادی و زوج‌های متقاضی طلاق در ارزش‌های سیاسی، تفاوت وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین زوج‌های عادی و زوج‌های متقاضی طلاق در ارزش‌های دینی، تفاوت وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین زوج‌های عادی و زوج‌های متقاضی طلاق در ارزش‌های اجتماعی، تفاوت وجود دارد.

فرضیه ششم: بین زوج‌های عادی و زوج‌های متقاضی طلاق در ارزش‌های زیبایی‌شناختی، تفاوت وجود دارد.

تعاریف متغیرها

تعریف هر کدام از این شش نظام ارزشی، از دیدگاه آلپورت بدین گونه است:

نظام ارزش‌های نظری

در این نظام، فرد به علم و دانش، آن هم به جنبه نظری و انتزاعی آن و نه معنای عملی و عینی آن، بهاء می‌دهد. هدف عمده او، تحقیق دانش و افزایش یافته‌های علمی است،

به گونه‌ای که اصلاً با جنبه‌های کاربردی و عملی آن‌ها کاری ندارد. وی تشنه‌ی علم و دانش است و صرفاً می‌خواهد که بخواند و بخواند.

نظام ارزش‌های اقتصادی

در این نظام ارزشی، فرد به پول و ثروت بهاء می‌دهد. هدف اصلی او در زندگی جمع‌آوری پول و ثروت زیاد، تا جایی است که امکان دارد. او به هیچ چیز غیر از پول و ثروت نمی‌اندیشد. حتی ممکن است از خواب و خوراک و خانواده خود بگذرد تا به پول بیشتر برسد.

نظام ارزش‌های سیاسی

در این نظام ارزشی، فرد به قدرت و سیاست ارزش و اهمیت می‌دهد. آلپورت عقیده دارد که کسب قدرت و مهار دولت‌ها و ملت‌ها از مهم‌ترین اهداف در زندگی می‌باشند. هدف اصلی چنین فردی در زندگی، یادگیری شیوه‌ها و فنون جدید سیاست و یافتن شیوه‌ای برای قرار دادن خود در یک موقعیت قدرت سیاسی می‌باشد.

نظام ارزش‌های اجتماعی

در این نظام، فرد به افراد و ارتباط بین آنان اهمیت می‌دهد. هدف اصلی وی در زندگی، رشد و گسترش ارتباطات دلسوزانه و محبت‌آمیز با دیگران است. هم‌چنین ممکن است چنین فردی درصدد یافتن راه‌هایی باشد تا از طریق آن‌ها رفاه و آسایش عمومی مردم را بالا ببرد. چنین فردی همواره به دنبال کسب رضایت مردم و کسب وجهه و موقعیت اجتماعی است.

نظام ارزش‌های مذهبی

در این نظام، فرد اعتقاد دارد که ارزش‌های دینی، بالاترین، مقدم‌ترین و ضروری‌ترین ارزش‌هاست. هدف اصلی او در زندگی این است که زندگی‌اش را به شیوه‌ای عملی کند

که با باورهای دینی‌اش سازگار باشد.

نظام ارزش‌های زیبایی‌شناختی (هنر)

در این نظام، فرد عقیده دارد که زیبایی مهم‌ترین و ارزشمندترین چیز در زندگی است. هدف اصلی او در زندگی، رشد توانایی‌های هنری خود و درگیر شدن با اعمال و حرکاتی است که زیبایی را در سطح عمومی و خصوصی افزایش می‌دهد (میردیکوندی، ۱۳۸۲: ۷۹).

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

از آنجا که برای ساخت پرسشنامه، محقق از طیف لیکرت پنج گزینه‌ای استفاده کرده است و تعداد گویه‌ها برای هر بُعد چهار گویه است، پس نحوه نمره‌گذاری شبیه هم است. گزینه‌ها از کاملاً موافق (نمره ۵)، موافق (نمره ۴)، متوسط (نمره ۳)، مخالفم (نمره ۲)، کاملاً مخالف (نمره ۱) تعریف شده است. بر اساس پاسخی که هر یک از زوجین داده‌اند، ابتدا نمره تک‌تک آنها در شاخص اخذ شده و سپس در سه دسته اعتقاد قوی، (نمره ۱۴-۲۰)، متوسط (نمره ۹-۱۴) و ضعیف (نمره ۴-۹) دسته‌بندی شده‌اند. برای جلوگیری از حجم اضافی در پژوهش، ابتدا به تعریف نظری متغیرها پرداخته شد، سپس در جدول ۱، گویه‌های مربوط به هر بُعد آمده است.

جدول ۱) گویه‌های سؤال شده از افراد نمونه برای سنجش ابعاد شش‌گانه نظام ارزش‌ها

گویه‌های نظام ارزش‌های نظری	گویه‌های نظام ارزش‌های اقتصادی
انسان بایستی به‌طور مداوم در به‌دست آوردن علوم جدید تلاش کند.	این روزها اگر پول نداشته باشیم، هیچ کس برای ما اهمیت قائل نیست.
حتماً نباید علمی را که یاد می‌گیریم، کاربردی برای ما داشته باشد.	پول و ثروت حرف اول و آخر را در روابط انسان‌ها می‌زند.
انسان‌ها باید حتماً روزی چند ساعت مطالعه داشته باشند.	حاضرم از خواب و خوراک خود بگذرم، تا پول بیشتری به‌دست آورم.
انسان‌ها باید به علوم تخیلی و کشف ناشناخته‌ها بیشتر بپردازند.	داشتن پول زیاد برای ما از اهمیت زیادی برخوردار است.
گویه‌های نظام ارزش‌های سیاسی	گویه‌های نظام ارزش‌های اجتماعی
دوست دارم قدرتی داشته باشم که بتوانم بر دیگران ریاست کنم.	کسب رضایت مردم برای ما از مهمترین اولویت‌هاست.
تمامی تلاشم را می‌کنم تا بتوانم بر اطرافیانم تأثیر بگذارم.	هر کاری که بتوانم برای رفاه عموم مردم انجام می‌دهم.
دوست دارم نماینده شهرم در مجلس بشوم.	حاضرم بخشی از درآمد ماهیانه‌ام را برای افراد نیازمند اختصاص دهم.
آرزو دارم روزی سیاستمدار معروفی بشوم.	حاضرم از یک کودک معلول و یا یتیم در خانواده‌ام شخصاً نگهداری کنم.
گویه‌های نظام ارزش‌های دینی	گویه‌های نظام ارزش‌های زیبایی‌شناختی (هنری)
در انتخاب دوستانم، مهمترین اولوئیم اعتقادات مذهبی افراد است.	به نظرم تناسب اندام و زیبایی چهره در زندگی بسیار مهم است.
اعتقادات مذهبی دوستانم به خود آنها مربوط است و برای ما اهمیتی ندارد.	از این‌که اضافه وزن داشته باشم، بسیار ناراحت می‌شوم.
برای ما به‌جا آوردن مناسک مذهبی بسیار مهم است.	از خلق یک اثر هنری زیبا، بسیار لذت می‌برم.
خواندن نماز اول وقت، خیلی برای ما اهمیت دارد.	فکر می‌کنم استعداد خوبی در کارهای هنری دارم.

یافته‌های پژوهش

توصیف متغیرهای زمینه‌ای

مطابق با جدول ۲ از نظر گروه سنی، مدت زندگی مشترک و تعداد فرزندان، تفاوت زیادی در درصد فراوانی بین متقاضیان طلاق و زوجین عادی وجود ندارد که بتوان گفت، علت طلاق باشد.

جدول ۲) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گروه سنی، مدت زندگی مشترک و تعداد فرزندان

دسته‌ها			متقاضی طلاق			عادی
گروه سنی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی	درصد	درصد معتبر
زیر ۲۵ سال	۲۷	۴۵	۴۵	۵۱	۸۵	۸۵
بین ۲۵-۳۰ سال	۲۴	۴۰	۴۰	۷	۱۱/۶۷	۱۱/۶۷
بالای ۳۰ سال	۹	۱۵	۱۵	۲	۳/۳۳	۳/۳۳
جمع	۶۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	۱۰۰
مدت زندگی مشترک	فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی	درصد	درصد معتبر
زیر ۲ سال	۳۶	۶۰	۶۰	۳۰	۵۰	۵۰
بین ۲-۵ سال	۱۸	۳۰	۳۰	۲۴	۴۰	۴۰
بالای ۵ سال	۶	۱۰	۱۰	۶	۱۰	۱۰
جمع	۶۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	۱۰۰
تعداد فرزندان	فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی	درصد	درصد معتبر
۱ و بدون فرزند	۴۸	۸۰	۸۰	۴۲	۷۰	۷۰
۲-۳ فرزند	۶	۱۰	۱۰	۱۸	۳۰	۳۰
بیشتر از ۳ فرزند	۶	۱۰	۱۰	۰	۰	۰
جمع	۶۰	۱۰۰	۱۰۰	۴۰	۱۰۰	۱۰۰

مطابق با جدول ۳ از نظر تحصیلات، تصور از طبقه اجتماعی و نحوه انتخاب همسر نیز تفاوت چشمگیری در فراوانی بین متقاضیان طلاق و زوجین عادی وجود ندارد.

جدول ۳) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات، تصور از طبقه اجتماعی و نحوه انتخاب همسر

دسته‌ها			متقاضی طلاق			عادی
تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی	درصد	درصد معتبر
لیسانس و بالاتر	۲۷	۴۵	۴۵	۲۱	۳۵	۳۵
فوق دیپلم	۱۵	۲۵	۲۵	۱۹	۳۱/۶۷	۳۱/۶۷
دیپلم	۱۵	۲۵	۲۵	۲	۳/۳۳	۳/۳۳

۳۰	۳۰	۱۲	۵	۵	۳	زیر دیپلم
درصد معتبر	درصد	فراوانی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	تصور از طبقه اجتماعی
۱۶/۶۷	۱۶/۶۷	۱۰	۸/۳۳	۸/۳۳	۵	پائین
۷۰	۷۰	۴۲	۸۳/۳۴	۸۳/۳۴	۵۰	متوسط
۱۳/۳۳	۱۳/۳۳	۸	۸/۳۳	۸/۳۳	۵	بالا
۱۰۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۰	جمع
درصد معتبر	درصد	فراوانی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	نحوه انتخاب همسر
۱۰	۱۰	۶	۶/۶۷	۶/۶۷	۴	سنتی
۹۰	۹۰	۵۴	۹۳/۳۳	۹۳/۳۳	۵۶	غیر سنتی
۱۰۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۰	جمع

توصیف نظام ارزش‌های زوجین

مطابق با جدول ۴، از مجموع کل پاسخگویان متقاضی طلاق، ۳۰٪ دارای اعتقاد ضعیف به نظام ارزشی نظری، ۴۰٪ دارای اعتقاد متوسط به نظام ارزشی نظری و ۳۰٪ دارای اعتقاد قوی به نظام ارزشی نظری بوده‌اند. این در حالی است که ۶۰٪ پاسخگویان عادی دارای اعتقاد قوی به نظام ارزشی نظری و ۴۰٪ دارای اعتقاد متوسط به نظام ارزشی نظری هستند.

از مجموع کل پاسخگویان متقاضی طلاق، ۴۵٪ آنها دارای اعتقاد ضعیف به نظام ارزشی اقتصادی، ۵٪ دارای اعتقاد متوسط و ۵۰٪ نیز دارای اعتقاد قوی به نظام ارزشی اقتصادی بوده‌اند. این در حالی بوده است که ۸۵٪ پاسخگویان عادی دارای اعتقاد قوی به نظام ارزشی اقتصادی هستند.

از مجموع کل پاسخگویان متقاضی طلاق، ۲۵٪ آنها دارای اعتقاد ضعیف به نظام ارزشی سیاسی، ۵٪ دارای اعتقاد متوسط به نظام ارزش سیاسی و ۷۰٪ دارای اعتقاد قوی به نظام ارزشی سیاسی بوده‌اند. این در حالی است که ۵۰٪ پاسخگویان عادی دارای اعتقاد متوسط به نظام ارزشی سیاسی و ۵۰٪ دارای اعتقاد قوی به نظام ارزشی سیاسی هستند.

از مجموع کل پاسخگویان متقاضی طلاق، ۵۵٪ دارای اعتقاد ضعیف به نظام ارزشی اجتماعی، ۱۰٪ دارای اعتقاد متوسط به نظام ارزشی اجتماعی و ۳۵٪ نیز دارای اعتقاد قوی به نظام ارزشی اجتماعی بوده‌اند. این در حالی است که ۵۶/۶۷٪ پاسخگویان عادی دارای اعتقاد متوسط به نظام ارزشی اجتماعی و ۴۳/۳۳٪ دارای اعتقاد قوی به نظام ارزشی اجتماعی هستند.

از مجموع کل پاسخگویان متقاضی طلاق، ۸۵٪ دارای اعتقاد قوی به نظام ارزشی دینی و ۱۵٪ دارای اعتقاد متوسط به نظام ارزشی دینی بوده‌اند. این در حالی است که ۹۵٪ پاسخگویان عادی دارای اعتقاد قوی به نظام ارزشی دینی و ۵٪ دارای اعتقاد متوسط به نظام ارزشی دینی هستند.

از مجموع کل پاسخگویان متقاضی طلاق، ۲۵٪ دارای اعتقاد ضعیف به نظام ارزشی هنری، ۴۰٪ دارای اعتقاد متوسط به نظام ارزشی هنری و ۳۵٪ دارای اعتقاد قوی به نظام ارزشی هنری بوده‌اند. این در حالی است که ۵۰٪ پاسخگویان عادی دارای اعتقاد متوسط به نظام ارزشی هنری و ۵۰٪ دارای اعتقاد قوی به نظام ارزشی هنری هستند. همان‌طور که تا این‌جا مشخص شد در بین زوجین عادی در کل ابعاد شش‌گانه نظام ارزش‌ها، در سطح ضعیف هیچ فراوانی وجود ندارد. این تفاوت می‌تواند بیانگر علت طلاق در دسته متقاضی باشد که برای اطمینان از معنی‌دار بودن این تفاوت، به آزمون مقایسه میانگین‌ها در بین دو گروه پرداخته می‌شود.

جدول (۴) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان اعتقاد به نظام‌های ارزشی شش‌گانه

عادی			متقاضی طلاق			دسته‌ها
درصد معتبر	درصد	فراوانی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	ارزش‌های نظری
۰	۰	۰	۳۰	۳۰	۱۸	ضعیف
۴۰	۴۰	۲۴	۴۰	۴۰	۲۴	متوسط
۶۰	۶۰	۳۶	۳۰	۳۰	۱۸	قوی
۱۰۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۰	جمع
درصد معتبر	درصد	فراوانی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	ارزش‌های اقتصادی
۰	۰	۰	۴۵	۴۵	۲۷	ضعیف

متوسط	۳	۵	۵	۹	۱۵	۱۵
قوی	۳۰	۵۰	۵۰	۵۱	۸۵	۸۵
جمع	۶۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	۱۰۰
ارزش‌های سیاسی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی	درصد	درصد معتبر
ضعیف	۱۵	۲۵	۲۵	۰	۰	۰
متوسط	۳	۵	۵	۳۰	۵۰	۵۰
قوی	۴۲	۷۰	۷۰	۳۰	۵۰	۵۰
جمع	۶۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	۱۰۰
ارزش‌های اجتماعی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی	درصد	درصد معتبر
ضعیف	۳۳	۵۵	۵۵	۰	۰	۰
متوسط	۶	۱۰	۱۰	۳۴	۵۶/۶۷	۵۶/۶۷
قوی	۲۱	۳۵	۳۵	۲۶	۴۳/۳۳	۴۳/۳۳
جمع	۶۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	۱۰۰
ارزش‌های دینی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی	درصد	درصد معتبر
ضعیف	۰	۰	۰	۰	۰	۰
متوسط	۹	۱۵	۱۵	۳	۵	۵
قوی	۵۱	۸۵	۸۵	۵۷	۹۵	۹۵
جمع	۶۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	۱۰۰
ارزش‌های هنری	فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی	درصد	درصد معتبر
ضعیف	۱۵	۲۵	۲۵	۰	۰	۰
متوسط	۲۴	۴۰	۴۰	۳۰	۵۰	۵۰
قوی	۲۱	۳۵	۳۵	۳۰	۵۰	۵۰
جمع	۶۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	۱۰۰

آزمون فرضیات

با عنایت به سطح سنجش متغیرها، نتیجه آزمون توزیع نرمال و تعداد گروه‌ها، از آزمون T استیودنت جهت آزمون فرضیات برای دو گروه مستقل استفاده شده است. در این آزمون، ابتدا مقادیر میانگین‌ها و انحراف استاندارد متغیر، در دو گروه متقاضی طلاق

و عادی مشخص گردید و سپس برای رسیدن به نتیجه نهایی و تشخیص معنی دار بودن یا نبودن تفاوت میانگین‌ها و قابلیت تعمیم‌دهی نتایج به جامعه آماری، نتایج آزمون معناداری مورد توجه و مقایسه قرار گرفت.

فرضیه اول: بین زوج‌های عادی و زوج‌های متقاضی طلاق در ارزش‌های نظری، تفاوت وجود دارد.

مطابق با جدول ۵، میانگین نظام ارزش‌های نظری در بین زوجین متقاضی طلاق (۵/۲) بیشتر از زوجین عادی (۲/۳) است. شاخص انحراف معیار نیز در دو گروه با هم متفاوت است (۳/۲۶ در برابر ۱۰/۷۸). خطای میانگین نیز در بین زوجین عادی، کمتر از زوجین متقاضی طلاق است (۰/۳۹۸ در برابر ۱/۰۳۱).

جدول ۵) مقایسه میانگین شاخص اعتقاد به نظام ارزشی نظری در بین دو گروه

زوج‌های متقاضی طلاق و عادی

خطای میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها
۱/۰۳۱	۳/۲۶	۵/۲	۳۰	متقاضی طلاق
۰/۳۹۸	۱/۷۸	۲/۳	۳۰	عادی

نتایج آزمون لون در جدول ۶ حاکی از آن است که فرض برابری واریانس‌ها رد شده است ($F = ۵/۴۰۲$, $sig = ۰/۰۲۸$). آزمون مقایسه میانگین‌ها در سطر دوم نشان داد، تفاوت در میانگین‌ها معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری است ($T = ۲/۶۲۵$, $df = ۵۴/۷۶$, $sig = ۰/۰۲۳$). بنابراین فرضیه اول تأیید می‌گردد.

جدول ۶) آزمون مقایسه میانگین شاخص اعتقاد به نظام ارزشی نظری

آزمون لون جهت برابری واریانس‌ها		آزمون برابری میانگین‌ها						
	F	Sig	T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	تفاوت خطای استاندارد	تفاوت بازه اطمینان %۹۵
								حد بالا حد پایین
فرض برابری واریانس‌ها	۵/۴۰۲	۰/۰۲۸		۵۸	۰/۰۰۴	۲/۹	۰/۹۱۴	۴/۷۷۱ ۱/۰۲۹
فرض برابری واریانس‌ها				۵۴/۷۶	۰/۰۲۳	۲/۹	۱/۱۰۵	۵/۳۱۳ ۰/۴۸۷

فرضیه دوم: بین زوج‌های عادی و متقاضی طلاق در ارزش‌های اقتصادی، تفاوت وجود دارد.

مطابق با جدول ۷، میانگین نظام ارزش‌های اقتصادی در بین زوجین متقاضی طلاق (۱۰/۹۰) بیشتر از زوجین عادی (۲/۵۰) است. شاخص انحراف معیار نیز در دو گروه با هم متفاوت است (۰/۶۸۵ در برابر ۱/۷۳۲). خطای میانگین نیز در بین زوجین عادی، کمتر از زوجین متقاضی طلاق است (۰/۳۸۷ در برابر ۰/۸۴۹).

جدول ۷) مقایسه میانگین شاخص اعتقاد به نظام ارزش‌های اقتصادی در بین دو گروه

زوج‌های متقاضی طلاق و عادی

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین
متقاضی طلاق	۳۰	۱۰/۹	۰/۶۸۵	۰/۸۴۹
عادی	۳۰	۲/۵	۱/۷۳۲	۰/۳۸۷

نتایج آزمون لون در جدول ۸ حاکی از آن است که فرض برابری واریانس‌ها رد شده است ($F = ۲/۳۷$, $g_{is} = ۰/۵۳۱$) آزمون مقایسه میانگین‌ها در سطر دوم نشان داد، تفاوت در میانگین‌ها معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری است ($T = ۹$, $df = ۵۲/۸۷$, $sig = ۰/۰۰۰$). بنابراین فرضیه دوم تایید می‌گردد.

جدول ۸) آزمون مقایسه میانگین شاخص اعتقاد به نظام ارزشی اقتصادی

آزمون لون جهت برابری واریانس‌ها		آزمون برابری میانگین‌ها							
	F	Sig	T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	تفاوت خطای استاندارد	تفاوت بازه اطمینان %۹۵	
								حد بالا	حد پایین
فرض برابری واریانس‌ها	۲/۳۷	۰/۱۳۵	۱۰/۳۹	۵۸	۰/۰۰۰	۸/۴	۰/۸۰۸	۶/۷۴۵	۱۰/۰۵۵
فرض نابرابری واریانس‌ها			۹/۰۰۰	۵۲/۸۷	۰/۰۰۰	۸/۴	۰/۸۰۸	۶/۳۸۲	۱۰/۴۱۸

فرضیه سوم: بین زوج‌های عادی و متقاضی طلاق در ارزش‌های سیاسی، تفاوت وجود دارد.

مطابق با جدول ۹، میانگین نظام ارزش‌های سیاسی در بین زوجین متقاضی طلاق (۵/۳۰) بیشتر از زوجین عادی (۱/۷۰) است. شاخص انحراف معیار نیز در دو گروه با هم متفاوت است (۳/۹۴۵ در برابر ۱/۱۲۹). خطای میانگین نیز در بین زوجین عادی، کمتر از زوجین متقاضی طلاق است (۰/۲۵۲ در برابر ۱/۲۴۸).

جدول ۹) میانگین شاخص اعتقاد به نظام ارزش‌های سیاسی در بین دو گروه

زوج‌های متقاضی طلاق و عادی

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین
متقاضی طلاق	۳۰	۵/۳	۳/۹۴۵	۱/۲۴۸
عادی	۳۰	۱/۷	۱/۱۲۹	۰/۲۵۲

نتایج آزمون لون در جدول ۱۰ حاکی از آن است که فرض برابری واریانس‌ها رد شده است ($F= ۲۷/۳۷۷$, $sig= ۰/۰۰۰$). آزمون مقایسه میانگین‌ها در سطر دوم نشان داد، تفاوت در میانگین‌ها معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری است ($T= ۲/۸۲۸$, $T= ۴۹/۷۴۴$, $df= ۱۸$, $sig= ۰/۰۱۸$). بنابراین فرضیه سوم تأیید می‌گردد.

جدول ۱۰) آزمون مقایسه میانگین شاخص اعتقاد به نظام ارزشی سیاسی

آزمون لون جهت برابری واریانس‌ها		آزمون برابری میانگین‌ها							
	F	Sig	T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	تفاوت خطای استاندارد	تفاوت بازه اطمینان %۹۵	
								حد بالا	حد پایین
فرض برابری واریانس‌ها	۲۷/۳۷۷	۰/۰۰۰	۳/۸۳۷	۵۸	۰/۰۰۱	۳/۶	۰/۹۳۸	۱/۶۷۸	۵/۵۲۲
فرض نابرابری واریانس‌ها			۲/۸۲۸	۴۹/۷۴۴	۰/۰۱۸	۳/۶	۱/۲۷۳	۰/۷۵۴	۶/۴۴۶

فرضیه چهارم: در ارزش‌های اجتماعی بین زوج‌های عادی و متقاضی طلاق، تفاوت وجود دارد.

مطابق با جدول ۱۱، میانگین نظام ارزش‌های اجتماعی در زوجین متقاضی طلاق (۸/۲) بیشتر از زوجین عادی (۱/۸) است. شاخص انحراف معیار نیز در دو گروه با هم متفاوت است (۲/۰۹۸ در برابر ۱/۳۲۲). خطای میانگین نیز در بین زوجین عادی، کمتر از زوجین متقاضی طلاق است (۰/۲۹۶ در برابر ۰/۶۶۳).

جدول ۱۱) مقایسه میانگین شاخص اعتقاد به نظام ارزش‌های اجتماعی در بین دو گروه

زوج‌های متقاضی طلاق و عادی

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین
متقاضی طلاق	۳۰	۸/۲	۲/۰۹۸	۰/۶۶۳
عادی	۳۰	۱/۸	۱/۳۲۲	۰/۲۹۶

نتایج آزمون لون در جدول ۱۲ حاکی از آن است که فرض برابری واریانس‌ها تأیید شده است ($F=۲/۷۶۹$, $sig=۰/۱۰۷$). آزمون مقایسه میانگین‌ها در سطر اول نشان داد، تفاوت در میانگین‌ها معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری است ($sig=۰/۰۰۰$, $df=۵۸$, $T=۱۰/۲۴۸$). بنابراین فرضیه چهارم تأیید می‌گردد.

جدول (۱۲) آزمون مقایسه میانگین شاخص اعتقاد به نظام ارزشی اجتماعی

آزمون لون جهت برابری واریانس ها		آزمون برابری میانگین ها							
	F	Sig	T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	تفاوت خطای استاندارد	تفاوت بازه اطمینان %۹۵	
								حد بالا	حد پایین
فرض برابری واریانس ها	۲/۷۶۹	۰/۱۰۷	۱۰/۲۴۸	۵۸	۰/۰۰۰	۶/۴	۰/۶۲۴	۵/۱۲۱	۷/۶۷۹
فرض نابرابری واریانس ها			۸/۸۱۳	۵۲/۶۹	۰/۰۰۰	۶/۴	۰/۷۲۶	۴/۸۲۷	۷/۹۷۳

فرضیه پنجم: در ارزش های دینی بین زوج های عادی و زوج های متقاضی طلاق، تفاوت وجود دارد.

مطابق با جدول ۱۳، میانگین نظام ارزش های دینیدر زوجین متقاضی طلاق (۱/۵) کمتر از زوجین عادی (۲/۳) است. شاخص انحراف معیار نیز در دو گروه با هم متفاوت است (۱/۵۸ در برابر ۱/۷۲). خطای میانگین نیز در بین زوجین عادی، کمتر از زوجین متقاضی طلاق است (۰/۳۸۵ در برابر ۰/۵).

جدول (۱۳) مقایسه میانگین شاخص اعتقاد به نظام ارزش های دینی در بین دو گروه

زوج های متقاضی طلاق و عادی

گروه ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین
متقاضی طلاق	۳۰	۱/۵	۱/۵۸	۰/۵
عادی	۳۰	۲/۳	۱/۷۲	۰/۳۸۵

نتایج آزمون لون در جدول ۱۴ حاکی از آن است که فرض برابری واریانس ها تأیید شده است ($F= ۰/۴۲۲$, $sig= ۰/۵۲۱$). آزمون مقایسه میانگین ها در سطر اول نشان داد، تفاوت در میانگین ها معنادار نیست ($T=-۱/۲۶۸$, $df= ۵۸$, $sig= ۰/۲۲۸$). بنابراین فرضیه پنجم رد می شود.

جدول ۱۴) آزمون مقایسه میانگین شاخص اعتقاد به نظام ارزشی دینی

آزمون لون جهت برابری واریانس‌ها		آزمون برابری میانگین‌ها							
	F	Sig	T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	تفاوت خطای استاندارد	تفاوت بازه اطمینان ۹۵٪	
								حد بالا	حد پایین
فرض برابری واریانس‌ها	۰/۴۲۲	۰/۵۲۱	-۱/۲۳۲	۵۸	۰/۲۲۸	-۰/۸	۰/۶۴۹	-۲/۱۳۰	۰/۵۳۰
فرض نابرابری واریانس‌ها			-۱/۲۶۸	۴۹/۵۵	۰/۲۲	-۰/۸	۰/۶۳۱	-۲/۸۱۱	۰/۵۱۸

فرضیه ششم: بین زوج‌های عادی و زوج‌های متقاضی طلاق در ارزش‌های لذت‌جویی، تفاوت وجود دارد.

مطابق با جدول ۱۵، میانگین نظام ارزش‌های هنری (لذت‌جویی) در زوجین متقاضی طلاق (۴/۲) بیشتر از زوجین عادی (۱/۰۵) است. شاخص انحراف معیار نیز در دو گروه با هم متفاوت است (۱/۸۱۴ در برابر ۱/۰۹۹). خطای میانگین نیز در بین زوجین عادی، کمتر از زوجین متقاضی طلاق است (۰/۲۴۶ در برابر ۰/۵۷۳).

جدول ۱۵) مقایسه میانگین شاخص اعتقاد به نظام ارزش‌های هنری (لذت‌جویی) در بین دو گروه

زوج‌های متقاضی طلاق و عادی

خطای میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها
۰/۵۷۳	۱/۸۱۴	۴/۲	۳۰	متقاضی طلاق
۰/۲۴۶	۱/۰۹۹	۱/۰۵	۳۰	عادی

نتایج آزمون لون در جدول ۱۶ حاکی از آن است که فرض برابری واریانس‌ها تأیید شده است ($F=3/637$, $sig=0/067$). آزمون مقایسه میانگین‌ها در سطر اول نشان داد، تفاوت در میانگین‌ها معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری است ($T=5/049$, $df=58$, $sig=0/000$). پس فرضیه ششم تأیید می‌شود.

جدول ۱۶) آزمون مقایسه میانگین شاخص اعتقاد به نظام ارزشی هنری

آزمون لون جهت برابری واریانس‌ها		آزمون برابری میانگین‌ها							
	F	Sig	T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	تفاوت خطای استاندارد	تفاوت بازه اطمینان %۹۵	
								حد بالا	حد پایین
فرض برابری واریانس‌ها	۳/۶۳۷	۰/۰۶۷	۵/۹۳۷	۵۸	۰/۰۰۰	۳/۱۵	۰/۵۳۱	۲/۰۶۳	۴/۲۳۷
فرض نابرابری واریانس‌ها			۵/۰۴۹	۵۲/۴۱	۰/۰۰۰	۳/۱۵	۰/۶۲۴	۱/۷۹۶	۴/۵۰۴

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که اینگلهارت در نظریه دگرگونی ارزشی خود ذکر کرده است، در جامعه فعلی، ارزش‌های مادی جای ارزش‌های فرامادی را گرفته‌اند و این تغییر ارزش‌ها، آسیب‌های اجتماعی زیادی به جامعه، از جمله زندگی زناشویی وارد کرده است. اینگلهارت در نظریه خود از جایگزینی ارزشی بین‌نسلی سخن گفته و معتقد است جوانان ارزش‌های مادی بیشتری نسبت به نسل قبل از خود دارند. نتایج تحقیق حاضر نیز تأییدکننده این نظریه است، از این منظر که به نتایج تحقیق امام‌جمعه‌زاده، رحیمی و حاتمی نسب (۱۳۹۱) نزدیک است که در در پژوهش‌شان نشان داده‌اند که تغییرات نسلی در گرایش مردم به‌سوی ارزش‌های پسمادی‌گرایی مؤثر بوده‌اند.

یافته‌های مطالعه عظیمی هاشمی و دیگران (۱۳۹۴) نیز مؤید تفاوت‌های بین‌نسلی و درون‌نسلی در خصوص ارزش‌های همسرگزینی و رابطه با جنس مخالف است. در این پژوهش یافته‌ها نشان داد دانشجویان به‌طور مشهودی تمایل دارند، همسران‌شان را خودشان انتخاب کنند. نزدیک به یک سوم نسل جوان، دوستی دوجنس مخالف را نمی‌پذیرند، در حالی که نیمی از جوانان با شرایط خاص و بقیه به راحتی این روابط را می‌پذیرند. این داده‌ها در خصوص نوع رابطه با جنس مخالف، حاکی از شکاف و قطبی‌شدن ارزشی در نسل جوان است. از این‌رو، تغییرات ارزشی از این نوع، نتایج ناخوشایند و عمیق‌تر خود را در زندگی مشترک نشان می‌دهند.

یافته‌های پژوهش عباسی مولید (۱۳۹۰) نشان داد بین تعهد زناشویی و ارزش‌های فرهنگی زوجین، رابطه معناداری وجود دارد. همان‌طور که از نتایج این تحقیق بر می‌آید، میانگین نمرات زوجین متقاضی طلاق در ارزش‌های مادی بیشتر از میانگین نمرات در زوجین عادی بوده است. زاهدی و خضرنژاد (۱۳۹۲) در تحقیقی نشان دادند که ارزش‌های غیر سنتی خانواده بیشتر شده و ارزش‌های سنتی کاهش یافته است. در پژوهش آزاد ارمکی و ظهیری‌نیا (۱۳۸۹)، نیز نتایج گویای آن است که هم والدین و هم فرزندان، ارزش‌های مادی را نسبت به ارزش‌های فرامادی، در اولویت بالاتری قرار می‌دهند.

نتایج تحقیق لاپلانت، میلر و مالهرب (Laplane, Miller & Malherbe: 2006) نشان می‌دهد که به تحول ارزشی در کانادا از سال ۱۹۵۰ میلادی تا اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی پرداخته‌اند نیز همسو با این نتیجه است. در تحقیقی وثوقی و رضائیان (۱۳۹۳)، نشان می‌دهند که به زبان اینگلهارتری چون جامعه لک در دوره کمیابی به سر می‌برد، بنابراین مهم‌ترین اولویت‌های ارزشی افراد، ارزش‌های مادی هستند و هنوز این افراد، به سطح ارزش‌های فرامادی نرسیده‌اند. تحقیق بهشتیان (۱۳۹۵) نیز در تأیید این مدعا نشان داد که ملاک‌های فرهنگی و قومی، مذهبی، روان‌شناختی، شرایط خانواده و علائق مشترک زنان و مردان در ازدواج اول و دوم متفاوت است و ملاک عشق در زنان در ازدواج اول و دوم متفاوت بوده و در مردان، تفاوتی مشاهده نشد. مطالعه گانت (Gaunt, 2011) هم که شباهت در حوزه نگرش و دینداری را ضعیف به دست آورده است، نشان از این مدعا دارد.

به نظر می‌رسد برای رفع مسأله تسلط ارزش‌های مادی، همه نهادهای جامعه‌پذیرکننده مخصوصاً سازمان صدا و سیما، نقش مؤثری در زمینه آموزش و تکرار آموزه‌هایی دارند که بتواند به تدریج ارزش‌های فرامادی در جامعه رازنده و پویا نماید. در این راستا، نشان دادن زندگی در نمونه‌های دو نسل در فیلم‌ها و نمایش‌ها و برنامه‌های آموزشی در صدا و سیما نقش مهمی دارد. هم‌چنین معرفی نمونه‌های موفق از هر دو نسل که به‌رغم تغییر ارزش‌ها در زندگی، راه موفقیت را پیموده‌اند نیز می‌تواند الگوسازی برای نسل‌های بعدی باشد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ ظهیری نیا، مصطفی (۱۳۸۹). "بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده". *خانواده پژوهی*، دوره ششم، ش ۳ (پاییز): ۲۷۹-۲۹۷.
- آزاد ارمکی، تقی؛ غیاثوند، احمد (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران*. تهران: نشر آن.
- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ رحیمی، رئوف؛ حاتمی نسب، سیدحسن (۱۳۹۱). "انقلاب خاموش در جوامع فراصنعتی: تغییر در اولویت ارزش‌ها". *پژوهش‌های سیاسی جهان/اسلام*، دوره دوم، ش ۳: ۶۱-۸۵.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر.
- بهشتیان، محمد (۱۳۹۵). "بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های ازدواج (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ظاهری و دموگرافیک) زوج‌های در شرف ازدواج دوم با ملاک‌های آنها در ازدواج اول". *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال هفتم، ش ۲ (تابستان): ۱-۲۱.
- روشه، گی (۱۳۷۹). *کنش اجتماعی*. مترجم هما زنجانی‌زاده. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- زاهدی، محمدجواد؛ خضرنژاد، عمر (۱۳۹۲). "نوسازی و فرایند تحول ارزش‌ها در حوزه خانواده (نمونه موردی: دگرگونی ارزش‌های خانوادگی در شهر بوکان)". *جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهاردهم، ش ۱ (بهار): ۶۸-۹۷.
- عباسی مولید، حسین (۱۳۹۰). "رابطه‌ی تعهد زناشویی با ارزش‌های فرهنگی زوجین (مطالعه‌ی موردی: استان خراسان جنوبی)". *مطالعات انتظامی شرق*، پیش شماره (مهر): ۷-۱۴.
- عظیمی هاشمی، مژگان، و دیگران (۱۳۹۴). "ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای کنش نسل جوانان در خصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج". *راهبرد فرهنگ*، دوره هشتم، ش ۲۹ (بهار): ۱۷۹-۲۱۲.
- میردریگوندی، رحیم (۱۳۸۲). "رابطه شخصیت با نظام‌های ارزشی از دیدگاه

- آلپورت (با نگاهی ویژه به ارزش دینی). "معرفت، ش ۶۴ (فروردین): ۷۶-۸۲.
- وثوقی، منصور؛ رضائیان، علی (۱۳۹۳). "بررسی جامعه‌شناختی تغییرات فرهنگی در مناطق لکنشین". *مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، دوره چهارم، ش ۱۵ (زمستان): ۸۹-۱۰۲.
- Borgatta Edgar, F.; Marie, L. Borgatta (1992). *Encyclopedia of Sociology*. New York: Macmillan Publishing Company.
- Gaunt, R. (2011). "Couple Similarity and Marital Satisfaction: Are Similar Spouses Happier". *Journal of Personality*, Vol. 74, No. 5: 7-14.
- Allport Gordon, W. (1955). *Becoming: Basic considerations for a psychology of personality*. New Haven: Yale University Press.
- Hall, Scott S. (2006). "Marital Meaning Exploring Young Adults". *Belief Systems About Marriage*, Vol. 27, No. 10: 1437 – 1458.
- Laplante, Benoit; Miller, Caia; Malherbe, Paskall (2006). "The Evolution of Beliefs and Opinions on Matters related to Marriage and Sexual Behaviour among French-speaking Catholic Quebecers and English-speaking Protestant Ontarians". *Canadian Studies in Population*, Vol. 33, No. 2: 209-239.
- Parsons, Talcott (1951). *The Social System*. New York: The Free Press.

اثرات بازارچه مرزی باجگیران بر احساس امنیت اجتماعی – اقتصادی مناطق روستایی همجوار (مطالعه موردی: دهستان دولتخانه شهرستان قوچان)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۵

سال سیزدهم، شماره اول، پاییز ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۲۲

شماره صفحه: ۷۹-۹۸

حمید جلالیان^۱

حسن مؤمنی^۲

ملیحه سلطان آبادی^۳

چکیده

امنیت ابعاد مختلفی دارد، یک بُعد مهم و پر اهمیت آن، امنیت اجتماعی- اقتصادی است که به نگرداشت جوامع مرزنشین می‌انجامد. مرزها، ظرفیت تبادلات تجاری را به وجود می‌آورند که از ملزومات آن، ایجاد بازارچه‌های مرزی برای عرضه تولیدات است. هم‌اکنون در مناطق مرزی کشور، ۴۳ بازارچه وجود دارد. بازارچه مرزی باجگیران نیز جزو بازارچه‌های مرزی کشور است که در شهرستان قوچان و هم‌مرز با کشور ترکمنستان احداث شده است. از این رو، سؤال پژوهش این گونه مطرح می‌شود که بازارچه مرزی باجگیران، چه مقدار احساس امنیت اجتماعی- اقتصادی برای روستاهای همجوار به ارمغان آورده است. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای- میدانی و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) صورت گرفته است. گویه‌های تحقیق از مؤلفه‌ی امنیت اجتماعی- اقتصادی کسب شده است و جامعه آماری تحقیق، شامل ۲۲ روستای دهستان دولتخانه از توابع شهرستان قوچان است. با توجه به جمعیت زیاد این دهستان، پنج روستا (بردر، دربادام، شیخ کانلو، شمخال و قرجه) همجوار بازارچه مرزی مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از جدول مورگان، تعداد ۱۸۰

hamidjalalian@khu.ac.ir

۱. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه خوارزمی

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه خوارزمی، نویسنده مسؤول

hassan_momeni679@yahoo.com

malihe.soltanabadi@gmail.com

۳. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه خوارزمی

پرسشنامه نمونه تعیین شد. نتایج نشان می‌دهد وضعیت اشتغال قبل و بعد از تأسیس بازارچه مرزی، دچار تحول شده و شاغلین بخش کشاورزی و دامداری کاهش یافته است. بازارچه مرزی به ایجاد مشاغل جدیدی مانند فروشنده‌گی، خدمات حمل‌ونقل، نیروی انسانی (کارگر خدماتی) و ... انجامیده است. آمارها بیانگر این است که میزان قاچاق در منطقه نسبت به قبل کاهش داشته، هم‌چنین باتوجه به ایجاد زیرساخت‌های بازارچه مرزی و تبادلات ناشی از آن، وضعیت ارتباطی بین روستاها نیز گسترش پیدا کرده است.

واژگان کلیدی: امنیت اجتماعی - اقتصادی، بازارچه‌های مرزی، نواحی روستایی، بخش باجگیران

بیان مسأله

مبادلات منطقه‌ای همواره یکی از قدیمی‌ترین ابزارهای رشد، توسعه و رفاه بوده است. این‌گونه مبادلات بویژه در نواحی مرزی، هم در جهت توسعه محلی و هم برای توسعه تجارت و همکاری‌های منطقه‌ای مفید است. تجربیات کشورهای در حال توسعه در سه دهه اخیر نشان می‌دهد که توسعه مبادلات مرزی در قالب‌های مقررات و قوانین می‌تواند محرک خوبی برای افزایش مبادلات کالا به صورت رسمی و جهت‌دهی تجارت به سمت مزیت‌های نسبی، گسترش همکاری‌های همه‌جانبه بین مناطق آزاد، توسعه بازارچه‌های بین مرزی، ایجاد سودهای تجارتي، اشتغال و امنیت برای مرزنشینان گردد (محمودی، ۱۳۸۴: ۱۰۷). امروزه افزایش جمعیت باتوجه به ضعف امنیت و نگره‌داشت جمعیت در مناطق مرزی، افق بسیار پیچیده‌ای برای آینده نواحی پیرامونی پدید آورده است. بسیاری از کارشناسان براین باورند، در آینده کشوری موفق خواهد بود که بتواند مشکلات جمعیتی خود را به حداقل برساند و با استفاده از راهکارهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و امنیتی بتواند جمعیت را به ماندن در نواحی مرزی و محل تولدشان علاقمند نماید (رضایی، ۱۳۸۰: ۱۷)، در این راستا، اولین گام برای فهم امنیت راه یابی به انگیزه بازیگران است و بدون این مهم اساساً نمی‌توان به تصویری صحیح از سیاست امنیتی دست یافت (افتخاری، ۱۳۸۱: ۱۷). از طرفی، نواحی مرزی به واسطه دوری از مرکز،

انزوای جغرافیایی، توسعه نیافتگی و ... تفاوت‌های فاحش از نظر برخورداری از رفاه و توسعه در مقایسه با مراکز عمده جمعیتی را دارند که این تفاوت‌ها، منجر به گسست این دو ناحیه و ایجاد یک رابطه استثماری به نفع مرکز می‌شود (رضایی، ۱۳۸۰: ۱۷).

علی‌رغم ظرفیت‌های مناطق مرزی، دوری از مرکز پیامدهای نامطلوبی را برای این مناطق به همراه داشته که مهم‌ترین آن، محرومیت شدید و حاشیه‌ای بودن این مناطق از کشور است. از جمله مناطقی که باید سطح توسعه‌یافتگی در آنها افزایش یابد، مناطق مرزی است. مناطق مرزی به دلیل تماس با محیط‌های گوناگون داخلی و خارجی از ویژگی‌های خاصی برخوردارند (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۵). ویژگی‌هایی چون دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی، ناپایداری سکونت، تفاوت‌های فرهنگی، تهدیدات خارجی، تبادلات مرزی و ... اهمیت ویژه‌ای را در برنامه‌ریزی‌های توسعه، امنیت و آمایش کشور به این مناطق داده است. عقب‌ماندگی مناطق مرزی [که ناشی از توسعه مرکز پیرامون یا مکان مرکز است]، این مناطق را از نظر شاخص‌های توسعه در حد پایینی قرار داده است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۸۱).

روستاهای مناطق مرزی ایران نیز از این امر مستثنی نیست. روستاهایی که در پیرامون مرزهای جغرافیایی اکثر کشورهای در حال توسعه قرار دارند، سطح قابل توجهی از نیازهای‌شان را از طریق مبادلات در بازارهای مرزی تأمین می‌کنند. این گونه مبادلات به‌صورت رسمی یا غیررسمی و دارای نقشی پراهمیت در مبادلات میان کشورها بوده که باعث بهبود زندگی ساکنان نقاط مرزی می‌شود (مراتب، ۱۳۸۴: ۲). از این‌رو، اقتصاد مناطق مرزی می‌تواند نقشی اساسی در ترقی و پیشرفت توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد، ایجاد روابط دوستی و آشنایی بیشتر و تسریع همکاری‌های بیشتر بین نواحی مرزی داشته باشد. یکی از این برنامه‌ها، پویا کردن اقتصاد نواحی مرزی است که به‌عنوان یک شاخص اصلی در برقراری ارتباط بین کشورهای همجوار و نیز بهبود امرارمعاش مردم مرزنشین به‌شمار می‌رود (Chandoevrit, yonguth & Srawooth, 2004: 145). گستردگی طول مرزهای کشور و کوهستانی و صعب‌العبور بودن مرزها در اکثر نقاط، عملیات مرزبانی و کنترل مرزها را بدون مساعدت مرزنشینان مشکل کرده است که این امر، یکی از عوامل

گسترش قاچاق و دشواری‌های مبارزه با آن می‌باشد. بنابراین امروزه عملیات پنهان قاچاق کالا و عدم کنترل آن موجب شده است تا دولت‌ها در سالم‌سازی مناطق مرزنشین، به شیوه‌های نوینی از همکاری‌های منطقه‌ای روی بیاورند. این گونه همکاری‌ها در قالب بازارچه‌های مشترک مرزی، از شناخته‌ترین روش‌های توسعه اقتصادی مناطق مرزنشین به‌شمار می‌رود (فخر فاطمی، ۱۳۸۳: ۲) که می‌تواند تحولی اساسی در تولید، اشتغال، تثبیت جمعیت مرزنشین برعهده داشته باشد. از این‌رو، سؤال اصلی پژوهش این گونه مطرح می‌شود که بازارچه‌های مرزی و گسترش مبادلات آن تا چه حد بر احساس امنیت اجتماعی - اقتصادی روستاهای پیرامون تأثیرگذار بوده است؟

پیشینه تحقیق

قادری حاجت و دیگران (۱۳۸۹) در مطالعه خود به تبیین نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامون (بازارچه‌های مرزی استان خراسان جنوبی) پرداخته است و نتایج نشان داد نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامون، بویژه استان خراسان جنوبی بسیار مؤثر است و بازارچه‌های مورد نظر تا حدود زیادی توانسته‌اند در توسعه نواحی پیرامون خود، تأثیر مثبت بگذارند که این امر بستر لازم برای افزایش امنیت در ابعاد مختلف را فراهم آورده است. رکن‌الدین افتخاری، پاپلی یزدی و عبدی (۱۳۸۸) با ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی و بازتاب‌های توسعه مناطق مرزی (بازارچه مرزی شیخ‌صالح شهرستان ثلاث باباجانی، استان کرمانشاه)، به بررسی اثرات اقتصادی بازارچه بر توسعه نواحی روستایی پیرامون پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بازارچه مرزی ثلاث باباجانی، موجب کاهش فقر و نگره‌داشت جمعیت و افزایش درآمد و سطح رفاه روستاییان شده است.

اسماعیل‌زاده (۱۳۸۷) با مطالعه جایگاه بازارچه‌های مشترک مرزی در وضعیت رفاهی مرزنشینان (بازارچه مرزی سردشت و پیرانشهر)، به این نتیجه رسید که بازارچه‌های مرزی اگرچه در پاره‌ای موارد نقش مثبت و مؤثری داشته و توانسته‌اند تغییرات مثبتی در اقتصاد معیشتی مردم مرزنشین پدید آورند، ولی عملکرد چندساله آنها نشان می‌دهد

که با اهداف اولیه تأسیس همخوانی ندارند. روشن (۱۳۸۹) در بررسی توسعه و امنیت مرزی (بازارچه مرزی استان خراسان)، بازارچه‌های مرزی را باعث افزایش اشتغال، بهبود و وضعیت درآمدی مردم، کاهش قاچاق کالا و در نهایت افزایش امنیت در منطقه دانسته‌اند. شافعی (۱۳۷۸) با ارزیابی وضعیت بازارچه‌های مشترک مرزی استان آذربایجان شرقی و موانع و مشکلات آنها، به این نتیجه رسید که توسعه و گسترش مبادلات بازرگانی بازارچه‌های مرزی، باعث تغییر و تحول سیمای منطقه و فراهم آوردن بسترهای توسعه شده است. امان‌پور و دیگران (۱۳۹۱)، زمینه بررسی و تحلیل اثرات بازارچه‌های مرزی بر ساختار اقتصادی و اجتماعی شهرها (شهر جوانرود)، مورد تحلیل قرار داده‌اند و نتایج آن نشان داد که بازارچه مرزی باعث شد تا جوانان جویای کار، به کار مشغول شوند و به تبع آن، اقتصاد شهر بهبود یابد. در صورت برنامه‌ریزی صحیح در همه سطوح شهری و منطقه‌ای این مکان می‌تواند به یکی از کانون‌های فعال اقتصادی غرب کشور تبدیل شود.

مبانی نظری

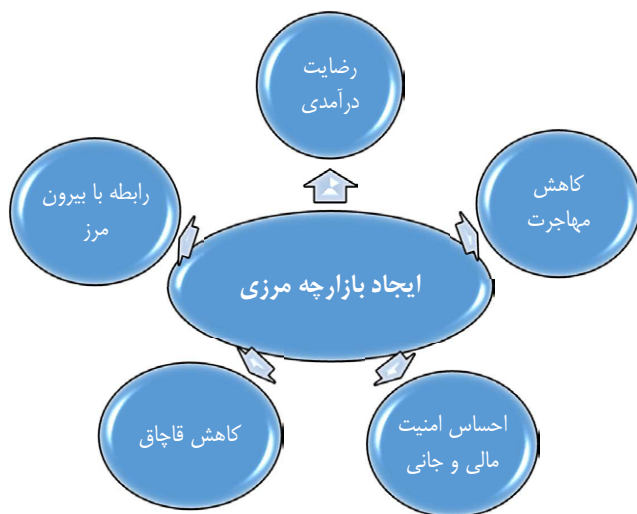
پژوهش حاضر، به بررسی تأثیر بازارچه مرزی باجگیران شهرستان قوچان بر احساس امنیت مردم روستاهای اطراف بازارچه و شاغلین در آن پرداخته است. از آنجایی که احساس امنیت در افزایش توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌های روستایی بسیار مؤثر است، این عامل در دو بُعد اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. توسعه‌یافتگی اقتصادی مناطق مرزی می‌تواند سبب کاهش برخی از مشکلات مرزی، از قبیل قاچاق کالا، مواد مخدر و سرقت شود و از تخلیه جمعیتی مناطق مرزی جلوگیری کند. بازارچه مشترک مرزی باجگیران، بعد از فروپاشی شوروی سابق و استقلال کشورهای آسیای مرکزی در دو کیلومتری شهر باجگیران قوچان و ۳۰ کیلومتری از شهر عشق‌آباد مرکز جمهوری ترکمنستان در نقطه صفر مرزی واقع شده است. بازارچه مرزی باجگیران در نوروز سال ۱۳۷۵ به‌وسیله وزرای امور خارجه ایران و ترکمنستان افتتاح و فعالیت اقتصادی خود را عملاً از سال ۱۳۷۶ آغاز کرد (بخشداری باجگیران، ۱۳۹۷). از آنجایی

که گسترش تبادلات تجاری، رونق و توسعه اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد، لذا فرضیه پژوهش بیان کننده افزایش امنیت اجتماعی - اقتصادی روستاهای مرزی، با ایجاد بازارچه در آن است.

بازارچه‌های مرزی فعال در کشور بر دو نوع است: نوع اول بازارچه‌هایی هستند که براساس مجوز وزارت بازرگانی تشکیل شده‌اند، مانند بازارچه‌های کردستان، کرمانشاه و ... که عموماً در مناطق مرزی به منظور محرومیت‌زدایی، ایجاد اشتغال و درآمد برای اهالی تأسیس می‌گردند و در مجموع ۲۴ بازارچه از این نوع در کشور وجود دارد. بازارچه‌های مرزی نوع دوم، بازارچه‌هایی هستند که مجوز ایجاد آنها براساس مصالح ملی و تشخیص شورای امنیت ملی صادر می‌شود. این گونه بازارچه‌ها غالباً با نظر شورای مذکور در مکان و زمان معین ایجاد و منحل می‌شوند (پهلوانی و دهمرده قلعه‌نو، ۱۳۷۸: ۱۲). کاهش قاچاق، افزایش سطح درآمد و به تبع آن افزایش رفاه، شکوفایی و توسعه صنایع دستی و محلی، اهداف امنیتی، از جمله تأمین امنیت اجتماعی - اقتصادی، ایجاد امنیت سیاسی مرزهای زمینی، ایجاد امنیت اجتماعی و نهایتاً یک توسعه پایدار ناحیه‌ای که از جمله اهداف این بازارچه‌ها بوده، ایجاد می‌نماید (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱: ۸). هم‌اکنون در مناطق مرزی کشور، ۴۳ بازارچه مرزی احداث شده است که از این تعداد بازارچه، تعدادی جدیدالاحداث و تعدادی غیرفعال هستند.

امنیت ازجمله مفاهیم مطرح در علوم انسانی است که همانند بسیاری مفاهیم دیگر جامعه، پیچیدگی و گنگ بودن، خصیصه ذاتی و ماهوی آن است. بوزان (۱۳۷۸: ۵۲) در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس امنیت را از لحاظ لغوی، عبارت از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) می‌داند. ایجاد احساس امنیت اجتماعی به‌عنوان یک پدیده روان‌شناختی و اجتماعی، تحت تأثیر تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط متفاوت اجتماعی است که انسان‌ها برای دستیابی به زندگی سالم و تداوم روابط اجتماعی، نیازمند آن هستند و احساس امنیت پیش‌نیاز هرگونه توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی محسوب شده و با سطح پیشرفت جامعه در ارتباط است. آگاهی از وضعیت

امنیت ساکنان یک اجتماع نقش مؤثری در شناخت چالش‌ها و راهکاری توسعه یک جامعه داشته و در جهت تقویت زیرساخت‌های آن عمل می‌کند (ساربان، ۱۳۹۵: ۳۳). به‌طور کلی، امنیت اجتماعی و اقتصادی، یکی از پیش‌نیازهای توسعه کشور است و بدون شک با وضعیت فرهنگی جامعه ارتباطی تنگاتنگ دارد. پای‌بندی افراد و نهادهای جامعه به ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در فرهنگ نوعی مصونیت اجتماعی ایجاد می‌کند که بالطبع موجب امنیت پایدار می‌شود (یزدانی و صادقی، ۱۳۸۹: ۵۰). در راستای ارتباط پنج عامل: رضایت از درآمد، کاهش مهاجرت، احساس امنیت مالی و جانی، کاهش قاچاق و رابطه با بیرون مرز، مدل مفهومی تهیه شد (شکل ۱) که در ذیل به نمایش درآمده است.



شکل ۱) مدل مفهومی تحقیق

اولین بازارچه مرزی ایران با اهداف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و ... در محل بازار ساری‌سو بازرگان در سال ۱۳۶۷ تأسیس شد. ولی از طرفی، این بازارچه به‌دلایل مختلفی بویژه ایرادات قانونی که گمرک به نحوه‌ی عملکرد بازارچه و همچنین اهداف تأسیس آنها گرفت، در اواخر سال ۱۳۶۸ تعطیل شد (بی‌سخن، ۱۳۸۷: ۳۵). دوره دوم فعالیت بازارچه‌های مرزی از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۳ و به‌دنبال مذاکرات استاندارد

آذربایجان غربی و استاندارد وان ترکیه و با تأسیس بازارچه مرزی رازی و سرو آغاز شد و به دنبال آن، اقداماتی جهت احداث بازارچه‌های مرزی در چند استان کشور انجام گرفت. راه‌اندازی و ایجاد بازارچه‌های مرزی به‌عنوان اهرمی از فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مختلف خصوصاً در مناطق مرزی کشور، دارای آثار مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده است. در بُعد اقتصادی، ایجاد بازارچه در نواحی روستایی، بویژه در مناطق مرزی می‌تواند فرصت‌هایی ازجمله ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم برای جوانان منطقه (بخش‌های حمل‌ونقل بار و مسافر، غذاخوری‌ها و خدمات مربوط به آن)، صدور تولیدات کشاورزی و دامی با قیمت‌های مناسب به کشورهای همجوار، افزایش درآمد و سطح رفاه روستاییان از طریق تبادل کالا، کاهش بیکاری، رسمی کردن مبادلات بین ایران و کشورهای همسایه و همچنین افزایش تعداد و تنوع مشاغل موجود در روستا مؤثر باشد (دهمرده قلعه‌نو؛ شهرکی، ۱۳۷۸: ۵۷-۶۰). بازارچه‌های مرزی علاوه بر اثرات مثبت اقتصادی، دارای آثار منفی نیز می‌باشند، از جمله آثار منفی آنها می‌توان به ورود کالاهای قاچاق به کشور و خروج ارز از آن، ورود کالاهای مشابه و لطمه به تولیدات داخلی، تجمل‌گرایی، ایجاد شغل‌های کاذب و پردرآمد و کاهش محصولات کشاورزی، ترک تحصیل دانش‌آموزان جهت اشتغال در مشاغل کاذب و اثرات سوء فرهنگی اشاره کرد. برخی از ویژگی‌های اصلی در ایجاد بازارچه‌های مرزی عبارتند از:

الف) مؤلفه امنیت: بازارچه‌های مرزی با توجه به ساختارشان توانسته‌اند، امنیت مرزها را تا حدودی برقرار کنند و این مؤلفه بر اقتصاد مناطق مذکور، تأثیر به‌سزایی داشته است.

ب) مؤلفه اجتماعی: افراد ساکن در مناطق مرزی، به‌دلایل گوناگون به ارتباط و تعامل با افراد ساکن در آن سوی مرز تمایل دارند و بازارچه‌ها توانسته‌اند، این امر مهم را به‌راحتی تحقق بخشند.

ج) مؤلفه سیاسی: استان‌های مرزی، همیشه خواستار روابط سیاسی براساس منافع مشترک با کشور همسایه بوده‌اند و بازارچه مرزی با فراهم کردن زمینه انجام مذاکرات و ملاقات‌های متعدد، این مؤلفه را تأمین نموده است.

د) ایجاد اشتغال: ایجاد بازارچه‌های مرزی به راحتی توانسته باعث اشتغال مستقیم و غیرمستقیم مرزنشینان شود و این امر خود، باعث سرمایه‌گذاری مولد شده است.

ه) مؤلفه مهاجرت: بازارچه‌های مرزی با ایجاد شغل و کسب درآمد برای مرزنشینان، در کاهش مهاجرت مرزنشینان به شهرهای بزرگ، تا حدودی مؤثر بوده‌اند (قادری حاجت و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

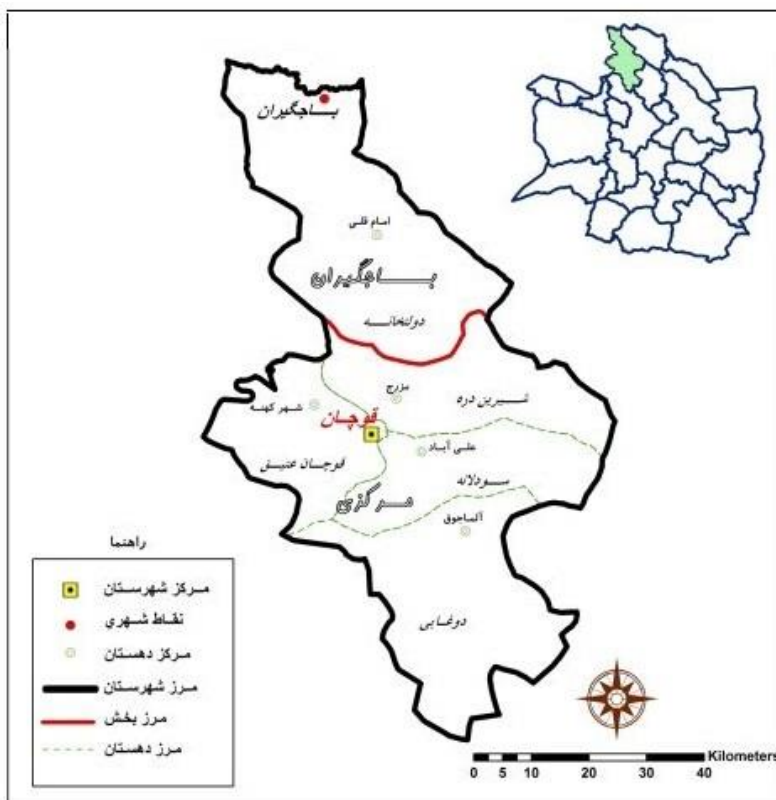
اهداف وزارت کشور از ایجاد بازارچه‌های مرزی

- ۱- ایجاد توسعه در روابط اقتصادی و تجاری مناطق مرزی و کاهش میزان فقر؛
- ۲- ایجاد اشتغال، امنیت، تثبیت جمعیت در حواشی مرزها و جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرها؛
- ۳- جلوگیری از به هدر رفتن سرمایه‌های ملی به وسیله قاچاق کالا؛
- ۴- رونق اقتصادی و تحرک اجتماعی در راستای نیل به توسعه در نواحی روستایی حاشیه مرز؛
- ۵- ایجاد ارتباطات فرهنگی- اقتصادی مردم و تجار خارج از مرز با نواحی کشور (وزارت کشور، ۱۳۹۵).

معرفی محدوده مورد مطالعه

قوچان یکی از شهرهای استان خراسان رضوی است و فاصله آن تا مشهد حدود ۱۳۰ کیلومتر، تا باجگیران ۸۴ کیلومتر و تا مرکز کشور ترکمنستان (عشق آباد) ۱۱۸ کیلومتر می‌باشد. جمعیت شهرستان قوچان بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۷۴۴۹۵ نفر است که ۸۸۶۵۶ نفر آنان را مردان و مابقی را زنان تشکیل داده‌اند. وسعت این شهرستان حدود ۵۲۳۴ کیلومتر مربع می‌باشد. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۳۵۰ متر و با قرار گرفتن در بین ارتفاعات هزار مسجد و آلاداغ، دارای آب و هوای معتدل و سرد می‌باشد. به دلیل اقلیم مناسب و خاک حاصلخیز از گذشته‌های دور تا به امروز مورد سکونت قرار گرفته است و به دلیل موقعیت جغرافیایی آن در مسیر جاده آسیایی و حمل و نقل کشورهای آسیای میانه از معبر گمرک باجگیران، همیشه

مورد توجه بوده است. قوچان دارای دو بخش (مرکزی و باجگیران) است و دهستان‌های (قوچان عتیق، شیرین دره، سودلانه، دولتخانه، دوغائی، شاه جهان، سنگر و خبوشان) را شامل می‌شود که مجموعاً ۴۷۳ روستا را در خود جای داده است (بخشداری باجگیران، ۱۳۹۷). بنابراین طبق (شکل ۲) نقشه محدوده مورد مطالعه ترسیم شده است.



شکل ۲) نقشه محدوده مورد مطالعه (وزارت کشور، ۱۳۹۵)

بخش باجگیران یکی از بخش‌های شهرستان قوچان است که در شمال این شهرستان واقع شده است. مساحت آن حدود ۱۲۳۳/۴۳ کیلومتر مربع می‌باشد. این شهر نقطه صفر مرزی بین ایران و ترکمنستان است. شهر باجگیران در شمال غربی کوه سَمُخَل

(مرتفع‌ترین قله ۲۲۶۰ متر) واقع است. دره‌های کوه سمخل دارای مرغزار و جنگل است و در ۷۸ کیلومتری شمال شهر قوچان و دو کیلومتری جنوب مرز ایران و ترکمنستان قرار دارد. آب و هوای آن در زمستان بسیار سرد و در تابستان معتدل است. این بخش دارای یک شهر بنام باجگیران و یک دهستان بنام دولتخانه است. جمعیت شهر باجگیران بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، ۱۸۸ خانوار است. حدود ۱۰٪ از مساحت کل این بخش برای کشاورزی مساعد است و بقیه مساحت آن، به دلیل کوهستانی و صعب‌العبور بودن به صورت مرتعی و یا کشاورزی دیم است و مهمترین محصولات آن گندم، جو، عدس، سیب زمینی و ... است (باجگیران، ۱۳۹۵).

از این‌رو جدول ۱ تقسیمات شهرستان قوچان را نشان می‌دهد.

جدول (۱) تقسیمات شهرستان قوچان

جمع	خراسان رضوی												استان												
	قوچان												شهرستان												
	باجگیران												بخش												
	دولتخانه												دهستان												
-	پادگار	کلاته ملامحمد	کلاته حاجی نصیر	قریه شرف	قره چه	قرجه	قاجککلو	شیرزن	شیخککلو	شمخال	شاهرگ	رهورد	دولتخانه	دربادام	حمزه کالو	چوپنی	جوزان	پاکتل	بردر	اینچه کیگالو	اینچه شهباز	اینچه سابلان	روستا	تعدادخانوار	جمعیت روستا
۵۷۷۲	۱۸۸۶	۱۱۲	۶۹	۵۷	۷۲	۵۵	۵۸	۲۶۲	۳۴	۲۴	۵۴	۲۲۱	۱۲۹	۴۴	۷۶	۲۱	۲۰	۱۸۶	۴۵	۱۶۱	۸۵	۲۳	۷۸		
۲۴۴																									
۲۴۴																									
۱۹۳																									
۲۱۸																									
۱۵۹																									
۱۷۲																									
۹۰۲																									
۱۱۶																									
۸۸																									
۱۶۵																									
۷۱۵																									
۴۲۲																									
۱۶۷																									
۲۶۲																									
۶۲																									
۷۰																									
۵۶۱																									
۱۲۰																									
۵۳۴																									
۲۵۰																									
۸۶																									
۲۲۶																									

منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر باتوجه به ماهیت و هدف پژوهش، توصیفی-تحلیلی و نوع نگرش به آن ساختاری-فرایندی است. این پژوهش سعی در شناخت تأثیر بازارچه‌های مرزی در منطقه مورد مطالعه بر روستاهای پیرامونی دارد. در همین راستا، به ارزیابی اثرات بازارچه مرزی باجگیران بر امنیت اجتماعی-اقتصادی روستاهای نزدیک به بازارچه دارد. مؤلفه‌های امنیت اجتماعی-اقتصادی شامل امنیت شغلی، رضایت درآمدی، احساس امنیت مالی و جانی، کاهش مهاجرت، کاهش قاچاق و رابطه با آن سوی مرز است (Bebbington, et al., 2007:602; Singh, 2009: 888). روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی است و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. جامعه آماری تحقیق، دهستان دولتخانه از توابع شهرستان قوچان بوده که طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، دارای ۲۲ روستا است. باتوجه به جمعیت نسبتاً زیاد دهستان، پنج روستا (بردر، دربادام، شیخکانلو، شمخال و قرجه) در پیرامون بازارچه مورد تحلیل قرار گرفت. از آنجایی که واریانس جامعه آماری در اختیار نبود، بنابراین برای برآورد حجم نمونه از جدول مورگان استفاده شد و تعداد پرسشنامه لازم جهت توزیع، ۱۸۰ نمونه به دست آمد.

یافته‌های تحقیق

بررسی ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد ۸۳٪ پاسخ‌دهندگان مرد و ۱۷٪ زن بوده‌اند و از نظر سطح تحصیلات، ۵۸٪ دیپلم و بالاتر هستند. از نظر وضعیت فعالیت بیش از ۵۰٪ در بخش خدمات مشغول به فعالیت بوده و از آن میان، ۴۴/۲٪ در بازارچه اشتغال داشته‌اند که فعالیت آنها در بازارچه بیشتر دائمی است. یافته‌ها در این بخش نشان می‌دهد، وضعیت اشتغال افراد پاسخ‌دهنده قبل و بعد از تأسیس بازارچه، دچار تغییرات شده است. درصد شاغلین بخش کشاورزی و دامداری، بعد از ایجاد بازارچه کاهش یافته است. بازارچه به ایجاد مشاغل جدیدی مانند فروشندگی، کارگر خدماتی، رانندگی و ... در منطقه مورد مطالعه، کمک شایانی کرده است. با توجه

به ارزیابی به‌دست آمده، امور خدماتی رشدی بیشتر از مشاغل دیگر داشته است که این نشان از حرکت منطقه به سمت نقش و فعالیت‌های خدماتی دارد. بر اساس قرائن موجود در محدوده مورد مطالعه و مصاحبه‌ها و پاسخ‌های شفاهی کسب شده که بخشی از داده‌های تحقیق را تشکیل می‌دهد، عمده‌ترین دلایل مهاجرت روستایی منطقه باجگیران، بیکاری و نبود اشتغال برآورد شده است. لذا آن گروه از ساکنان مناطق مرزی که خواستار کسب درآمدی مناسب از راه فعالیت‌های سالم اقتصادی بوده‌اند، اغلب به لحاظ نیافتن زمینه‌های اشتغال مولد، این مناطق را رها کرده و به حاشیه‌ی شهرها مهاجرت می‌کنند. از این‌رو، بازگشایی مرز و ایجاد بازارچه، نقش زیادی در کنترل مهاجرت روستاهای مرزی و خود شهر باجگیران داشته است. روستاهای بخش باجگیران، که نزدیک‌ترین مسافت را با بازارچه دارند، به‌طور مستقیم از این بازارچه استفاده می‌کنند، مانند روستاهای بردر، دربادم، شیخکانلو، شمخال، قرچقه و خود شهر باجگیران. به استناد مصاحبه با مردم محلی، این بازارچه نقش زیادی در اشتغال مردم داشته است و اگر روزی این بازارچه بنا به دلایلی تعطیل شود، زندگی آنها به شدت تحت تأثیر این اقدام قرار خواهد گرفت. با توجه به اظهارات شورای مرزی، جوانان این روستا گرایش به کار تجارت پیدا کرده‌اند. لذا بازارچه مرزی باجگیران با ایجاد نوعی اشتغال برای مردم این روستاها، باعث کاهش مهاجرت از این مناطق، بویژه مهاجرت جوانان برای یافتن کار به شهرهای بزرگ، به‌خصوص تهران شده است. در بررسی درصد فراوانی گروه‌های مشاغل در بازارچه مرزی باجگیران، دامنه طبقات ۹ تعیین شد، کرانه تغییرات بین عدد ۱ تا ۲۴۰ قبل از تأسیس و از ۱ تا ۲۹۲ بعد از تأسیس بوده و حد آن که بر اساس جذر میانگین کل تغییرات به‌دست می‌آید، عدد ۱۶/۵ قرار داده شد (جدول ۲).

جدول ۲) درصد فراوانی گروه‌های شغلی قبل و بعد از تأسیس بازارچه

گروه‌های شغلی	قبل از تأسیس بازارچه			بعد از تأسیس بازارچه		
	k	CFi	% Fi	k	CFi	% Fi
کارمند	۱۱	۱۱	۰/۰۵	۲۸	۲۸	۰/۱۰
فروشنده	۱۰	۲۱	۰/۰۴	۱۳	۴۱	۰/۰۴
تاجر	۳	۲۴	۰/۰۱	۲۵	۶۶	۰/۰۹
کشاورز	۵۲	۷۶	۰/۲۲	۲۴	۹۰	۰/۰۸
دامدار	۶۰	۱۳۶	۰/۲۵	۳۲	۱۲۲	۰/۱۰
کارگر	۷۰	۲۰۶	۰/۲۹	۱۷	۱۳۹	۰/۰۶
کارگر بازارچه	۰	۰	۰	۷۹	۲۱۸	۰/۲۷
راننده	۲۴	۲۳۰	۰/۱۰	۶۲	۲۸۰	۰/۲۱
سایر	۱۰	۲۴۰	۰/۰۴	۱۲	۲۹۲	۰/۰۴
جمع	۲۴۰	-	۱۰۰	۲۹۲	-	۱۰۰

منبع: (نگارندگان، ۱۳۹۷)

بر این اساس و طبق اطلاعات مندرج، فقط تعداد کمی از روستاهای بخش توانسته‌اند از تسهیلات بازارچه بهره‌مند شوند و سایر روستاها به‌دلایل دوری از بازارچه، عدم راه مناسب، کمبود وسایل نقلیه و ناآشنایی با تجارت و پیله‌وری نتوانسته‌اند با بازارچه ارتباط برقرار و از مزایای مستقیم آن بهره‌مند شوند که طبق سرشماری ۱۳۹۵، جمعیت آنها نسبت به سال‌های گذشته کاهش یافته است. اما روستاهایی که در تعامل با بازارچه بوده‌اند، از افزایش نسبی جمعیت برخوردار شده‌اند. از سوی دیگر، امنیت مالی و جانی بعد از تأسیس بازارچه به میزان چشم‌گیری افزایش یافته است، به‌طوری که افزایش ۵۷٪ امنیت مالی و جانی توسط پاسخ‌گویان به‌دست آمده که این امر باعث کاهش جرائم در داخل روستاها و منطقه شده است. در این بین تغییرات مشهودی در عرصه‌های مشاغل خدماتی- اداری اعم از کارمندی، کارگری، رانندگی، فروشندگی و امثال آن به‌وجود آمده است و از طرف دیگر، کاهش مشاغلی هم‌چون کشاورزی و دامداری قابل ملاحظه است. در ارزیابی درصد فراوانی مؤلفه‌های احساس امنیت اجتماعی- اقتصادی

برای بازارچه مرزی باجگیران، دامنه طبقات بر مبنای تعداد مؤلفه‌ها ۵ تعیین شد، کرانه تغییرات قبل از تأسیس بازارچه مرزی بین عدد ۱ تا ۱۴۶ بوده و بعد از تأسیس بازارچه مرزی بین ۱ تا ۲۴۷ است و حد آن که بر اساس جذر کل تغییرات به دست می‌آید، عدد ۱۲ قرار داده شد (جدول ۳).

جدول ۳) درصد فراوانی مؤلفه‌های احساس امنیت اجتماعی - اقتصادی قبل و بعد از تأسیس بازارچه

مؤلفه‌های احساس امنیت اجتماعی - اقتصادی			قبل از تأسیس بازارچه			بعد از تأسیس بازارچه		
			k	CFi	% Fi	k	CFi	% Fi
رضایت درآمدی			۲۰	۲۰	۰/۱۴	۶۵	۶۵	۰/۲۶
احساس امنیت مالی و جانی			۴۲	۶۲	۰/۲۹	۵۷	۱۲۲	۰/۲۳
کاهش مهاجرت			۱۸	۸۰	۰/۱۲	۳۴	۱۵۶	۰/۱۴
کاهش قاچاق			۲۲	۱۰۲	۰/۱۵	۳۱	۱۸۷	۰/۱۳
رابطه با آن سوی مرز			۴۴	۱۴۶	۰/۳۰	۶۰	۲۴۷	۰/۲۴
جمع			۱۴۶	-	۱۰۰	۲۴۷	-	۱۰۰

منبع: (نگارندگان، ۱۳۹۷)

در محدوده مورد مطالعه، از سوی مرزنشینان تاکنون قاچاق کالا مشاهده و گزارش نشده و یا بسیار کم گزارش شده است. بازارچه در جلوگیری از جریان قاچاق و کاهش آن تا حدی مؤثر بوده، به گونه‌ای که به تناسب آن، میزان موفقیت پاسگاه‌های مرزی در خصوص امنیت مرزها و امنیت عمومی افزایش چشم‌گیری داشته است، به طوری که کاهش قاچاق از زمان قبل از تأسیس بازارچه تا پس از تأسیس بازارچه ۱۰٪ رشد یافته است. با دقت در جدول ۳ می‌توان دریافت که با ایجاد بازارچه، وضعیت ارتباطی بین ساکنین دو سوی مرز نسبت به گذشته افزایش داشته است. ارتباط مردم با آن سوی مرز از قبل وجود داشته، ولی در شرایط خاص و عموماً تحت تأثیر تصمیمات سیاسی، این ارتباطات بسیار محدود بوده که پس از تأسیس بازارچه مرزی باجگیران، این روابط از بهبود نسبی برخوردار شده است. هم‌چنین ارتباط ساکنین روستاهای پیرامون مرز با ساکنین آن سوی مرز گسترش داشته و حتی این ارتباط چند برابر شده است. بازارچه

مرزی باجگیران با متنوع‌سازی اشتغال (فروشنده‌گی، تجارت، کارگر بازارچه، رانندگی و...) زمینه جذب نیروی کار مازاد بخش کشاورزی و سایر بخش‌ها را فراهم کرده و از این طریق، از میزان تمایل به مهاجرت کاسته است.

بحث و نتیجه‌گیری

مناطق مرزی دورترین مناطق پیرامونی از مرکز است، به همین دلیل، جزو کم توسعه‌ترین و محروم‌ترین مناطق کشور هستند. توسعه نامتوازن بخش‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیط زیستی و هم‌چنین عدم تعادل منطقه‌ای، به این محرومیت منجر می‌گردد. توسعه مناطق مرزی و ایجاد اشتغال در این مناطق به منظور کاهش فقر و بیکاری، این امکان را به وجود می‌آورد که از هزینه‌های روانی و اقتصادی مهاجرت اجتناب شود و منابع طبیعی و تجهیزات سرمایه‌ای و زیرساخت‌های اجتماعی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بازارچه‌ها از جمله مزیت‌های مناطق مرزی است که با به تحرک واداشتن ظرفیت‌ها و مزیت‌های محلی - منطقه‌ای و تغییرات نهادی وسیع با هدف رفع موانع موجود اجتماعی - اقتصادی به وجود می‌آیند. نتایج به دست آمده در رابطه با ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه مرزی باجگیران، نشان می‌دهد که این بازارچه توانسته امنیت اجتماعی - اقتصادی نواحی روستایی پیرامونی را افزایش دهد. مهم‌ترین عواملی که باعث اثربخشی مؤلفه‌ها شده، ایجاد اشتغال و به تبع آن، وضعیت درآمد و استمرار اشتغال در کل فصول سال است که روند افزایشی داشته است. به طور کلی هرچند در بعضی موارد تأثیر بازارچه بیشتر و در بعضی موارد کمتر بوده است، ولی این پدیده مهم، مهم‌ترین عامل تحرک اجتماعی - اقتصادی منطقه مرزی به شمار می‌رود. افزون بر این، هرچند بازارچه در ایجاد اشتغال و بهبود درآمد منطقه تاحدی مفید بوده و تغییرات مثبتی را در اقتصاد معیشتی مردم مرزنشین پدید آورده است، اما مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری موارد، از اهداف اولیه خود فاصله گرفته است. لیکن تأثیر بازارچه بر مناطق استانی و فرااستانی بیشتر از این مناطق بوده و در شرایط کنونی، اکثر مردم بر این باورند که به صورت نابرابر، فقط گروه‌های خاصی از تأثیر اقتصادی مثبت

بازارچه سود می‌برند. لذا باید زمینه افزایش مشارکت بقیه مردم شهر و ناحیه را در فعالیت‌های بازارچه فراهم نمود. سرمایه کم، خطرپذیری پایین، فقدان سواد و اطلاعات کافی از چگونگی مبادلات، از عمده مشکلات این گروه محسوب می‌شوند. باتوجه به پیچیدگی و معضلات چندبعدی در مناطق مرزی، نباید برای حل آنها دنبال یک راه حل ساده گشت، بلکه باید رویکردها و راه‌حل‌های مختلفی را در برابر این معضلات ارائه نمود. پیشنهادهایی که جهت حل معضلات این منطقه ارائه می‌شود، عبارتند از:

- ارائه تسهیلات ویژه به پيله‌وران روستاهای بخش باجگیران که به علت نداشتن سرمایه اولیه نتوانستند از مزایای بازارچه بهره‌مند شوند.
- آشنایی غرفه‌داران، فروشندگان و مباحثران از قوانین حاکم بر بازارچه، شرایط را جهت بالا بردن مبادلات خارجی فراهم می‌نماید. لذا برگزاری کلاس‌های توجیهی این امر را تسهیل خواهد کرد.
- تجهیز بازارچه‌ها به امکانات اولیه سردخانه، ترازوی صنعتی و انبارهای مجهز و مسقف، شرایط را جهت صادرات بیشتر فراهم خواهد کرد. لذا می‌توان با مشارکت بخش خصوصی در این زمینه، سرمایه‌گذاری‌های وسیعی انجام داد.
- اتخاذ تدابیر ویژه برای بهره‌مندی و ارتباط روستاهای بیشتری از بخش باجگیران و بخش‌های دیگر، از جمله روستاهای شهرستان‌های درگز و شیروان، با توسعه و بازسازی راه‌های منتهی به باجگیران و افزایش نشست‌های مشترک بین مسؤولان ایرانی و ترکمن و تعدیل شرایط مقررات صادرات و واردات.

منابع

- احمدی‌پور، زهرا، و دیگران (۱۳۸۷). "بررسی روند شتاب توسعه یافتگی فضاهای سیاسی- اداری کشور (مطالعه موردی: استان‌های ایران در برنامه‌های اول تا سوم توسعه ۱۳۶۸-۱۳۸۷)". ژئوپولوتیک، سال سوم، ش ۱ (بهار): ۲۲-۴۹.
- اسماعیل‌زاده، خالد (۱۳۸۷). "بررسی جایگاه بازارچه‌های مشترک مرزی در وضعیت رفاهی مرزنشینان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تعاون، علوم اجتماعی-

- برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). "ساختار و تأویل امنیت (درآمدی بر روش‌شناسی تفسیری)". *مطالعات راهبردی*، دوره پنجم، ش ۱۵ (بهار): ۳۰-۱۱.
 - امان‌پور، سعید، و دیگران (۱۳۹۱). "بررسی و تحلیل اثرات بازارچه‌های مرزی بر ساختار اقتصادی و اجتماعی شهرها (نمونه موردی: شهر جوانرود)". در: مجموعه همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها. زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
 - باجگیران. بخش‌داری (۱۳۹۷). گزارش سیاسی- اجتماعی بخش باجگیران دوره زمانی بین سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۵. باجگیران: بخش‌داری باجگیران [چاپ نشده].
 - بوزان، باری (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها، ترس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی*. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 - بی‌سخن، امید (۱۳۸۷). "تأثیر بازارچه‌های مرزی در تغییر ساختار اقتصادی و کالبدی شهر (نمونه موردی: پیرانشهر)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه زنجان.
 - پهلوانی، مصیب؛ دهمرده قلعه‌نو، نظر (۱۳۷۸). طرح ارزیابی وضعیت بازارچه‌های مرزی سیستان و بلوچستان در قالب برنامه‌های توسعه کشور. زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده اقتصاد و علوم اداری.
 - دهمرده قلعه‌نو، نظر؛ شهرکی، جواد (۱۳۷۸). ارزیابی طرح توجیهی منطقه آزاد تجاری سیستان. زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان، معاونت پژوهشی.
 - رضایی، علی (۱۳۸۰). "چون و چرای بازارچه‌های مرزی". *ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی (اقتصاد ایران)*. دفتر هماهنگی امور اقتصادی استانداری های وزارت کشور. [چاپ نشده].
 - رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ پاپلی یزدی، محمدحسین؛ عبدی، عرفان (۱۳۸۸). "ارزیابی اقتصادی بازارچه‌های مرزی، بازتاب‌های توسعه مناطق مرزی (مطالعه

- موردی: بازارچه مرزی شیخ صالح کرمانشاه". ژئوپولوتیک، سال چهارم، ش ۲ (پاییز): ۸۰-۱۰۹.
- روشن، اصغر (۱۳۸۹). "توسعه و امنیت مرزی (مطالعه موردی: بازارچه مرزی استان خراسان)". علوم و فنون مرزی، سال اول، پیش شماره ۱ [چاپ نشده].
 - زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی. تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا، معاونت پژوهش.
 - ساربان، وکیل حیدری (۱۳۹۵). "تبیین رابطه پایداری اقتصادی با احساس امنیت اجتماعی ساکنان مناطق روستایی شهرستان اردبیل". انتظام اجتماعی، دانشکده علوم و فنون انتظامی، دوره هشتم، ش ۴ (زمستان): ۳۳-۵۸.
 - شافعی، سعید (۱۳۷۸). "بررسی وضعیت بازارچه‌های مرزی استان آذربایجان شرقی و موانع و مشکلات آنها". در: مجموعه مقالات سمینارهای علمی سازمان برنامه و بودجه. تبریز: آذربایجان شرقی.
 - فخرفاطمی، علی‌اکبر (۱۳۸۳). "نقش بازارچه‌های مرزی در تثبیت و توسعه روستایی (مطالعه موردی: بازارچه مرزی باجگیران - شهرستان قوچان)". پایان نامه کارشناسی ارشد، جغرافیای برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی.
 - قادری حاجت، مصطفی، و دیگران (۱۳۸۹). "تبیین نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامون (مطالعه موردی: بازارچه‌های مرزی استان خراسان جنوبی)". ژئوپولوتیک، سال ششم، ش ۳ (پاییز): ۱۲۱-۱۵۱.
 - محمودی، علی (۱۳۸۴). ساختار مبادلات بازارچه‌های مرزی و نقش آن در بازرگانی و اقتصاد مناطق مرزنشین. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
 - مراتب، مریم (۱۳۸۴). نگاهی به منطقه آزاد/رس (گزارش خبری). ارومیه: استانداری آذربایجان غربی [چاپ نشده].
 - مرکز آمار ایران. سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵). شهرستان قوچان. [پیوسته] قابل دسترس در: <https://www.amar.org.ir/Default.aspx>

[۱۳۹۷/۲/۲۳]

- وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۷۱). بررسی روند تشکیل بازارچه های مشترک مرزی و تبیین راه هایی در جهت بهبود روند مذکور و بررسی جایگزین های مناسب. تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی و دارایی.
- وزارت کشور. سازمان دهیاری های کشور (۱۳۹۵). گزارش اهداف ایجاد بازارچه های مرزی. تهران: وزارت کشور، سازمان دهیاری های کشور [چاپ نشده].
- یزدانی، عنایت الله؛ صادقی، زهرا (۱۳۸۹). "امنیت اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران". *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، سال چهارم، ش ۳۹ و ۴۰ (بهار): ۴۸-۶۵.
- Bebbington, Anthony. et al. (2007). "Of Texts and Practices: Empowerment and Organizational Cultures in World Bank-funded Rural Development Programmers", *Journal of Development Studies*, Vol. 43, No. 4: 597-621.
- Chandoevit, worawan. yonguth, chalamwong & Srawooth Paitoonpong (2004). *Thailands Cross Border Economy, A Casa study of sakaco and Chiang Rai: Thailand Developinent Resource Institute (TDRI)*.
- Singh, Naresh (2009). "Forum on the 'Legal Empowerment of the Poor' Fighting rural poverty, inequality and low productivity through legal empowerment of the poor", *The Journal of Peasant Studies*, Vol. 36, No. 4: 871-892.

رابطه سرمایه اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ها با میزان گرایش مردم به مصرف مواد غذایی محلی^۱

سال سیزدهم، شماره اول، پاییز ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۴

شماره صفحه: ۹۹-۱۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۰

مهرداد زیدی^۲

حسین قدرتی^۳

شفیعه قدرتی^۴

چکیده

مصرف محلی یا گرایش به مصرف محصولات تولیدی خارج از روال متعارف تولید انبوه، باوجود وفوری و دسترسی راحت به کالاهای صنعتی، یک پدیده جدید در حوزه مطالعات مصرف می‌باشد. این پدیده می‌تواند دلایل متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی، مدیریتی و غیره داشته باشد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه‌ی این پدیده با سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی است. این پژوهش از نوع کاربردی است. روش گردآوری اطلاعات به‌صورت پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ای است. جامعه‌ی آماری این تحقیق خانواده‌های شهر سبزوار در سال ۱۳۹۷ و نمونه‌ی آماری از طریق فرمول کوکران، ۳۸۳ نفر برآورد گردید. شیوه‌ی نمونه‌گیری به‌صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. یافته‌ها نشان داد که بین متغیر رسانه‌های گروهی و متغیر وابسته پژوهش، رابطه معنی‌داری وجود ندارد، اما بین متغیرهای سرمایه فرهنگی و سطح سواد با گرایش مردم به مصرف مواد غذایی محلی، رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. سرمایه اجتماعی نیز رابطه‌ی معکوس و معنی‌داری با گرایش مردم به مصرف مواد غذایی محلی دارد. آزمون‌های چند متغیره نشان داد که با کنترل و حضور

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی تحت عنوان "بررسی رابطه عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر گرایش مردم به مصرف محصولات محلی (مطالعه موردی: شهر سبزوار)" است.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه حکیم سبزواری merdadjzeydi@gmail.com

۳. دانشیار گروه مطالعات اجتماعی مرکز پژوهشی علوم جغرافیایی و اجتماعی دانشگاه حکیم سبزواری، نویسنده مسؤول hosseineghodrati@gmail.com

shghodrati@gmail.com

۴. استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه حکیم سبزواری

تمام متغیرهای تبیین کننده، اعتماد شخصی، تعمیم یافته و اعتماد سازمانی، بیشترین رابطه را با متغیر وابسته دارند. در میان این سه بُعد نیز به ترتیب اعتماد تعمیم یافته و اعتماد سازمانی به صورت معکوس، بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته‌اند.

واژگان کلیدی: گرایش به مصرف، محصولات محلی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، مصرف رسانه

۱- مقدمه

امروزه مصرف و مصرف‌گرایی به‌خصوص در حوزه مواد غذایی را باید عرصه‌ای تلقی کرد که زندگی اجتماعی در متن آن ساخته می‌شود. مصرف هم می‌تواند قلمروی برای انتخاب، آزادی و تقویت تعلقات و ارزش‌های اجتماعی باشد و هم می‌تواند به انفعال، از خود بیگانگی، محدودیت و کنترل بیانجامد. این ویژگی دوگانه مصرف (محدود کنندگی و قدرت بخشی) و اثرات فراگیر آن در حیات اجتماعی و فرهنگی، آن را به موضوعی جدی در مطالعه جامعه معاصر تبدیل نموده است که علاوه بر جامعه‌شناسی، توجه ویژه طیفی از حوزه‌های مطالعاتی مختلف، از قبیل مطالعات فرهنگی، انسان‌شناسی، اقتصاد و روان‌شناسی را نیز به‌خود جلب کرده است (ذکایی، ۱۳۹۱: ۲۸). مصرف نظام ارزش‌هاست، همراه با کلیه استلزامات آن مانند ایفای نقش در همگرایی گروه و کنترل اجتماعی (بودریار، ۱۳۹۰: ۱۱۲). مصرف مواد غذایی یکی از حوزه‌های مهم مصرف است که به‌خاطر ضرورت حیاتی آن، تکرار مداوم و ارتباط با سلامت افراد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این ویژگی‌ها می‌تواند تحت‌الشعاع سرمایه اجتماعی، ازجمله میزان اعتماد مصرف کنندگان به سازوکارهای تولید، توزیع و نظارت مواد غذایی باشد. از طرفی، مصرف روزمره مواد غذایی می‌تواند نمایانگر تمایلات و بازنمایی کننده هویت اجتماعی و فرهنگی افراد قلمداد شود که مرتبط با تجربه‌ها و عوامل فرهنگی است. رسانه‌های گروهی، ازجمله این عوامل فرهنگی است.

رسانه‌های جمعی در دنیای امروز نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری هویت و جهت‌دهی به کنش افراد بویژه در حوزه مصرف ایفاء می‌کنند. سرمایه‌گذاری‌ها، هزینه‌ها و

درآمدهای سرسام‌آوری که صرف صنعت تبلیغات در جهان امروز می‌شود، خود بیانگر اهمیت رسانه‌های گروهی در شکل‌دهی به کنش مصرفی افراد جامعه است. از این‌رو، می‌توان گفت انتخاب محصولات غذایی از بین کالاهای صنعتی و محلی توسط مصرف‌کننده یک رفتار تک‌بعدی نیست، بلکه یک رفتار پیچیده انسانی است که تحت تأثیر عوامل و شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بسیار زیادی قرار دارد. به عبارتی، مصرف‌توده‌ای جدید بیش از این‌که مبتنی بر نیاز باشد، براساس امیال است. از این جهت هسته اصلی مصرف روزانه مواد غذایی هم جنبه اجتماعی و فرهنگی دارد و هم بُعد اقتصادی (تیموتی، ۱۳۸۸: ۱۹)، به نحوی که بوردیو^۱ از مشهورترین نظریه‌پردازان سرمایه فرهنگی، تأثیر سرمایه فرهنگی بر مصرف، سبک مصرف، فعالیت و سبک زندگی را با صورت‌بندی نظریه‌ی تمایز بیان می‌کند، به‌طوری‌که دارندگان سرمایه فرهنگی زیاد، خود را با مصرف فرهنگی و هنر متعالی، از بقیه متمایز می‌کنند و سرمایه فرهنگی را عاملی تعیین‌کننده در نوع ذائقه و سبک مصرف به‌خصوص در حوزه مصرف مواد غذایی افراد بر می‌شمارد.

پاتنام (Putnam, 1993: 153-154) نیز در زمینه سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با مصرف «معتقد است که این سرمایه می‌تواند موجب تقویت همکاری و به‌طور همزمان گسترش روابط حمایتی دوجانبه و اعتماد در سطوح خرد و کلان بین اجتماعات و ملت‌ها گردد». این نوع سرمایه ابعاد مختلفی از جمله سه نوع اعتماد یعنی اعتماد شخصی، نهادی و سازمانی را شامل می‌شود. در خصوص انواع اعتماد و رابطه آنها با مصرف مواد غذایی، باید توجه داشت که یکی از عوامل اصلی و تعیین‌کننده که موجب ادامه رابطه میان تولیدکننده و مصرف‌کننده کالا بویژه مواد غذایی می‌شود، همین سرمایه و ابعاد آن است. پس می‌طلبید تولیدکننده برای ادامه حیات تولیداتش، رضایت و اعتماد مصرف‌کننده و مشتری سابق را جلب نماید، چراکه حفظ مشتری موجود، هزینه‌ای کمتر از جذب مشتری جدید دارد.

فرد مسلمان در ارتباط با مصرف محصولات غربی، انتخاب دارد. از یک طرف، پناه بردن

به سیاست هویت و بازگشت به اصول محلی و بومی خود و از طرف دیگر، میل به جهانی شدن. در طیف محلی جهانی، ذیل فرایند جهانی شدن، رابطه دوسویه ی امر مصرف محلی و امر غیرمحلی و جهانی، خود مبنای شکل دهی بسیاری از شرایط انضمامی بوده است که جوامع مختلف با جهانی شدن به ویژه در ساحت مصرف کالاها ی تولیدی خارج از روال متعارف تولید انبوه تجربه کرده اند (Akbar, 1994: 77). پارسونز^۱ در نظریات خود و در مورد دسته بندی جوامع معتقد است که هر چه جوامع پیچیده تر می شوند، تفکیک و تمایز یافتگی نیز چه در سطح جوامع و چه در نوع روابط و چه در نوع مصرف، تمایز یافته تر و تحت تأثیر عوامل فردی تر، به خصوص تجربیات قرار می گیرد (Turner, 2003: 39, 41).

در جوامع اروپایی تا قبل از ورود به عصر صنعتی شدن، تا حدودی نوع مصرف نیز به صورت محلی و انتخاب نوع کالاها ی مصرفی تا حد زیادی بر مبنای همان محصولات محلی بوده است، اما با ورود به دوران صنعتی و تولید انبوه و سرازیر شدن کالاها به شهرهای کوچک و بزرگ و دور و نزدیک که کالاها توسط ماشین های پرسرعت خطوط تولید پدید می آمدند، نوع مصرف صنعتی جای مصرف محلی را گرفت. با شروع فرآیند پسا نوگرایی در این جوامع و تأثیرات این دیدگاه در جوامع تمایز یافته ی صنعتی به لحاظ سطح آگاهی نسبتاً بالا و اهمیت خاص دادن به سلامتی و یا دلایل دیگر اجتماعی و یا فرهنگی، شاهد نوعی بازگشت به مصرف کالاها ی محلی و یا غیرصنعتی هستیم. اما در جوامع در حال توسعه، مانند کشور ایران که هنوز نه به طور کامل وارد مرحله صنعتی شده اند و نه افکار و دیدگاه های پسا نوگرایانه در آنها به طور کامل شکل گرفته، در آنجا به نحوی شاهد بازگشت به مصرف کالاها ی محلی هستیم. پس این نوع بازگشت می تواند تحت تأثیر عواملی غیر از موارد مرتبط با جوامع صنعتی باشد و این امر در جامعه ایران، بویژه در دهه اخیر بنا به موقعیت خاص اقتصادی، رنگ یک مسأله به خود گرفته است، به نحوی که این نوع بازگشت می تواند متأثر از شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه و یا گویای عدم مطلوبیت و اعتماد به محصولات صنعتی باشد که افراد

1. Talcott Parsons

برای کسب حداقل استانداردهای سلامت و بهداشت، به جای تهیه محصولات صنعتی به دنبال تهیه محصولات محلی هستند و این موضوع بویژه در مورد مواد غذایی تأثیر مستقیمی بر سلامت نیز دارد و حتی مصرف کالاهای محلی می تواند به رشد اقتصادهای محلی کمک نماید و منجر به ارتقای سطح زندگی نیز بشود (Stephoe, Pollard & Wardle, 1995: 267, 284).

اکثر متون علوم اجتماعی نشان می دهند که تهیه و مصرف کالا بیش از آن که با توجه به کارکرد آن صورت گیرد، براساس شرایط اجتماعی، فرهنگی و همین طور معانی زمینه ای تعیین می شود. اگر کمی به عقب تر برگردیم، جان لاک^۱ فیلسوف سیاسی و فلسفی دنیای غرب در آثار فلسفی خود بر این باور است که تجربیات گذشته، مانند سیلی روان می تواند بر نوع درک و نحوه تفکر افراد و حتی شناخت شان نسبت به یک پدیده تأثیر بگذارد. به اعتقاد وی، ما می توانیم به حواس و تجربه خودمان، در زمان انتخاب هایمان اعتماد کنیم. در واقع، دانش انسان نسبت به یک شی و یا پدیده، ثمره عکس العمل ذهن فرد در برابر تجربیات و اعتماد فرد نسبت به آن است (عضدانلو، ۱۳۷۶: ۱۸۸ و ۱۲۲).

بنا بر نظریات مازلو^۲، ارضاء نیازها و به خصوص ابتدایی ترین نیازها (نیازهای زیستی) باعث می شود فرد در جهت رشد و رسیدن به عالی ترین نیازهای خود (خودشکوفایی یا تحقق)، گام بردارد. این نیازهای انگیزشی که حالت فرایندی دارند، از نیازهای فرومرتب به نیازهای بلندمرتبه شامل نیازهای فیزیکی، ایمنی، تعلق اجتماعی، نیاز به احترام و خود شکوفایی، در بالاترین مرتبه این نیازها می رسد. پس تا نیازهای ابتدایی و زیستی فراهم نشود، فرد به دنبال رفع نیازهای بالاتر نیست. کیفیت رفع نیازهای ابتدایی، لازمه رفع و ارضاء نیازهای بعدی نیز هست (قاسمی، ۱۳۸۲؛ ۱۶۱). بنابراین طی دوره های تاریخی متفاوت، انتظار از سطح زندگی و تهیه کالاهای مصرفی و غیره، نمی تواند ثابت و پایدار باشد، بلکه همواره در معرض و تحت تأثیر تغییرات اجتماعی، فرهنگی و ... هستند تا جایی که این تغییرات می تواند روابط اجتماعی و نوع هویت یابی و شبکه های

1. John Locke

2. Abraham Maslow

اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد (شیخی، ۱۳۸۰: ۲۱). در مطالعات اکثر محققان حوزه مصرف، با وجود تمام تفاوت‌ها، آنچه اهمیت دارد این است که امروزه مصرف افراد بیش از این که براساس نیاز باشد، بر اساس مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و تأثیر رسانه‌های گروهی است. افراد مصرف می‌کنند تا هویت خود را تعیین کنند، مصرف می‌کنند که خود را از دیگران متمایز کنند، مصرف می‌کنند تا سبک زندگی خود را نمایش دهند و پایگاه فرهنگی و اقتصادی خود را نشان دهند. این یعنی مصرف بیانگر بسیاری از وجوه زندگی اجتماعی است و این پدیده را می‌توان پدیده‌ای واقعاً مسئله آمیز دانست. هدف پژوهش حاضر نیز بررسی این امر است که چرا مصرف کنندگان ایرانی باوجود وفوریو در دسترس بودن کالاهای صنعتی، گرایش به‌سوی مصرف کالاهای محلی دارند که طی فرایندی سنتی، توسط خودمصرف کننده تهیه و یا در بازارهای محلی تهیه و توزیع می‌گردد. از این‌رو، پرداختن به این موضوع به تعبیر بلیکی^۱ (۱۳۸۹: ۷-۸) هم مسئله‌ای جامعه‌شناختی است و هم مسئله‌ای اجتماعی. این پژوهش نیز در صدد بررسی این موضوع است که بتواند درک و تبیینی مناسب از این مسئله و این گرایش در بین مردم شهر سبزوار داشته باشد.

اهداف پژوهش حاضر در دودسته کلی- جزئی قرار می‌گیرد. هدف کلی، بررسی رابطه سرمایه‌های اجتماعی فرهنگی و رسانه‌ها با میزان گرایش مردم به مصرف مواد غذایی محلی است. اهداف جزئی این پژوهش عبارتند از:

۱-۱- تحلیل رابطه گرایش مردم به مصرف محصولات غذایی محلی تولیدی خارج از روال متعارف تولید انبوه با متغیرهای زمینه‌ای از جمله سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل و اشتغال؛

۲-۱- بررسی رابطه استفاده از رسانه‌های گروهی و گرایش مردم به مصرف محصولات غذایی محلی تولیدی خارج از روال متعارف تولید انبوه؛

۳-۱- بررسی میزان رابطه سرمایه اجتماعی و گرایش مردم به مصرف محصولات غذایی محلی تولیدی خارج از روال متعارف تولید انبوه؛

۱-۴- بررسی میزان رابطه سرمایه فرهنگی و گرایش مردم به مصرف محصولات غذایی محلی تولیدی خارج از روال متعارف تولید انبوه.

۲- پیشینه تجربی پژوهش

از کیا و حسینی رودبارکی (۱۳۸۸) با مطالعه در روستاهای شمال کشور و با استفاده از روش کمی- کیفی به این نتایج رسیده‌اند که سن و سرمایه فرهنگی عامل بسیار تعیین کننده‌ای در زمینه تغییرات سبک زندگی در زمینه پوشاک، گذران اوقات فراغت، شیوه تغذیه، خوراک و بهداشت و شیوه گفتار و درکل، نوع مصرف دارند. وارسته‌فر و مختاری (۱۳۸۸) از طریق پیمایشی به بررسی الگوهای مصرف نزد ۳۲۲ نفر از زنان بالای ۲۰ سال شهر تهران که از مراکز خرید تجاری اقدام به خرید نموده‌اند، پرداختند و به این نتایج رسیدند که بین متغیرهای بیرونی (تأثیر وسایل ارتباط جمعی، دوستان و همسالان بر الگوی مصرف جدید)، مصرف تظاهری (خرید محصولات و وسایل گران‌قیمت و به نمایش گذاشتن آنها با تصور کسب اعتبار و قدرت پولی)، کنش متقابل (تأثیرپذیری از الگوی مصرف دیگران) و تشخیص‌پذیری (نشان دادن برتری خود به دیگران) با الگوی مصرف زنان، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

الیاسی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر مصرف کالاهای فرهنگی در بین جوانان" به شناخت نقش عوامل فردی و اجتماعی چون سن، جنسیت، شغل، سطح تحصیلات، مدت زمان گذران اوقات فراغت و پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر میزان مصرف کالاهای فرهنگی میان جوانان با استفاده از روش پیمایشی پرداخت. جامعه آماری ۹۴۲۹ نفری این پژوهش با نمونه آماری ۴۰۰ نفر از جوانان، این یافته‌ها به‌دست آمد که مردان بیشتر از زنان کالاهای فرهنگی مصرف می‌کنند. همچنین بین سطح تحصیلات، سن، مدت زمان گذران اوقات فراغت و پایگاه اجتماعی و اقتصادی با میزان مصرف کالاهای فرهنگی، رابطه مثبت و معنی‌داری را نشان داد.

عسگری ندوشن و دیگران (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان "تمایلات مصرفی زنان در شهر یزد" از طریق یک پیمایش مقطعی با نمونه ۶۸۴ نفری از زنان شهر یزد انجام دادند و به این نتایج رسیدند که سه گروه از عوامل مشتمل بر مشخصه‌های فردی، وضعیت اقتصادی

خانوار و تأثیر بین‌نسلی مشخصه‌های والدین بر سطح تمایلات مصرفی پاسخگویان تأثیر فراوانی داشته است. بر اساس نتایج این پژوهش، متغیرهای درآمد خانواده، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، تحصیلات والدین و بُعد خانواده، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تمایلات مصرفی زنان هستند که با کنترل سایر متغیرها، هم‌چنان تأثیر معنادار خود را حفظ می‌کنند. زوییری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "طراحی الگوی عوامل مؤثر بر تمایل مصرف کنندگان جوان در خریدهای تفننی در مراکز خرید" به این نتایج دست یافت که بیشترین رابطه تأثیر لذت از خرید، مربوط به خرید انگیزشی و کمترین شدت رابطه مربوط به متغیرهای موقعیتی (پول و زمان موجود) است. هم‌چنین در بین متغیرهایی (سن، جنس، درآمد، شغل و تحصیلات) مشخص شد که بیشترین تأثیر را سن در میزان افزایش خریدهای تفننی داشته است.

حاجی‌زاده میمندی و یوسفی (۱۳۹۲) در یک پژوهش به روش پیمایشی به بررسی برخی از عوامل اجتماعی مرتبط با فرهنگ مصرف در میان ۴۰۰ نفر از زنان سن ۱۵-۶۴ سال شهر یزد به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای پرداختند و به این نتایج رسیدند که میزان مصرف‌گرایی در میان زنان شهر یزد (۶۸/۲۸٪)، از حد متوسط پایین‌تر است. براساس آزمون‌های انجام گرفته، میزان مصرف‌گرایی با متغیرهای سن، تأهل، اشتغال، درآمد، تحصیلات و نگرش به جنسیت، رابطه معنی‌داری نداشته است، ولی با متغیرهای میزان دینداری، سبک زندگی و مدگرایی رابطه معنی‌داری داشته است.

خالق‌پناه و کریم‌زاده (۱۳۹۵) طی تحقیقی با عنوان "فرهنگ‌های مصرف کالاهای تولیدی خارج از روال متعارف تولید انبوه و کالای جهانی مردم‌نگاری فرهنگ محلی در مواجهه با امر جهانی در شهر بانه" نتایجی را کسب نمودند اولاً کالاهای محلی بیشترین تأثیر را از ایدئولوژی‌های بازار و سازوکارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای می‌پذیرد، ثانیاً مصرف کالاهای محلی در مواجهه با کالاهای جهانی، چاره‌ای جز پذیرش منطق بازار ندارد و ثالثاً بازاری شدن و تجاری شدن عرصه‌های عمومی و خصوصی مردم محلی، فرایندی رو به گسترش است که همگان را درگیر کرده است و منجر به واکنش اخلاقی و اتخاذ راهبردهای هویتی و عامیانه انطباق شده است.

دارایی و مختارپور (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه علی توسعه فرهنگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر مصرف کالاهای فرهنگی در میان جوانان شهر تهران" در میان ۳۸۴ نفر از جوانان به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای پرداختند. یافته‌ها نشان داد که بین رفتار مصرف‌کننده، اعتقادات و باورهای مذهبی، هویت اجتماعی، طبقه اجتماعی و میزان مصرف کالاهای فرهنگی، رابطه معنی‌داری وجود دارد. هم‌چنین طبقه اجتماعی، رفتار مصرف‌کننده، هویت اجتماعی و اعتقادات و باورهای مذهبی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر مصرف کالاهای فرهنگی داشته‌اند.

تاملینسون (Tomlinson, 2005: 19) طی مجموعه پژوهش‌هایی که با موضوع روابط مصرف با هویت مصرف‌کننده به‌عمل آورده است می‌گوید که کالا امروزه به‌هاله‌ای در سرمایه‌داری مصرف‌گرایی اخیر دست یافته است که فراتر از کاربرد آن است. کالا امروزه بر مصرف‌کننده تأثیر می‌گذارد و او را با کیفیت‌ها و قابلیت‌هایی با امکان به‌نمایش در آمدن را در عرصه وسیع عمومی تحریک می‌کند. هاوس (Howes, 1996: 2) به بررسی مصرف کالاهای غربی در جوامع غیر غربی پرداخته و به این نتیجه رسید که کالاها به‌واسطه عاملیت مصرف‌کننده و علائق، اهداف، دانش و امیال وی انتخاب می‌شوند و موضوع را تا جایی پیش می‌برد که از مستعمراتی شدن مصرف کالاهای غربی سخن می‌گوید. پس به نظر وی گرایش و عمل نسبت به تهیه یک کالا ناشی از میزان شناخت مصرف‌کننده نسبت به آن کالا است. ریتزر (Ritzer, 2001: 18) که از مک‌دونالدیزه شدن و آمریکایی شدن جوامع و نظام‌های خدماتی سخن می‌گوید، در اثرش به این نتیجه رسید که نظام مک‌دونالد در مقابل محلی‌گرایی هرچه بیشتر اهمیت خود را از دست می‌دهد و ممکن است به کلی محو شود.

با توجه به تحقیقات ارائه شده در بخش ادبیات تجربی می‌توان گفت همه‌ی پژوهش‌های ارائه شده در این مطالعه، در مورد مصرف هستند، اما تقریباً هیچ‌کدام از آنها به بررسی موضوعی، مشابه با موضوع و اهداف پژوهش حاضر، یعنی گرایش به مصرف محصولات غذایی تولیدی خارج از روال متعارف تولید انبوه و عوامل مؤثر بر آن نپرداخته‌اند. بنابراین، این پژوهش هم از لحاظ موضوع و هم از نظر اهداف، در نوع خود تازگی دارد.

۳- مبانی نظری پژوهش

عوامل متعددی در جهت دادن به نوع و شکل مصرف در جوامع مختلف و در طول دوره‌های متفاوت تأثیرگذار بوده است. بعد از انقلاب صنعتی به خاطر تحولات به وجود آمده در عرصه صنعت در جوامع غربی و به واسطه آن، تنوع و تعدد و هم‌چنین سرعت تولید و القای ایدئولوژی‌های غالب از سوی سرمایه‌داری و تولیدکنندگان به مصرف کننده، گاهی اوقات مصرف کننده را دچار سردرگمی در انتخاب می‌کند، این موضوع جامعه‌شناسان را بر انگیخت تا توجه و نظرات ویژه‌ای به عرصه مصرف داشته باشند.

در رویکرد انتقادی مارکس^۱، مصرف عملی نمایشی و تحمیلی از سوی نظام سرمایه‌داری بر کنشگر محسوب می‌شود. بنا به نظر مارکس شیوه تولید کالا در دوره زمین داری برای رفع نیاز بوده است و در دوران سرمایه‌داری به تولید برای کسب سود بیشتر تبدیل شده است. مصرف برای فرآورده‌های تولیدی، مصرف کننده ایجاد می‌کند (کیویستو، ۱۳۸۹: ۱۲۸). به عقیده مارکس، همه‌ی نهادها در عصر سرمایه‌داری دچار از خود بیگانگی شده‌اند. وی چند نوع بیگانگی در سرمایه‌داری بر می‌شمارد که یکی از آنها، بیگانگی کارگر با کالای تولید شده توسط خودش است. به زعم مارکس کارگران برای کالایی که خود تولید کرده‌اند، باید پول بیشتری از میزان کار انجام شده روی کالا بپردازند. به این صورت کارگران به مصرف کنندگانی که نه تنها از خود بیگانه‌اند، بلکه حتی با نوع کالا و فرایند تولید کالایی که خود تولید کرده و مصرف می‌کنند نیز بیگانه می‌شوند و این امر می‌تواند بر کیفیت کالای تولید شده تأثیر بگذارد، تا جایی که کارگر به کالای تولید شده توسط خودش نیز اعتماد نداشته باشد (آرون، ۱۳۸۶: ۱۹۵ و ۱۹۹).

و بر^۲ در بحث طبقه اجتماعی و سبک زندگی به پدیده مصرف پرداخته است. وی طبقه را بر مبنای مصرف بخش‌بندی کرد و معتقد است سبک زندگی بیش از آن که بر تولید استوار باشد، بر شباهت الگوهای مصرف استوار است. وی هم‌چنین معتقد است که شیوه تولید اقتصادی بر چگونگی مصرف کردن مؤثر است، ولی ضرورتاً تعیین کننده آن نیست. از نظر او مصرف فرایندی شامل کردارهای اجتماعی و فرهنگی متفاوت است که

1. Karl Marx

2. Max Weber

تفاوت‌های میان گروه‌های اجتماعی را بیان می‌کند. به‌طور کل در دیدگاه وبر به مفهوم مصرف به‌عنوان عامل یا نشانه‌های تمایز افراد و تفاوت در سبک‌های زندگی نگریسته می‌شود و پیامدهای مصرف یا جنبه‌های ناهنجار آن چندان مورد توجه نیست (همان: ۶۳۳-۶۳۴).

وبلن^۱ (۱۳۸۳) ازجمله مصادیق مبارزه برای کسب جایگاه را مصرف و مصرف‌گرایی می‌داند که از طریق آن افراد می‌خواهند رقبا را شکست دهند. یکی از راه‌های برتری، مصرف روزمره و خودنمایانه است. به عقیده وی نوع مصرف و مصرف چشمگیر، وسایلی هستند که انسان‌ها می‌کوشند تا در چشم دیگران برتر جلوه کنند (کوزر، ۱۳۸۲: ۳۶۵). پارسونز در نظریات خود سهم عمده‌ای را به تحول و دگرگونی جوامع، یا به عبارتی تفکیک و تمایز یافتگی میان جوامع سنتی و جدید اختصاص داده است (Turner, 275: 2003). در این خصوص تأکید وی بیشتر بر جوامع جدید است تا سنتی. وی جوامع را بر مبنای رفتار در دو نوع سنتی و تمایز یافته بررسی می‌کند. در جوامع سنتی تأکید بر روابط از نوع عاطفی، گستردگی، عام‌گرایی، انتساب و نفع جمعی است ولی وقتی جوامع و ساختار اجتماعی آنها متمایز و تفکیک یافته می‌شود، تأکید بر نوع روابط مبتنی بر الگوهای بی‌طرفی، محدودیت، خاص‌گرایی، ویژگی‌های اکتسابی و نفع شخصی است (ترنر، ۱۳۷۲: ۵۲-۸). پس بنا به نظریات پارسونز در خصوص تفکیک و تمایز، امروزه جوامع تمایز یافته جدید باید دارای متغیرهای الگویی نوع دوم و جدای از الگوهای سنتی باشند. درحوزه مصرف در جوامع تمایز یافته تأکید بیشتر بر نوع محصولات تولید شده متعارف صنعتی است، اما به یقین می‌توان گفت که در جوامع صنعتی، امروزه ما شاهد نوعی بازگشت به محصولات محلی و سنتی بعد از یک دوره استفاده از محصولات صنعتی و تولید انبوه هستیم.

یکی از مهمترین نظریه‌پردازهای حوزه مصرف و مصرف‌گرایی (باکاک^۲، ۱۳۸۱) است. وی مصرف و مصرف‌گرایی را ناشی از عوامل متعددی می‌داند که در طول چهار دوره زیر شکل می‌گیرد: دوره اول از نیمه دوم سده هفدهم شروع می‌شود. در این دوره،

خرده سرمایه‌داران و کشاورزان درآمدهای خود را تحت تأثیر افکار پروتستانی به راحتی خرج نمی‌کردند و آنها سرمایه خود را صرف خرید کالاهای غیراساسی و غیرضروری نمی‌کردند. وی سده هیجدهم را انقلاب مصرف‌کننده‌ها می‌داند. در این دوره، با تولید کارگاه‌های کوچک در حوزه‌های مصرفی، دسترسی آسان به کالاها در همه‌ی شهرها شکلی جدید به خود گرفت و در این شرایط با افزایش تعداد خریداران و تنوع کالاها، حوزه‌های مصرفی نیز بیشتر شد. دوره دوم که وی آن را دوره سرمایه‌داری صنعتی و مصرف می‌داند. در این دوره نوع مصرف، در واقع شکلی از تمایز طبقاتی بود. باکاک در این مورد می‌گوید که نوع مصرف برای این گروه‌ها، در واقع نوعی هویت‌یابی نیز هست. دوره سوم (دوره تحولات بعدی) در دهه پنجاه قرن نوزدهم بود که مصرف‌کنندگان جدید یا به اصطلاح طبقه شاغل شکل گرفت (مصرف‌کننده‌ها در این دوره چند دسته بودند: طبقه مرفه - که کمتر کار می‌کرد، حقوق‌بگیران، جوانان و زنان). در این برهه جوانان شغل و درآمد داشتند و زنان نیز شاغل و درآمد هم داشتند و روزبه‌روز مصرف‌گراتر نیز می‌شدند. دوره چهارم که در آن نوع مصرف مؤثر بر نوع هویت فرد بود و این الگو بیشتر در بین جوانان ۱۴ تا ۳۰ ساله و خانوارها به صورت ثابت شکل گرفت. بودریار^۱ (۱۳۹۰) در کتاب جامعه مصرفی، به بحثی در مورد ساختار مربوط به مصرف‌گرایی در جامعه اواخر قرن بیستم فرانسه می‌پردازد. وی معتقد است مصرف نیز مثل آموزش فرصت‌های یکسانی برای ورود به بدنه اجتماع فراهم می‌کند. ایدئولوژی مصرف به واسطه کیفیت نجات‌بخش اشیاء در جامعه مصرفی تعریف می‌شود، زیرا در اختیار داشتن اشیاء اعم از تجملی و کاربردی می‌تواند در راستای دستیابی به پایگاه اجتماعی فرد کارکردیابد و فرد را قانع کند که مصرف اشیاء، فرد را به خود واقعی‌اش نزدیک‌تر می‌کند.

بوردیو نوع مصرف را نشانه جایگاه اجتماعی و عامل تمایز و افزایش شکاف طبقاتی در جامعه می‌داند. وی مصرف را دارای کارکرد مشروعیت‌بخشیدن به تفاوت‌های اجتماعی برمی‌شمارد. به عقیده وی فرد طبق سلیقه و منش طبقاتی خود مصرف می‌کند و از

طریق مصرف کالاها به بازتولید جایگاه طبقاتی خود می‌پردازد. در نظریات بورديو مصرف پوشاک، اتومبیل، غذا و خانه تبیین کننده سلايق و منش‌های فرد است (شويره، ۱۳۸۵: ۶۰). پس فرد براساس ویژگی‌های خاص فرهنگی، جایگاه فرهنگی و میزان سرمایه اجتماعی دست به انتخاب و مصرف می‌زند.

گیدنز معتقد است دنیای جدید سبک‌های مصرفی بسیار متنوع و متفاوتی را پیش روی هر فرد می‌گذارد و او ناگزیر می‌شود تا از میان آنها برای هر عمل خود و طبق تجربه‌ها و ویژگی‌های گوناگون به گزینش بپردازد. این گزینش‌ها تأثیر عمیقی بر هویت فرد خواهد داشت و هویت او را ویژه و منحصر به فرد خواهد کرد. بنابراین، سبک زندگی هر فرد و به تبع آن مصرف، سهم به‌سزایی در ساختن روایت زندگی او خواهد داشت. اما نکته موردنظر این است که هر فرد برای انتخاب سبک زندگی خود کاملاً آزاد نیست و اسیر قیدوبندهایی مانند گروه‌های اجتماعی، فشارهای اقتصادی، ویژگی‌های فردی و تجربیات قبلی است که فرد را ناچار به گزینش و مصرف یک کالا وامی‌دارد (حمیدی و فرجی، ۱۳۸۶: ۷۰).

مارکوزه^۱ در سنت نومارکسیستی مبتنی بر اصل ایدئولوژی مصرف که القاء کننده معنای زندگی در نوع مصرف است، معتقد است ایدئولوژی مصرف توسط رسانه‌ها، امکان کنترل و مهار اجتماعی را به‌وسیله ایجاد نیازهای کاذب در افراد برای نظام سرمایه‌داری فراهم کرده است. او نیازهای واقعی انسان را در آزادی می‌داند که قرار بود توسط فناوری‌های نوین به‌دست آید، اما این آزادی در قید و بندهایی به نام آسایش و رفاه توسط نظام سرمایه‌داری به کمک رسانه محو شده است (کوزر، ۱۳۸۲).

۴- فرضیات پژوهش

بر اساس مباحث فوق در این جا به صورت‌بندی فرضیه‌های تحقیق می‌پردازیم. شکل ۱ مدل تحلیلی پژوهش است که بیانگر رابطه متغیرهای مستقل و وابسته است.

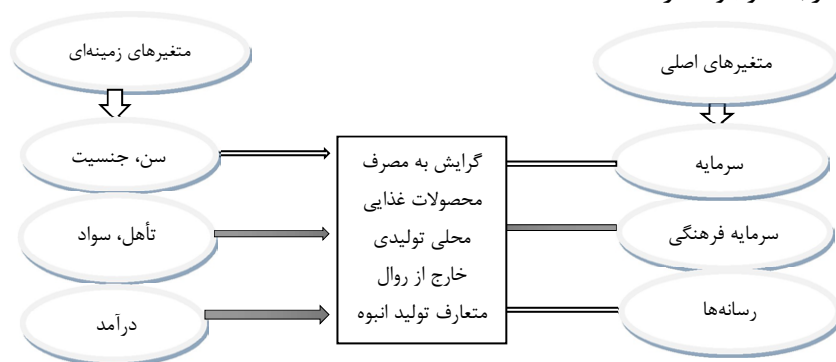
۴-۱- بین سرمایه اجتماعی و گرایش به مصرف محصولات غذایی محلی تولیدی خارج

از روال متعارف تولید انبوه، رابطه وجود دارد.

۴-۲- بین سرمایه فرهنگی و گرایش به مصرف محصولات غذایی محلی تولیدی خارج از روال متعارف تولید انبوه، رابطه وجود دارد.

۴-۳- بین میزان استفاده از رسانه‌ها و گرایش به مصرف محصولات غذایی محلی تولیدی خارج از روال متعارف تولید انبوه، رابطه وجود دارد.

۴-۴- بین متغیرهای زمینه‌ای از جمله سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، درآمد و گرایش به مصرف محصولات غذایی محلی تولیدی خارج از روال متعارف تولید انبوه، رابطه وجود دارد.



شکل ۱) مدل تحلیلی پژوهش

۵- روش تحقیق پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی-تحلیلی است و از لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود. جامعه‌ی آماری پژوهش، شامل خانواده‌های شهر سبزوار در سال ۱۳۹۷ است که طبق گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ جمعیت این شهر برابر ۲۴۳۷۰۰ نفر و ۶۰۹۰۰ خانوار بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، با سطح خطای ۵٪ و سطح اطمینان ۹۵٪، برای خانواده‌های شهر سبزوار ۳۸۳ نفر بوده است و شیوه‌ی نمونه‌گیری، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است و در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده از طریق نرم‌افزار SPSS ۲۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

مصرف در این پژوهش به معنی استعمال کالاهای روزانه برای خانواده است. اصطلاح تولید خارج از روال متعارف همان اصطلاح محلی است و شامل محصولاتی است که به صورت سنتی تهیه می شوند. شاید بارها این اصطلاح که کالای محلی مصرف می کنم به گوش مان رسیده باشد که منظور این است وقتی که شخص مصرف کننده می خواهد کالایی مانند شیر تهیه نماید، بین دو نوع نحوه تهیه قرار می گیرد، یکی شیرهای پاکتی و بسته بندی شده صنعتی و دیگر شیری که از طریق فروشگاه های لبنیاتی که مخصوص ارائه کالاهای غیر صنعتی و محلی هستند، تهیه می کند و یا مثلاً به جای تهیه آب لیمو صنعتی یا رب گوجه فرهنگی خود مصرف کننده، مواد اولیه (لیمو و گوجه فرنگی) را تهیه و در خانه تبدیل به کالای مورد نیاز آب لیمو یا رب گوجه فرهنگی محلی می کند (Brtra & Mayers, 2011، نقل از یوسفی لویه، ۱۳۸۸).

برای تعریف عملیاتی متغیر وابسته در زمینه گرایش و واکنش فرد به یک پدیده، سه نوع پاسخ را ذکر و به منظور سنجش هر یک، متغیرها و معرف هایی را بیان کرده اند:

- ۱- شناختی: شامل آگاهی، دانش و درک؛ ۲- احساسی: شامل ارزیابی و ترجیح؛ ۳- رفتاری: شامل گرایش عملی. در پژوهش حاضر، برای بررسی روی آوردن افراد به مصرف محصولات غذایی محلی، بررسی سه فرایند، دانش، گرایش و عمل مصرف کننده نسبت به تهیه این محصولات بررسی می شود. به همین منظور پرسشنامه گرایش به مصرف محصولات غذایی محلی تولید شده خارج از روال متعارف تولید انبوه که به صورت محقق ساخته تهیه شده است، در ۲۱ گویه با مضامین آشنایی با خود کالا، فرایند تهیه، کیفیت آنها، پیشنهاد کالا به دیگران، ترجیح دادن به سایر کالاها، میزان آشنایی با کالاهای صنعتی، میزان تهیه کالا به صورت صنعتی، مواد افزودنی، طعم و بو و مزه، تجربه استفاده، نوع احساس به خاطر مصرف و خرید، مقایسه قیمت، نظارت بر تهیه، ظاهر خوب و بد و اهمیت به سلامتی مصرف کننده به کار رفته و گویه ها در سطح سنجش فاصله ای مورد سنجش قرار گرفتند که نتایج میزان پایایی این بخش از پرسشنامه ۰/۸۸۴ است که از پایایی بالایی برخوردار هست.

مؤلفه های پرسشنامه سرمایه فرهنگی در پژوهش حاضر در ۴ گویه با مضامین میزان

مطالعه، مطالعه رمان، فلسفه، کتب تاریخی، رفتن به سینما، دیدن نمایش خانه‌های هنری، رفتن به کنسرت موسیقی، دیدن بناهای تاریخی و خواندن کتاب‌های ادبی و عضویت در کتابخانه‌ها آورده شده است. سطح سنجش متغیرهای این پرسشنامه فاصله‌ای بوده و از طریق آزمون پایایی، مجموع گویه‌ها مورد آزمون قرار گرفتند که نتایج آن به میزان ۰/۸۲۴ از پایایی بالایی برخوردار است.

برای طراحی پرسشنامه انواع اعتماد که به صورت استاندارد و بنا بر تحقیقات منصوریان و قدرتی (۱۳۸۸) طراحی شده از سه سطح برخوردار است: ۱- اعتماد بین شخصی که بیشتر موانع ارتباطی میان افراد را بر طرف می‌کند و به شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی منجر می‌شود، مانند اعتماد به دوستان، اقوام، همسایگان و آشنایان (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۰). ۲- اعتماد تعمیم یافته که داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه، جدای از تعلق آنها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای است، مانند مدیران و مسؤولان ادارات و نهادهای دولتی و عمومی (همان: ۱۳-۱۰). این نوع از اعتماد فراتر از روابط چهره به چهره است و در شبکه‌های موجود در سطح فرافردی قرار می‌گیرد (غفاری، ۱۳۸۳). ۳- اعتماد نهادی که به نظر‌گیدنز حالت انتزاعی اعتماد به نهادها و سازمان‌ها است. نهادها و سازمان‌هایی نظیر صنایع، دادگاه‌ها، کلانتری‌ها، وزارتخانه‌ها و ... (زارعی وند، ۱۳۹۶: ۳۳ و ۳۴). برای سنجش میزان پایایی پرسشنامه، این سه بُعد از آزمون آلفا استفاده گردید و نتایج نشان داد ابعاد اعتماد شخصی با پایایی ۰/۶۲۹، اعتماد تعمیم یافته با پایایی ۰/۸۷۶ و اعتماد نهادی با پایایی ۰/۸۰۲ به دست آمد که در مجموع رقم ۰/۸۸۴ در سطح بالا و قابل قبولی است.

پرسشنامه رسانه‌های گروهی دارای گویه‌ها و ابعادی شامل میزان استفاده از تلویزیون، رادیو، اینترنت، فضای مجازی، روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌ها و تابلوهای آگهی در طول روز است که در پژوهش حاضر نیز آورده شده است و در زمره رسانه‌های همگانی محسوب می‌شود. در میان رسانه‌های همگانی، شکل‌های متنوعی وجود دارد و رادیو، سینما، تلویزیون و مطبوعات عامه‌فهم، رسانه‌هایی هستند که احتمالاً از مخاطبان بیشتر و ناهمگن‌تری برخوردارند (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۴۳۶). طراحی این پرسشنامه به صورت

استاندارد و برگرفته از تحقیق منصوریان و قدرتی (۱۳۸۸) بوده است. سطح سنجش این متغیر در سطح فاصله‌ای است و میزان پایایی این بخش از پرسشنامه ۰/۴۷۵ و در حد متوسط و قابل قبولی هست.

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه است. برای متغیرهای مستقل از پرسشنامه استاندارد برگرفته از تحقیقات منصوریان و قدرتی (۱۳۸۸) و متغیر وابسته از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است، قبل از تعیین گویه‌های متغیر وابسته جهت بالابردن کیفیت پرسش‌ها ابتدا به صورت کیفی با ۲۰ نفر مصاحبه گردید. نتایج میزان پایایی ابعاد متغیرهای وابسته و مستقل پژوهش در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱) نتایج آزمون پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات

متغیر	میزان آلفای کرونباخ	متغیر	میزان آلفای کرونباخ
سرمایه اجتماعی	اعتماد شخصی ۰/۶۲۹	سرمایه فرهنگی	۰/۸۲۴
	اعتماد نهادی ۰/۸۷۶		
	اعتماد سازمانی ۰/۸۰۲	رسانه‌ها	۰/۴۷۵
	مجموع ۰/۸۸۴		
متغیر وابسته	شناخت ۰/۶۶۹		
	گرایش ۰/۶۲۳		
	عمل ۰/۸۵۴		
	مجموع وابسته ۰/۹۰۴		

با توجه به مقدار آلفاهای گرفته شده از متغیر وابسته تحقیق، آلفای همگی موارد در حد قابل قبول است و نزدیک به ۰/۷ و یا بیشتر از آن است.

۶- یافته‌های تحقیق

در نمونه مورد مطالعه، پاسخگویان زن تعداد ۲۲۶ نفر یعنی ۵۹٪ از حجم نمونه‌ی آماری را تشکیل دادند و پاسخگویان مرد نیز تعداد ۱۵۷ نفر یعنی ۴۱٪ از حجم نمونه‌ی آماری را به خود اختصاص دادند. در بین پاسخگویان، ۲۰/۸۸٪ مجرد و ۷۹/۱۲٪ متأهل و ۳/۳۹٪ مطلقه بودند. در متغیر سطح سواد، بیشترین فراوانی مربوط به پاسخگویان

دارای تحصیلات لیسانس به تعداد ۱۴۱ نفر معادل ۳۶/۸٪ و کمترین فراوانی مربوط به پاسخگویان دکتری با تعداد ۲ نفر معادل ۰/۳٪ از حجم نمونه‌ی آماری بوده است. بیشترین فراوانی درآمد خانوار مربوط به میانگین درآمد یک و نیم تا دو میلیون تومان با تعداد ۹۸ نفر یعنی ۲۵/۵۵٪ از نمونه آماری و در رتبه دوم گروه درآمدی، یک تا یک و نیم میلیون تومان یعنی ۲۱/۱۵٪ از نمونه آماری است. در بین نمونه آماری، بیشترین فراوانی مربوط به بیکاران به تعداد ۱۶۵ نفر (۴۳/۱٪) و کمترین فراوانی مربوط به پاسخگویان بازنشسته به تعداد ۳۳ نفر (۸/۰۶٪) از حجم نمونه‌ی آماری بوده است.

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود در بُعد میزان شناخت نسبت به محصولات غذایی غیرصنعتی، بیشترین پاسخ‌ها در سطح متوسط با فراوانی ۲۳۷ نفر یعنی ۶۱/۸۸٪ از پاسخگویان است. تعداد ۲۵۷ نفر یعنی ۶۷/۱٪ پاسخگویان اعلام نموده‌اند که گرایش متوسطی نسبت به مصرف محصولات غذایی غیرصنعتی دارند. در بُعد عمل نیز تعداد ۲۲۵ نفر از پاسخگویان یعنی ۵۸/۷۴٪ اعلام نموده‌اند که به‌طور متوسط نسبت به تهیه محصولات غذایی غیرصنعتی اقدام می‌کنند.

جدول ۲) وضعیت میزان شناخت، گرایش و عمل پاسخگویان نسبت به محصولات غذایی غیرصنعتی

میزان	فراوانی	درصد فراوانی
میزان شناخت	فراوانی	درصد فراوانی
پایین	۹۲	۲۴/۰۲
متوسط	۲۳۷	۶۱/۸۸
بالا	۵۴	۱۴/۱
جمع کل	۳۸۳	۱۰۰
میزان گرایش	فراوانی	درصد فراوانی
پایین	۶۶	۱۷/۲۴
متوسط	۲۵۷	۶۷/۱
بالا	۶۰	۱۵/۶۶
جمع کل	۳۸۳	۱۰۰

میزان عمل	فراوانی	درصد فراوانی
پایین	۷۴	۱۹/۳۲
متوسط	۲۲۵	۵۸/۷۴
بالا	۸۶	۲۲/۴۵
جمع کل	۳۸۳	۱۰۰

برای آزمون رابطه متغیر وابسته با جنسیت و وضعیت تأهل با توجه به سطح اندازه گیری آنها از آزمون T استفاده گردید. میانگین گرایش به مصرف زنان برابر با ۶۶/۴۰ است که بیشتر از میانگین گرایش به مصرف مردان با ۶۵/۷۰ است. سطح معنی داری آزمون جنسیت برابر با ۰/۵۳۷ است. بنابراین فرضیه صفر مبنی بر عدم رابطه تأیید می شود. وضعیت تأهل نیز با سطح معنی داری ۰/۰۰۳ دارای رابطه با متغیر وابسته پژوهش است و متأهل ها با میانگین ۶۶/۹۶ گرایش بیشتری نسبت به محصولات خوراکی غیرصنعتی در مقایسه با مجردها با میانگین ۶۲/۹۰ دارند.

برای آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل با سطح سنجش فاصله ای و متغیر وابسته، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. بین دو متغیر میانگین درآمد با سطح معنی داری ۰/۳۵۶ و میزان استفاده از رسانه های گروهی با سطح معنی داری ۰/۱۶۷ با متغیر وابسته، رابطه معنی داری وجود ندارد. با توجه به ضرایب همبستگی، روابط متغیرهای مذکور با متغیر وابسته ضعیف است و جهت رابطه درآمد و رسانه با متغیر وابسته به ترتیب معکوس و مستقیم است. متغیرهای سن، سواد، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی، رابطه معناداری با متغیر وابسته دارند. متغیر سن و سرمایه فرهنگی دارای رابطه مستقیم و متغیر سواد و سرمایه اجتماعی دارای رابطه معکوس با متغیر وابسته دارند. در این میان، متغیر سرمایه اجتماعی بیشترین رابطه را دارد، یعنی با کاهش ابعاد سرمایه اجتماعی، میزان گرایش به مصرف محصولات خوراکی غیرصنعتی بیشتر می شود. نتایج این آزمون در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳) نتایج آزمون فرضیات متغیرهای سطح سنجش فاصله‌ای با متغیر وابسته پژوهش

وابسته	مستقل	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	نتایج	نوع و جهت رابطه
گرایش به مصرف محصولات غذایی غیرصنعتی	سن	۰/۱۶۲	۰/۰۰۱	رد فرضیه صفر	دارد، مستقیم
	سواد	-۰/۱۱	۰/۰۳۲	رد فرضیه صفر	دارد، معکوس
	تأهل	۰/۱۴۵	۰/۰۰۳	رد فرضیه صفر	دارد، مستقیم
	درآمد	-۰/۰۴۷	۰/۳۵۶	تأیید فرضیه صفر	ندارد، معکوس
	سرمایه فرهنگی	۰/۱۳۴	۰/۰۰۹	رد فرضیه صفر	دارد، مستقیم
	رسانه‌های گروهی	۰/۰۷۱	۰/۱۶۷	تأیید فرضیه صفر	ندارد، مستقیم
	سرمایه اجتماعی	-۰/۲۹۷	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر	دارد، معکوس

جدول ۴ بیانگر آن است که بین انواع اعتماد و روی آوردن به مصرف مواد غذایی تولید شده خارج از روال متعارف تولید انبوه، رابطه معنی داری وجود دارد. از بین ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد تعمیم یافته با میزان ضریب همبستگی ۰/۳۲۶- و در مراتب بعدی اعتماد سازمانی و اعتماد بین شخصی بیشترین همبستگی را با متغیر گرایش به مصرف مواد غذایی محلی داشته‌اند.

جدول ۴) رابطه بین ابعاد سرمایه اجتماعی و گرایش به مصرف محصولات غذایی تولیدی خارج از

روال متعارف تولید انبوه

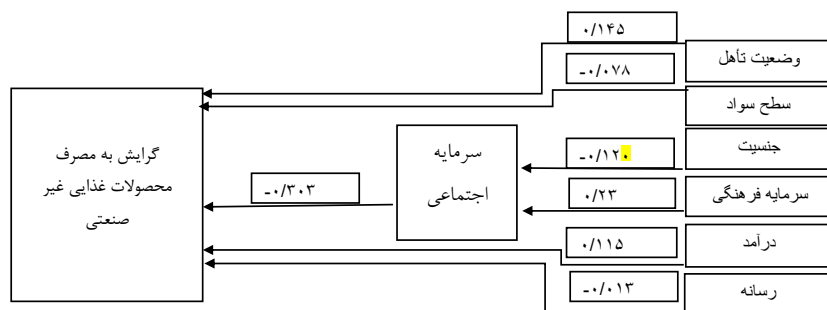
ابعاد سرمایه اجتماعی		اعتماد بین شخصی	اعتماد تعمیم یافته	اعتماد سازمانی
گرایش به مصرف محصولات غذایی غیرصنعتی	مقدار ضریب سطح معنی داری	-۰/۰۳۶	-۰/۳۲۶	۰/۲۰۹
		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

در ادامه جهت تحلیل دقیق تر روابط از تحلیل رگرسیون به روش توأمان استفاده شده است. مدل‌های رگرسیونی برای تبیین شامل ۴ مدل می‌شود که متغیرهای هر مدل به مدل قبلی اضافه شده‌اند. در مدل اول متغیرهای سن، جنسیت، سطح سواد، وضعیت تأهل و درآمد و در مدل دوم متغیر سرمایه فرهنگی و در مدل سوم رسانه‌ها و در مدل چهارم سرمایه اجتماعی اضافه شده‌اند. در مدل اول سطح معنی داری ۰/۰۰۱ کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین ضریب تعیین آن که برابر با ۰/۲۲۵ به دست آمد، معنی دار است،

یعنی ۲۲/۵٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای زمینه‌ای تبیین می‌شود. سطح معنی‌داری در مدل دوم نیز برابر با ۰/۰۰۱ و کمتر از ۰/۰۵ است، پس در این مدل نیز ضریب تعیین آن که برابر با ۰/۲۴۸ به دست آمد، معنی‌دار است، یعنی ۲۴/۸٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط مدل دوم تعیین می‌شود. در مدل سوم نیز سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ چون کمتر از ۰/۰۵ است، پس ضریب تعیین آن نیز معنی‌دار است و با توجه به ضریب آن می‌توان گفت حدود ۲۶٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط این مدل تعیین می‌شود. در مدل چهارم نیز سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ چون کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین ضریب آن که برابر ۰/۳۷۰ به دست آمد، معنی‌دار است، یعنی ۳۷٪ تغییرات متغیر وابسته توسط چهار مدل مذکور تبیین می‌شود. نتایج و ضرایب این آزمون در جدول ۵ آورده شده است. شکل ۲ ضرایب روابط بین متغیرها را در یک چارچوب علی نشان می‌دهد.

جدول ۵) نتایج رگرسیون به روش توأمان

مدل	ضریب تعیین	ضریب بتا	کمیت F	سطح معنی‌داری مدل
مدل (۱) سن، جنس، وضعیت تأهل، درآمد، سواد	۰/۲۲۵	سن: ۰/۰۴۹- جنس: ۰/۱۴۹- تأهل: ۰/۰۹۳- درآمد: ۰/۰۶۷- سواد: ۰/۰۴۲-	۴/۰۱	۰/۰۰۱
مدل (۲) سرمایه فرهنگی	۰/۲۴۸	-۰/۱۰۶	۴/۱	۰/۰۰۱
مدل (۳) رسانه‌ها	۰/۲۵۹	-۰/۰۷۴	۳/۸۴	۰/۰۰۰
مدل (۴) سرمایه اجتماعی	۰/۳۷	-۰/۲۹	۷/۴۱	۰/۰۰۰



شکل (۲) مدل و نحوه‌ی ارتباط متغیرهای مستقل و وابسته و ضرایب

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه شاهد آن هستیم که الگوی مصرف در جامعه ایران در مدت چند دهه گذشته هم‌زمان با تغییرات فرهنگی و اجتماعی، دچار تحولات کمی و کیفی شده است. در حوزه کمی، مصرف انبوه کالاهای رفاهی، خدماتی و مصرفی روزانه و در حوزه کیفی، گرایش به مصرف کالاهای با کیفیت برتر و معمولاً خارج از روال متعارف تولید صنعتی رواج یافته است. این تغییرات در مجموع پدیده‌ای جدید به نام روی آوردن افراد به مصرف کالاهای محلی را شکل داده است. اصطلاح محلی به معنای آن است که محصولات مورد نظر در خانه یا کارگاه‌های کوچک غیرصنعتی تولید می‌شوند.

رفتار و گرایش‌های مصرفی افراد تحت تأثیر عوامل متعددی است. چنان‌که در مباحث نظری این تحقیق نیز اشاره شده است، مارکس درآمد و سرمایه اقتصادی مصرف‌کننده را عامل مهمی در نوع و جهت‌دهی به مصرف برمی‌شمارد (کیویستو، ۱۳۸۹: ۱۲۸). وبر سرمایه فرهنگی را عامل اصلی تمایز طبقات و مؤثر بر نحوه و نوع مصرف می‌داند (آرون، ۱۳۸۶: ۶۲۳). باکاک (۱۳۸۱) در طول دوره‌های مختلف، عوامل متنوع و متفاوتی را مؤثر بر مصرف می‌شمارد که از جمله آنها به سن، جنس، سرمایه و وضعیت تأهل اشاره می‌کند. مارکوزه میزان استفاده از رسانه‌ها را عاملی مؤثر و تعیین‌کننده در جهت‌دهی به سلائق و نحوه و نوع مصرف می‌داند (کوزر، ۱۳۸۲: ۳۶۵). بورديو نیز در نظریه‌های خود میزان سرمایه اجتماعی گروه‌های مختلف را عاملی تأثیرگذار بر مصرف می‌داند.

(شویره، ۱۳۸۵: ۶۰).

متغیرهای مستخرج از نظریات فوق، بنای فرضیات پژوهش حاضر را شکل می‌دهند. متغیر اصلی و وابسته در این پژوهش، گرایش به مصرف محصولات غذایی تولیدی خارج از روال متعارف تولید انبوه و متغیرهای مستقل شامل میزان استفاده از رسانه‌ها، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، درآمد، وضعیت تأهل، سن، جنس و سطح سواد است. آزمون فرضیات تحقیق نشان داد بین سن و متغیر وابسته، رابطه معنی‌دار وجود دارد. این یافته با نتایج تحقیقات الیاسی (۱۳۹۰)، ازکیا و حسینی رودبارکی (۱۳۸۸) و زوبیری (۱۳۹۲) مطابقت می‌کند. این امر می‌تواند به خاطر شناخت و تجربه بیشتر آنها از کیفیت پایین کالاهای صنعتی باشد. به‌علاوه با افزایش سن طبیعتاً حساسیت افراد نسبت به تأمین سلامتی‌شان نیز بیشتر می‌گردد. بین جنس و متغیر وابسته نیز رابطه معنی‌داری وجود ندارد و این نتیجه با یافته‌های حاجی‌زاده میمند و یوسفی (۱۳۹۲)، الیاسی (۱۳۹۰) و موحد، عباسی شوازی و مرحمتی (۱۳۸۹) مطابقت دارد. قاعدتاً با توجه به این‌که در جامعه ایران دغدغه مردم در مصرف مواد غذایی، بیشتر سلامت و کیفیت آن است که مورد تردید واقع شده، وجوه هویتی جهت تمایز اجتماعی در آن، کمتر نقش دارد. از این‌رو، می‌توان استدلال کرد که در این شرایط است که نگرانی در مورد سلامت، مرد و زن نمی‌شناسد. از طرفی، وضعیت تأهل رابطه معنی‌دار و مثبتی با متغیر وابسته دارد و افراد متأهل در مقایسه با مجردین، گرایش بیشتری به مصرف محصولات غذایی محلی دارند. دلیل این یافته می‌تواند این باشد که افراد متأهل معمولاً بیشتر به کار خریدهای روزانه مشغول‌اند و به خاطر اهمیتی که برای سلامتی سایر افراد خانواده، بویژه فرزندان قائل هستند، تمایل بیشتری به مصرف مواد غذایی محلی دارند تا صنعتی. رابطه بین سطح تحصیلات و گرایش به مصرف محصولات غذایی تولیدی خارج از روال متعارف تولید صنعتی، معنی‌دار و معکوس است و این یافته با نتایج تحقیقات حاتمی، آقایی هیر و امیرکواسمی (۱۳۹۵) مطابقت می‌کند. مقدار ضریب همبستگی این رابطه بسیار پایین و قابل چشم‌پوشی است. میزان درآمد خانواده رابطه معنی‌داری با گرایش به مصرف محصولات غذایی تولیدی غیر از روال متعارف تولید صنعتی ندارد. این نتیجه

با نتایج تحقیق زوبیری (۱۳۹۲) مطابقت می‌کند و نشان‌دهنده این موضوع است که افراد فارغ از قیمت این محصولات، تحت تأثیر عوامل دیگری چون کیفیت و تجربه استفاده از محصولات غذایی، استفاده می‌کنند. به‌علاوه خانواده‌های با درآمد کمتر، اغلب به‌خاطر کاهش هزینه‌های مصرفی خانواده، خودشان دست به تهیه مواد غذایی می‌زنند و خانواده‌های با درآمد بالاتر نیز به‌خاطر دغدغه سلامتی، حاضرند هزینه‌های تهیه این محصولات را بپذیرند. بین سرمایه فرهنگی و متغیر وابسته، رابطه مستقیم وجود دارد. این یافته با یافته‌های تحقیقات دارابی و مختارپور (۱۳۹۵) و هم‌چنین عسگری ندوشن و دیگران (۱۳۹۰) و الیاسی (۱۳۹۰) هم‌جهت است و نتایج این تحقیقات را تأیید می‌کند. دلیل این یافته می‌تواند این موضوع باشد که گروه‌های دارای سرمایه فرهنگی بالا صرف‌نظر از کمیت بیشتر، به کیفیت محصولات غذایی بیشتر اهمیت می‌دهند. کسانی که بیشتر به مطالعه می‌پردازند، از سطح آگاهی بالاتری برخوردارند و بیشتر به سلامتی خود اهمیت می‌دهند.

رسانه‌های گروهی رابطه معنی‌داری با گرایش به مصرف محصولات غذایی تولیدی خارج از روال متعارف تولید صنعتی ندارد. می‌توان گفت رسانه‌های گروهی محل تبلیغ محصولات صنعتی است، نه جایگاه تبلیغ محصولات محلی. طبیعتاً مردم در تجربه روزانه‌شان شکاف میان آنچه را رسانه‌های گروهی در مورد مواد غذایی تبلیغ می‌کنند، با آنچه در واقعیت می‌بینند، مشاهده و راستی‌آزمایی می‌کنند. بیشترین تأثیر رسانه‌های گروهی بر روی آن، انواعی از مصرف است که نقش ایجاد تمایز را دارد. این بُعد از حوزه مصرف مواد غذایی، بیشتر در طبقات بسیار مرفه قابل مشاهده است، چرا که مواد غذایی در خانه مصرف می‌شوند و هم‌چون لباس، گوشی موبایل یا اتومبیل چندان وجه نمایشی در عرصه اجتماعی ندارند، مگر درموردی مثل رفتن به فلان غذاخوری گران‌قیمت.

متغیر مستقل سرمایه اجتماعی، بیشترین رابطه را با متغیر وابسته تحقیق دارد. این یافته با نتیجه تحقیق الیاسی (۱۳۹۰) مطابقت می‌کند. ذکر این نکته ضروری است از آنجایی که جهت رابطه معکوس بوده، یعنی با کاهش اعتماد به نهادها و اشخاص و سازمان‌های مرتبط با تولید صنایع غذایی که به‌صورت انبوه و صنعتی تولید می‌شوند،

گرایش به مصرف محصولات غذایی محلی یا غیرصنعتی افزایش می یابد و چون بیشترین تأثیر را در بین سایر متغیرهای این تحقق بر متغیر وابسته داشته است، پس می توان نتیجه گرفت که یکی از عوامل اصلی مرتبط با گرایش به مصرف محصولات غیرصنعتی، کاهش اعتماد به کم و کیف فرایند تولید و نظارت هایی است که باید بر روی این کالاها اعمال شود.

در بین ابعاد سرمایه اجتماعی، اعتماد تعمیم یافته که میزان اعتماد به صاحبان صنایع و بازرسان و عوامل مرتبط با تهیه و توزیع کالای با کیفیت صنعتی را می سنجد، با ضریب ۰/۳۲۶- بیشترین تأثیر را به صورت معکوس در بین سه بُعد اعتماد بر متغیر وابسته داشته است. در رتبه دوم اعتماد سازمانی با میزان تأثیرگذاری ۰/۲۰۹- قرار دارد که میزان اعتماد به سازمان های مرتبط با نظارت، تبلیغات و تولید کالاهای صنعتی (سازمان تعزیرات، سازمان بهداشت، سازمان صداوسیما، دادگاه ها ...) هستند را می سنجد. این یافته مؤید نظریه بورديو است، چرا که سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی را عاملی مهم و تأثیرگذار بر نوع انتخاب و مصرف می داند. افراد و اقشاری که سرمایه اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارند، خارج از نوع و شکل کالا، صرفاً بر اساس دیدگاه و میزان اعتمادی که به کیفیت کالاها دارند، آنها را انتخاب و مصرف می کنند. در مجموع، بورديو بازار را مانند میدانی می داند که افراد در آن سرمایه های خود را بر مبنای نوع و کیفیت کالایی که انتخاب می کنند، ارائه می دهند.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای زمینه ای ۲۲٪ از واریانس متغیر وابسته را تبیین می کنند، اما با ورود متغیرهای سرمایه ی فرهنگی، رسانه های گروهی و سرمایه اجتماعی، ۳۷٪ از پراکندگی متغیر وابسته تبیین می گردد.

پیشنهادهات

- یافته های این تحقیق نشان داد که در بین متغیرهای مستقل، سرمایه اجتماعی نقش به سزایی دارد و مطالعه ابعاد آن نشان داد که اعتماد تعمیم یافته و پس از آن اعتماد نهادی، اثرات بیشتری بر متغیر وابسته دارند. یکی از عوامل مؤثر بر گرایش مردم

به مصرف محصولات غذایی محلی، عدم اعتماد به صاحبان صنایع بود. پس لازم است سازوکاری جهت افزایش اعتماد به مدیران و اعتماد نهادی در ارتباط با نقش‌شان در خصوص نظارت، تهیه و توزیع مواد غذایی در نظر گرفته شود.

- حضور به موقع نظارت‌کنندگان بر کیفیت کالا در کارخانجات تولید مواد غذایی، از جمله سازمان بهداشت، سازمان تعزیرات و سازمان استاندارد کالا و اجرای ملموس نقش ضابطان قانون از جمله دادگستری و نیروی انتظامی در زمینه نظارت و برخورد با تولیدکنندگان متخلف مواد غذایی که در این پژوهش نیز مورد کنکاش قرار گرفتند، منجر به افزایش اعتماد به این سازمان‌ها و هم‌چنین مواد غذایی صنعتی می‌گردد.

- بازارهای غیررسمی (محلی) و تولیدات غیرصنعتی خواه ناخواه بخشی از اقتصاد و بازار عرضه و مصرف هر کشوری است. پس لازم است ضمن توجه به بخش صنعتی، راهکارهایی برای ورود بیشتر بخش محلی به بازار ارائه شود تا بتواند هم با کالاهای غیرمحلی رقابت نماید و هم ذائقه‌ی بخشی از جامعه را که گرایش به مصرف کالاهای غیرصنعتی دارند، بر طرف کند. این امر در سایه رقابت می‌تواند به افزایش کیفیت کالاهای هر دو حوزه، به خصوص بخش صنعتی نیز کمک نماید.

- از آنجایی که این پژوهش با محدودیت زمانی روبه‌رو بود، فقط قادر به انجام مطالعه در حوزه خوراک برآمد، لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتری در حوزه مصرف و در سطح سایر کالاهای مصرفی بومی و محلی هر استان انجام گیرد که مطمئناً منجر به ارائه راهکارهای بهتر و بیشتری در زمینه افزایش کیفیت کالا و اعتماد مصرف‌کننده خواهد شد.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۸۶). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی* (متن بازبینی شده). ترجمه باقر پرهام. تهران: نشر نی.
- ازکیا، مصطفی؛ حسینی رودبارکی، سکینه (۱۳۸۸). "بررسی تغییرات سبک زندگی در جامعه روستایی ایران". *جامعه‌شناسی معاصر*، دوره اول، ش ۳ (مهر): ۵۷-۸۰.
- الیاسی، مجید (۱۳۹۰). "بررسی عوامل مؤثر بر مصرف کالاهای فرهنگی در بین جوانان". *مجله پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال دوم، ش ۲ (تیر): ۵۵-۷۶.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰). "اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن". *نمایه پژوهش*، سال پنجم، ش ۱۸ (دی): ۹-۴۲.
- باکاک، رابرت (۱۳۸۱). *مصرف*. ترجمه خسرو صبوری. تهران: شیرازه.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۹). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- بودریار، ژان (۱۳۹۰). *جامعه مصرفی*. ترجمه پیروز ایزدی. تهران: ثالث.
- ترنر، جانatan اچ. (۱۳۷۲). *ساخت نظریه‌های جامعه‌شناختی*. ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده. شیراز: فرهنگ.
- تیموتی، دالن (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی مصرف* (گردشگری و خرید). ترجمه علی اصغر سعیدی و مهدی حسین‌آبادی. تهران: جامعه‌شناسان.
- حاتمی، خدیجه؛ آقایی هیر، توکل؛ امیرکواسمی، ایوب (۱۳۹۵). "بررسی تأثیرات دینداری و عزت نفس بر مصرف نمایی (دانشجویان دانشگاه تبریز)". *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ش ۱۳ (پائیز و زمستان): ۲۳-۴۴.
- حاجی‌زاده میمند، مسعود؛ یوسفی، فریدون (۱۳۹۲). "بررسی برخی از عوامل اجتماعی مرتبط با فرهنگ مصرف در میان زنان شهر یزد". *مطالعات راهبردی زنان*، سال شانزدهم، ش ۶۱ (دی): ۲۳۳-۲۷۲.
- حمیدی، نفیسه؛ فرجی، مهدی (۱۳۸۶). "سبک زندگی و پوشش زنان در تهران".

- تحقیقات فرهنگی، سال اول، ش ۱ (پاییز): ۶۵-۹۲.
- خالقی‌پناه، کمال؛ کریم‌زاده، هیوا (۱۳۹۵). "فرهنگ‌های مصرف محلی و کالای جهانی: مردم‌نگاری فرهنگ محلی در مواجهه با امر جهانی در شهر بانه". *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، دوره ششم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۶۳-۸۲.
 - دارابی، علی؛ مختاری‌پور، مهدی (۱۳۹۵). "بررسی رابطه علی توسعه فرهنگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر مصرف کالاهای فرهنگی در میان جوانان شهر تهران". *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال هشتم، ش ۳ (تابستان): ۸۷-۱۰۲.
 - ذکابی، محمدسعید (۱۳۹۱). *فراغت، مصرف و جامعه*. تهران: تیسرا.
 - زارعی‌وند، لیلا (۱۳۹۶). "بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری". پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری.
 - زوبیری، روناک (۱۳۹۲). "طراحی الگوی عوامل مؤثر بر تمایل مصرف کنندگان جوان در خرید تفننی در مراکز خرید". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکز).
 - شویره، کریستین؛ فونتن، اولیویه (۱۳۸۵). *واژگان بوردیو*. ترجمه مرتضی کتبی. تهران: نشر نی.
 - شیخی، محمدتقی (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
 - سگری‌ندوشن، عباس، و دیگران (۱۳۹۰). "تمایلات مصرفی زنان در شهر یزد". *مجله زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره نهم، ش ۱ (اسفند): ۹۳-۱۷۶.
 - عضدانلو، حمید (۱۳۷۶). *توماس هابز و جان لاک در آستانه ورود به جامعه مدنی*. *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، دوره ششم، ش ۱۱۷ و ۱۱۸ (خرداد و تیر): ۱۱۸-۱۲۲.
 - غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). *اعتماد اجتماعی در ایران: تحلیل یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های

ملی.

- قاسمی، بهروز (۱۳۸۲). *تئوری‌های رفتار سازمانی*. تهران: انتشارات هیأت.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۲). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علم.
- کیویستو، پیتر (۱۳۸۹). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبور. تهران: نشر نی.
- گولد، جولیس؛ کولب، ل. ویلیام (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم/اجتماعی*. ترجمه مصطفی ازکیا و دیگران. تهران: مازیار.
- منصوریان، محمدکریم؛ قدرتی، حسین (۱۳۸۸). "اعتماد اجتماعی و تعیین کننده‌های آن؛ رهیافت نهادمحور یا جامعه‌محور؟". *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، ش ۲ (تابستان): ۱۸۹-۲۱۵.
- موحد، مجید؛ عباسی شوازی، محمدتقی؛ مرحمتی، ندا (۱۳۸۹). "رسانه، جنسیت و مصرف‌گرایی". *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، دوره دوازدهم، ش ۴۷ (بهار): ۷-۴۰.
- وارسته‌فر، افسانه؛ مختاری، هانیه (۱۳۸۸). "بررسی الگوی مصرف نزد زنان شهر تهران". *پژوهش اجتماعی*، سال دوم، ش ۵ (شهریور): ۴۱-۶۲.
- وبلن، تورستین (۱۳۸۳). *طبقه تن‌آسا*. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.
- یوسفی لویه، وحید؛ یوسفی لویه، مجید (۱۳۸۸). "سنجش گرایش دانشجویان نسبت به اینترنت". *مطالعات معرفتی در دانشگاه آزاد/اسلامی*، ش ۴۲ (تابستان): ۱۱۷-۱۳۵.
- Akbar, A. S. (1994). "Islam, Globalization and Postmodernity". London: Routledge, Vol. 3, No. 17: 75-83.
- Howes, David (1996). "Cross cultural consumption. University of Montreal". Routledge, Vol. 1, No. 54: 1-20.
- Putnam, R. D. (1993). *Making democracy work: Civic traditions in modern Italy*. Princeton: Princeton University Press.
- Ritzer, George. (2001). *Explorations in the Sociology of consumption*.

Washington: University of Maryland press: Sage publications Ltd.

- Steptoe, A.; Pollard, T. M.; Wardle, J. (1995). "Development of a measure of the motives underlying the selection of food: The food choice questionnaire". *Appetite*, Vol. 25, No. 12: 267-284.
- Tomlinson, Alan (2005). *Consumption, identity and style*. London: Routledge.
- Turner, Jonathan H. (2003). *The Structure of Sociological Theory*. United States: Wadsworth.

تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت حضورپذیری عابرین پیاده در محلات شهر اسلامی (مورد مطالعه: محلات شهر مشهد)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۸

سال سیزدهم، شماره اول، پاییز ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۱۲

شماره صفحه: ۱۵۶-۱۲۹

الهی سادات موسوی سروینه باغی^۱

چکیده

پیدایش مشکلات شهرنشینی و در نتیجه‌ی آن کاهش کیفیت زندگی شهروندان در بافت شهری، متخصصان امر را به‌سوی یافتن راهی مناسب، جهت تعدیل شرایط محیط زندگی انسان و ارتقای سطح کیفیت آن سوق داده است. در این میان، توجه به حضور فعال عابرین پیاده در فضاهای شهری یکی از راهکارهای مؤثر بر بهبود کیفیت فضاهای شهری به‌شمار می‌آید، بویژه آن‌که در محلات شهر اسلامی نیز که بیانگر هویت و فرهنگ غنی اسلامی است. هدف عمده در پژوهش حاضر، دستیابی به معیارهای کیفی و کالبدی مؤثر بر ارتقای سطح حضورپذیری عابرین پیاده در محلات شهر اسلامی و هم‌چنین تحلیل و بررسی این معیارها و میزان توجه به آنها در بافت محلات شهر مشهد است. پژوهش حاضر از نوع موردی است که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. بدین منظور با استناد به منابع کتابخانه‌ای و اسنادی به بیان مباحث نظری پیرامون عوامل مؤثر بر حضورپذیری عابرین پیاده در بافت محلات شهری اسلامی پرداخته شده است و مؤلفه‌ها و شاخص‌های تأثیرگذار استخراج گشته‌اند. مؤلفه‌های استخراج شده در دو بُعد کالبدی و عملکردی تقسیم گردید و در شش محله از بافت درونی، میانی و معاصر شهر مشهد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که توجه به معیارهای کالبدی در بافت معاصر شهر مشهد بیشتر است، این در حالی است که معیارهای کیفی در بافت درونی شهر مشهد از اهمیت بالاتری برخوردار هستند.

این امر نشان دهنده حفظ هویت‌مندی و کیفیات محیطی بافت درونی شهر مشهد است در حالی که ساخت‌وسازهای نوین و گسترش تعداد اتومبیل‌ها در بافت معاصر وجهه متفاوتی با هویت محدوده بافت درونی (تاریخی) ایجاد نموده است.

واژگان کلیدی: حضورپذیری عابر پیاده، شهر اسلامی، محلات سنتی و معاصر، بافت شهری

۱- مقدمه

میزان موفقیت فضاهای شهری با میزان قابلیت حضور انسان در آن متناسب است. در واقع، معماری و شهرسازی باید به‌جای افتراق و جدایی در پی افزایش تعاملات اجتماعی و همبستگی انسان‌ها باشد (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲: ۱۷). به اعتقاد متیو کرمونا^۱ عرصه عمومی دارای دو بُعد کالبدی و اجتماعی است. بعد کالبدی عرصه عمومی فضاهای و مجموعه‌هایی با مالکیت عمومی یا خصوصی در نظر گرفته می‌شود که زندگی عمومی و تعاملات اجتماعی را حمایت کرده و یا آن را تسهیل می‌نمایند. به واسطه فعالیت‌ها و اتفاقاتی که در این فضاهای و مجموعه‌ها رخ می‌دهد، می‌توان آنها را عرصه‌های عمومی اجتماعی- فرهنگی نامید. در واقع، کرمونا وجود تعاملات اجتماعی را به‌عنوان یک عنصر شاخص در شکل‌گیری عرصه‌های عمومی معرفی می‌کند (کاشانی‌جو، ۱۳۸۹: ۹۵). با این وجود در دهه‌های اخیر، اختراع اتومبیل و پیشرفت صنعت، یا به‌عبارتی دیگر، انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم میلادی، یکی از نقاط عطف زندگی بشری بوده و پس از این اختراع، دگرگونی‌هایی در همه جنبه‌های زندگی انسان حاصل گردیده است (احمدی و حبیب، ۱۳۸۷: ۱).

علی‌رغم وجود پایه‌های غنی فرهنگی، تاریخی و فناوریانه در معماری و شهرسازی ایران، شرایط امروزی مبین ضعف، ناکارایی، از خود بیگانگی و بحران هویتی است. تضادهای حاصله در ریخت سنتی و موجود بافت‌های تاریخی در شهرهای ایرانی- اسلامی از دیدگاه کیفیات محیطی مرتبط، پایگاه چالش‌های طراحانه‌ای هستند که می‌باید مورد

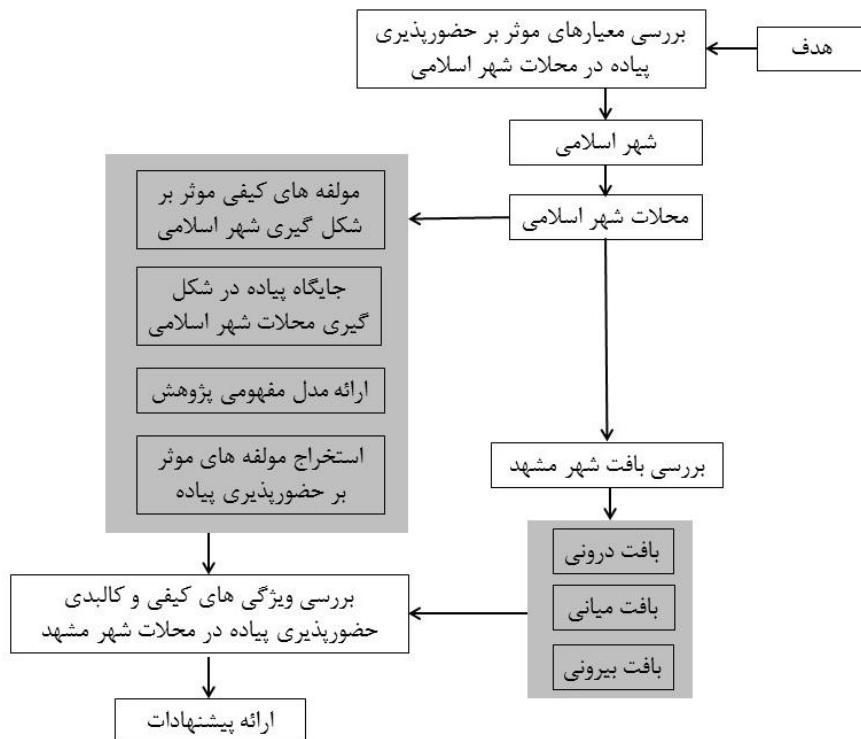
توجه قرار گیرند (بهزادفر و رضوانی، ۱۳۹۴: ۳). مهم‌ترین تأثیر اتومبیل در شهرهای امروز، کاهش حضور افراد در فضاهای جمعی و کم‌توجهی به عابر پیاده است که کالبد شهر را تحت تأثیر خود قرار داده و موجب گردیده شهر در خدمت انسان، به شهر در تسخیر اتومبیل تبدیل شود. یکی از مکان‌هایی که به‌شدت از این تحولات متأثر بوده، نظام محلات شهری چه در شهرهای قدیمی و چه در شهرهای جدید است که منجر به از هم پاشیدگی و گسست تعاملات و سبک زندگی خاص این گونه محلات گشته است. محله‌ها ساخت و بافت اصلی شهرها را تشکیل می‌دهند و به‌طور مستقیم بر زندگی افراد تأثیرگذار هستند. یک محله پیاده‌مدار، مکانی است که ساکنین آن با هر سن و هر درجه‌ای از توانایی می‌توانند جذابیت و دلپذیری، آسایش و راحتی و امنیت را در هنگام پیاده‌روی، نه فقط در هنگام فراغت، بلکه در استفاده از امکانات و تسهیلات و حین تردد احساس کنند (سلطان‌حسینی، و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۷) و قابلیت پیاده‌مداری به معنای میزان مطلوبیت محیط مصنوع برای حضور مردم، زندگی، خرید، ملاقات، گذران اوقات فراغت و لذت بردن از آن در یک پهنه است (رضازاده و لطیفی اسکویی، ۱۳۹۰: ۳۰۰). در مراکز کهن شهری ایران، به‌رغم وجود شبکه‌های پیاده گسترده و منحصر به‌فرد، نظیر راسته‌ها و گذرهای بافت قدیم، امروزه به‌دلیل حاکمیت نگرش نوین به فضاهای شهری و سلطه بی‌قید و شرط اتومبیل، چندان توجهی به مقوله احیاء و ساماندهی آنها نشده و اغلب این شبکه‌ها و فضاهای ارزشمند بی‌آن‌که جایگاه روشنی در میان عملکردهای شهری داشته باشند، در چارچوب طراحی‌های با بینش محدود و برون‌زا، مقهور و مهجور مانده‌اند و درست به همین دلیل (از دست رفتن عملکردها) دوران رو به زوال و سیر قهقرایی خود را طی می‌نمایند (قربانی و جام کسری، ۱۳۸۹: ۵۶). مرکز شهر یکی از عوامل و مظاهر اصلی ارزش‌های تاریخی و فرهنگی و تجسم نمادها، نشانه‌ها و خاطره‌های هویت‌بخش برای تمام شهر و ساکنان آن است. از ویژگی‌های مهم مراکز شهرهای تاریخی، تجمع و تعامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده که بر محوریت دسترسی عابر پیاده و فضاهای عمومی پیاده، محور درون آن، شکل می‌گرفته است (صراف‌ی و محمدیان مصمم، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

از این رو در پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن نقش معابر پیاده در افزایش میزان حضورپذیری افراد، به بررسی بافت‌های گوناگون شهری پرداخته شده است، تا نقش مؤلفه‌های مؤثر بر پیاده‌روی در محلات هر سه نوع بافت درونی، میانی و بیرونی بررسی شود. هدف از این تحقیق، بررسی معیارهای کیفی و کالبدی مؤثر بر افزایش حضور افراد پیاده در محلات شهر اسلامی است. در این راستا، سؤالی که مطرح می‌شود این است که چه عواملی، بیشترین تأثیر را بر افزایش حضور افراد پیاده در محلات شهر اسلامی دارند؟ بدین منظور فرض می‌گردد که فضای شهری با داشتن حداکثر معیارهای کالبدی و کیفی مؤثر، تأثیر بسیاری بر حضورپذیری بیشتر عابرین پیاده دارد. در ادامه، با در نظر گرفتن اهداف و فرضیات پژوهش و ارائه روش آن، مبانی نظری مورد نظر ارائه گردیده و با مطالعه نتایج به دست آمده از بررسی بافت شهری مشهد، سعی در ارائه پیشنهادات به منظور ارتقای سطح کیفی محلات شهر معاصر نموده است.

۲- روش پژوهش

به منظور بررسی معیارهای مؤثر بر حضورپذیری عابرین پیاده در محلات شهر اسلامی، در پژوهش حاضر از روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. بدین منظور پس از توصیف شهر اسلامی، محلات شهر اسلامی و مقایسه آن با محلات معاصر با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای، به جایگاه عابرین پیاده در شهر اسلامی پرداخته شد و معیارهای مؤثر بر حضورپذیری عابرین پیاده ذکر گردید. معیارهای ذکر شده جمع‌بندی از کتب و نظرات نظریه‌پردازانی است که بر نقش عابرین پیاده در شهرهای اسلامی تأکید نموده‌اند. سپس با مشخص کردن نمونه‌های مورد مطالعه (شش محله از شهر مشهد) معیارهای مورد نظر در هر مرحله بررسی شد. محلات مذکور از سه بافت کلان‌شهر مشهد که عبارتند از بافت درونی، بافت میانی و بافت تاریخی، به روش تصادفی انتخاب شده‌اند، تا معرف انواع بافت شهری مشهد نیز باشند. سپس با به کارگیری از روش مشاهده و تحلیل بافت موجود و هم‌چنین روش دلفی و نظرسنجی از متخصصان، به هر یک از این معیارها امتیاز داده شد. مجموع معیارها در دو مؤلفه کالبدی و کیفی برای

هر محله مشخص شده است. در نمودار ۱ مراحل ذکر شده، نمایش داده شده است.



نمودار ۱) مراحل انجام پژوهش

۳- پیشینه تحقیق

جان گل (Gehl, 2010: 20) در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی به بحث در زمینه پیاده‌راه‌ها و نحوه طراحی مناسب فضاهای عمومی، بویژه در اسکاندیناوی پرداخت و بیان کرد: «فعالیت‌های موجود در فضاهای عمومی به سه دسته می‌توانند تقسیم شوند: فعالیت‌های ضروری، فعالیت‌های اختیاری و فعالیت‌های اجباری. در خیابان‌ها و فضاهای شهری با کیفیت پایین، حداقل فعالیت‌ها اتفاق می‌افتد و مردم با عجله به سمت خانه می‌روند. در فضاهایی با کیفیت مناسب طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های مردم امکان‌پذیر است». بوکهارد (Bouchard, 2019: 2) به بررسی رابطه شاخص‌های پیاده‌روی و

درصد عابران پیاده در محدوده‌ای مشخص پرداخته است و مدلی از شاخص‌های مؤثر بر حرکت عابرین پیاده در شهر اوتاوا^۱ ارائه داده است. از دیدگاه او شاخص‌های مؤثر بر پیاده‌روی در شهرها در انتخاب ابزارهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری مؤثر می‌باشند.

علی‌تاجر و کریمی مشاور و حاجیان (۱۳۹۴) با هدف تقویت زندگی جمعی در شهر ایرانی- اسلامی به مقایسه تطبیقی عملکرد خیابان‌های پیاده‌محور پرداختند و دو محور پیاده، پیاده‌راه صف در تهران و خیابان کلر^۲ در پاریس را به لحاظ کارکردهای اجتماعی مورد بررسی قرار دادند. شمعی و اقبال (۱۳۹۵) در پژوهشی دیگر به بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت محیط پیاده‌راه‌های شهر ایرانی- اسلامی با توجه به پیاده‌راه امام حسین (ع) و هفده شهریور پرداختند. بدین منظور از روش پرسشنامه استفاده شده و نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که عوامل اقتصادی، حمل‌ونقل و دسترسی و توسعه فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی، به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر در رونق پیاده‌راه مورد مطالعه است و مهم‌ترین راهبرد ارتقای کیفیت عملکردی پیاده‌راه، توجه به نقش اقتصادی و در مراحل بعد، نحوه دسترسی و نقش اجتماعی آن، معرفی می‌کنند. علی‌زاده مقدم، ذاکریان و تشکری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "بازطراحی مسیر عابر پیاده با رویکرد ارتقاء کیفیت حضورپذیری افراد در بافت تاریخی شهر یزد (نمونه موردی: پیاده‌روی خیابان فرخی شهر یزد)" به بررسی پنج معیار کالبدی، کاربری و فعالیت، حرکت و دسترسی، سیما و منظر شهری و اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پرداخته‌اند. در تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها از روش تحلیل سوات^۳ (روش دلفی) و از روش تحلیل سلسله مراتبی AHP به منظور انتخاب گزینه بهینه استفاده شده است.

اکبری و داوودی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان "نقش پیاده‌مداری بر بهبود هویت رفتاری شهروندان در فضای شهر اسلامی" به تحلیل جایگاه عابرین پیاده در شهر سنج پرداختند. بدین منظور از روش پرسشنامه در جهت تدقیق ارتباط پیاده‌راه‌ها و تأثیر این فضاها استفاده نمودند. نتایج حاصل از آن نشان دهنده مؤلفه‌های عمده فضاهای

1. Ottawa

2. Cler

3. SWOT

شهری پیاده‌مدار در شهر اسلامی بود که عبارتند از: نشانه‌ها، خوانایی، نفوذپذیری و دسترسی آسان، سلسله مراتب، سیمای بناهای عمومی، عدالت، تعاون و مشارکت. در پژوهشی دیگر صفاری‌راد و شمس (۱۳۹۵) به بررسی شاخص‌های پیاده‌مداری در پنج محله‌ی جدید و قدیمی شهر رشت به روش پرسشنامه‌ای پرداختند که نتایج آن حاکی از بی‌توجهی به شاخص‌های پیاده‌روی در محلات جدید مورد مطالعه بود، ولی با این وجود محلات جدید نسبت به محلات قدیم طبق مطالعات میدانی و همچنین از نظر پاسخ‌دهندگان، دارای شرایط بهتری از نظر قابلیت پیاده‌مداری بودند.

۴- مبانی نظری

۴-۱- محلات شهر اسلامی

شهر اسلامی، شهری است که به‌طور نسبی براساس اصول و آموزه‌های قرآنی و نبوی ساخته شده است. مفهوم شهر اسلامی، ناظر به هویت اجتماعی و کالبدی شهر است. شهر اسلامی شهری است که روابط اجتماعی آن بر پایه ارزش‌های دینی سامان می‌یابد و چهره فیزیکی آن، یادآور هویت اسلامی ساکنان آن است (مشکینی و رضایی‌مقدم، ۱۳۹۳: ۴۷). در شهر اسلامی محله به مثابه سلول اصلی، سکونتگاه قوم، نژاد، مذهب و یا فرقه‌ای خاص بوده و روابط اجتماعی به‌صورت بسیار ظریفی در شکل‌گیری و استخوان‌بندی محله مؤثر بوده و شبکه ارتباطی و مرکز محله و دیگر عناصر کالبدی مانند آب‌انبار، مسجد، حسینیه، سقاخانه و حمام را تعریف می‌کرد (پاکزاد، ۱۳۶۹: ۱۸). از گذشته‌های دور، محلات مسکونی شهرها به‌عنوان سلول‌های حیات شهری، نقش اساسی در زندگی ساکنان آنها داشته‌اند. با توجه به این‌که در گذشته محلات شهری، مکانی برای گردآمدن افراد با ویژگی‌های قومی، نژادی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی مشترک بوده است، به‌دنبال تجمع بیشتر افراد با ویژگی‌های مشترک در یک محدوده، آن بخش از شهر دارای هویت خاص و شناخته شده‌ای بود که سبب تمایز آن از دیگر بافت‌های اطراف می‌گردد و همین عامل، باعث تمایز بین محلات قدیم و جدید گردیده است (وحیدا و نگینی، ۱۳۹۱: ۳۶).

بعد از ورود اسلام، دیگر از تشکیل محلات بر حسب نظام کاستی یا شهروندی خاص خبری نیست، ولی در مقابل با ایجاد محلاتی بر حسب قوم و قبیله و نژاد، مذهب، زبان، فرقه و ... مواجه هستیم. وجود محلات در تضاد و در تقابل از خصیصه‌های بارز شهر دوره اسلامی، صرف‌نظر از مکان آنها هستند. محلاتی که هر یک مسجد، بازار، مدرسه، آب‌انبار، قنات، حمام و ... خاص خود را داشتند و حتی در مواقعی برای خود، علاوه بر دروازه‌ای خاص که به بیرون شهر باز می‌شد، دروازه‌ای نیز برای ورود به محله می‌داشتند. مفهوم محله در ایران و شهرسازی دوران اسلامی، به‌عنوان یکی از ارکان مشخصه شهرگرایی، در کنار مسجد و بازار تبلور پیدا کرد و پررنگ‌تر شد (حبیبی، ۱۳۸۷: ۴۸-۴۹).

در حوزه کالبدی وجود کارکردهای گوناگون، مشخصه فیزیکی محلات شهر اسلامی بوده است، از جمله بازار، ارگ، قلعه، مسجد جامع و محله‌بندی‌های شهری. شکل فیزیکی شهرهای اسلامی از بسیاری جهات منعکس کننده ساختار اجتماعی آنها است. محله توسط گذرها و مسیرهای حرکت و عموماً به‌صورت پیاده به‌عنوان واحدی اصلی روابط اجتماعی در شهرهای اسلامی، متشکل از اجزای اصلی و فرعی بوده که عوامل فضایی، فرهنگی و اقتصادی در آن دخالت داشته است (اکبری و داوودی، ۱۳۹۴: ۵۰). سازمان کالبدی محلات شهر اسلامی در ایران بر پیوند فضایی میان عناصر مجموعه مرکز شهر، مرکز محلات (از طریق یک رشته فضاها و عناصر ارتباطی)، گذرهای اصلی و میدان استوار بوده است. بخش درونی شهر تاریخی اسلامی دارای ترکیبی منسجم و مرتبط‌الاجزاء بوده و محصول شکل‌گیری پیوسته و تدریجی بوده است. بخش درونی به‌صورت یک کل، یک نظام و مرکز شهر و مراکز محلات به منزله مراتبی از اجزاء و گذرهای اصلی و میدان‌ها، به‌صورت عناصر پیوند دهنده اجزاء محسوب می‌شوند (توسلی، ۱۳۸۸: ۱۵۱). با توجه به بررسی‌های صورت گرفته و موارد ذکر شده در سطور پیشین، می‌توان مؤلفه‌های کیفی مؤثر بر ریخت‌شناسی شهر اسلامی را به‌صورت جدول ۱ جمع‌بندی نمود.

جدول (۱) مؤلفه‌های کیفی مؤثر بر شکل‌گیری محلات شهر اسلامی

مؤلفه‌ها	توضیحات
همبستگی اجتماعی- فرهنگی	شکل‌گیری مراکزی جهت برقراری تعاملات اجتماعی با یکدیگر به صورت میدانچه‌های کوچک محلی، هشتی‌ها، گذرها و هم‌چنین مساجد و مراکز مذهبی به عنوان کانون‌های تجمع محلات
حس تعلق	داشتن حس تعلق به محله به منظور ایجاد احساس تمایز بین محلات و هم‌چنین تأکید بر قلمرو محلات
هویت‌مندی	شکل‌گیری عناصر هویت‌بخش در محله به گونه‌ای که توسط ساکنین و عابران گذری قابل تشخیص باشد
پیوستگی	وجود شبکه ارتباطی میان عناصر اصلی سازنده محله، مرکز شهر، مرکز محلات و گذرهای اصلی و میدان‌ها، ترکیب پیوسته و منسجم میان اجزای درونی بافت شهر، وجود پیوند فضایی میان عناصر مجموعه، وحدت میان اجزاء
درون‌گرایی	توجه به جهات قرارگیری ابنیه و معابر، پیدایش بافت متراکم و پیوسته در محلات
تنوع	وجود کارکردهای گوناگون، ایجاد تمایز و هویت از طریق کارکردهایی هم‌چون بازار، ارگ، قلعه، مسجد جامع و محله‌بندی‌های شهری، آب‌انبار، حسینی، سقاخانه، حمام و ...

۴-۲- مقایسه محلات شهر اسلامی و معاصر

یکی از عوامل اصلی تغییرات ساختار کالبدی محله‌های معاصر، ورود خودرو به شهرهای کشور و امکان حرکت راحت آن در بافت‌های مسکونی است که باعث تخریب فضای کالبدی محلات و شکل‌گیری بافت‌های شطرنجی شده است که در تمامی شهرهای کشور دیده می‌شود. در شرایطی شهرهای ایران برای تسهیل حرکت سواره، خیابان‌های جدیدی احداث شدند که حریم و قلمرو محلات را شکافتند و مراکز محله با تغییر مکان در اطراف خیابان‌های جدید شکل گرفت. خیابان‌های طویل و مستقیم که تقریباً تمام شهر را طی می‌کردند، به جای راسته‌های پر پیچ‌وخم محلات تاریخی قرار گرفتند (ثقه‌الاسلامی، ۱۳۹۱: ۱۷). این مسأله تحرک و جابه‌جایی عابرین پیاده را در محلات معاصر به حداقل میزان خود رسانید.

بعد از انقلاب صنعتی و با اختراع خودرو، چهره شهرها دگرگون شد. دیگر انسان‌ها مقیاس طراحی محسوب نمی‌شدند و توجه همگان به سمت راحتی حرکت خودرو جلب

شد. شهرسازان بعد از انقلاب صنعتی با تصوره‌های آرمانی‌شان، توجه اصلی را برای حل مسأله ترافیک معطوف کردند و پدیده‌هایی مانند فلکه، تقاطع روگذر و زیرگذر به‌وجود آمدند. بنابراین مقیاس طراحی شهرها از مقیاس انسان خارج شده و به مقیاس خودرو توجه نموده و تسلط فضا از اختیار انسان بیرون آمد و در اختیار خودرو قرار گرفت (شکوهی دولت‌آبادی؛ مسعود، ۱۳۸۹: ۵۶).

مشکلات موجود در بافت‌های محلات فقط در فضای کالبدی محله وجود ندارد، بلکه در فضای اجتماعی نیز این مسائل دیده می‌شود. رشد شتابان جمعیت شهری کشور در ۵۰ سال اخیر و مهاجرت‌های گسترده از روستاها به سمت شهرها باعث تغییرات گسترده در نظام اسکان در شهرها و به تبع آن تغییرات گسترده در نحوه سکونت در محلات شهری گردید. در گذشته در بین ساکنین محله همبستگی اجتماعی وجود داشت و ساکنین در محله به‌نوعی با یکدیگر آشنا بودند. امروزه در بافت‌های مسکونی، ساکنین و اهالی محله بیشتر با یکدیگر غریبه هستند و زندگی جمعی بین ساکنین وجود ندارد. هر کس یک فرد است، نه عضوی از یک جامعه. از طرف دیگر، تغییرات در فضای کالبدی محلات بر روی فضای اجتماعی محلات نیز تأثیرگذار بود. اکثر معابر و فضای عمومی محلات که قانون تعاملات اجتماعی ساکنان محله و عامل ارتقای بافت محله بودند، در حد معابر عبوری تنزل یافتند و زندگی اجتماعی از آنها برچیده شده، به‌طوری‌که در میان بافت شطرنجی فعلی، بستری برای تجمع و زندگی جمعی انسان‌ها لحاظ نشده است (ثقه‌الاسلامی، ۱۳۹۱: ۱۸).

۴-۳- جایگاه مسیرهای پیاده در شکل‌گیری محلات شهر اسلامی

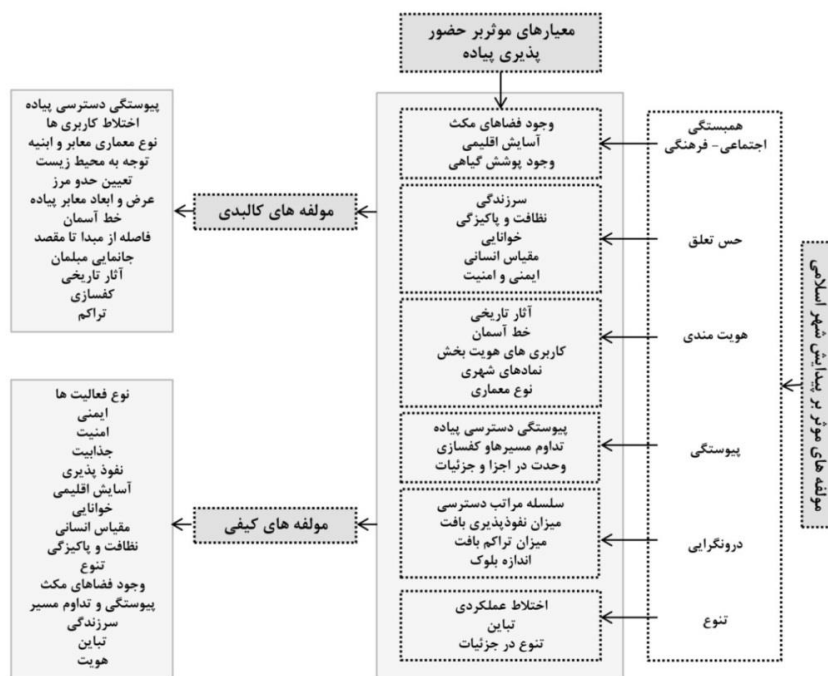
موضوع گسترش مسیرهای پیاده و دوچرخه بویژه در مقیاس محله به‌طور خاص، در بافت‌های تاریخی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در شهرهای اسلامی با ایجاد مسیرهای سرپوشیده (ساباط) با هدف آسایش اقلیمی، برای عابر پیاده تأکید شده بود. ویژگی دیگر پیاده‌مدار بودن، قرارگیری بیشتر کاربری‌ها در فاصله قابل دسترس و نزدیک از خانه و محل کار است که با تعریف مراکز فعال و مکان‌یابی مناسب کاربری‌های

مورد نیاز در آن، می‌توان این اصل را جامه‌ی عمل پوشاند (اکبری؛ داوودی، ۱۳۹۴: ۵۰). در این میان، بخش‌های مرکزی شهرهای اسلامی به‌دلیل وجود عناصر مهم تاریخی چون بازار، مسجد جامع، میدان و ... از جمله مهم‌ترین مراکز رفت‌وآمد عابرین پیاده و تجمع شهروندان به‌شمار می‌آمدند. در شهرهای اسلامی باید وجود و تداوم محور اصلی محله همراه با گذرهای پیاده، شبکه‌ای از مراکز فرعی محله و وحدت شکلی آن را چارچوب و استخوان‌بندی اصلی محله دانست. ترکیب عملکردها و فعالیت‌ها برای ایجاد وحدت فضایی، وجود نشانه‌ها و عرصه‌های مختلف نیمه‌خصوصی، نیمه‌عمومی و عمومی به‌عنوان بستر اصلی در تعاملات و روابط اجتماعی نیز از ویژگی‌های این محله‌ها محسوب می‌شوند. در محلات شهر اسلامی رشته‌فضاهای ارتباط دهنده، یعنی گذرهای اصلی پیاده و فضاهای میدان‌مانند که عناصر مختلف را در شهر و در مرکز آن به هم می‌پیوندند، واجد خصوصیت پویایی و ایستایی هستند. بدین معنی که از لحاظ شکل، میدان، میدانچه، چهارسوق و مانند آن ایستا و گذر و مسیرهای پیاده پویا هستند (توسلی، ۱۳۸۸: ۴۹). از این‌رو، امروزه مراکز شهری بافت سنتی شهرها که از گذشته باقی مانده‌اند، یکی از عوامل و مظاهر اصلی ارزش‌های تاریخی و فرهنگی و تجسم نمادها، نشانه‌ها و خاطره‌های هویت‌بخش برای تمام شهر و ساکنان آن است.

از ویژگی‌های مهم مراکز شهری تاریخی، تجمع و تعامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است که بر محوریت دسترسی پیاده و فضاهای عمومی پیاده، محور درون آن شکل می‌گرفته است (صرافی؛ محمدیان مصمم، ۱۳۹۲: ۱۱۲). در مراکز کهن شهری ایران، به‌رغم وجود شبکه‌های پیاده گسترده و منحصر به‌فرد، نظیر راسته‌ها و گذرهای بافت قدیم، به‌دلیل حاکمیت نگرش نوین به فضاهای شهری و سلطه بی‌قیدوشرط اتومبیل، چندان توجهی به مقوله احیاء و ساماندهی آنها نشده و اغلب این شبکه‌ها و فضاهای ارزشمند بی‌آن‌که جایگاه روشنی در میان عملکردهای شهری داشته باشند، در چارچوب طراحی‌هایی با بینش محدود و برون‌زا، مقهور و مهجور مانده‌اند و درست به همین دلیل (از دست رفتن عملکردها) دوران رو به زوال و سیر قهقرایی خود را طی می‌نمایند. این مراکز به سبب آن‌که بر پایه مقیاس‌های

انسانی و با حرکت کند پدید آمده‌اند، حضور اتومبیل و حرکت سریع به‌عنوان اولین عامل تخریب پیکره منسجم بافت‌ها، ایفای نقش نموده و تأمین دسترسی سریع به قیمت قربانی شدن کالبد‌های با ارزش گذشته آنها انجامیده است (قربانی و جام کسری، ۱۳۸۹: ۵۶).

با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته توسط نظریه‌پردازان این حوزه، پیرامون معیارهای مؤثر بر دسترسی عابرین پیاده در شهرهای اسلامی و هم‌چنین با به‌کارگیری مؤلفه‌های مطرح شده در جدول ۱، مدل مفهومی در نمودار ۲ پیشنهاد شده است.



نمودار ۲) مدل مفهومی پژوهش

با توجه به جمع‌بندی صورت گرفته از مؤلفه‌های مؤثر بر حضورپذیری عابرین پیاده در شهر اسلامی در نمودار ۱، در ادامه جدول ۲ به بررسی و تحلیل هر یک از این مؤلفه‌ها پرداخته است. این مؤلفه‌ها در دو دسته‌ی مؤلفه‌های عملکردی و کالبدی شناسایی شده‌اند.

جدول ۲) مؤلفه‌های مؤثر بر حضورپذیری عابرین پیاده در شهر اسلامی

مؤلفه‌ها		توضیحات
مؤلفه‌های کالبدی	دسترسی‌ها و توجه به حضور عابر پیاده	سازمان و استخوان‌بندی محله براساس یک محور مرکزی و وجود و تداوم محور اصلی همراه با گذرهای پیاده و ایجاد شبکه‌ای از مراکز فرعی محله و وحدت شکلی آنها
	اختلاط کاربری‌ها	توجه به حضور عملکردهای مختلف در محلات که برطرف کننده نیاز روزانه ساکنین باشد و همچنین پیدایش فضاهایی به منظور اجتماع‌پذیری و شکل‌گیری تعاملات اجتماعی
	نوع معماری معابر و ابنیه	افزایش جذابیت معابر، توجه به وحدت و سادگی ابنیه به گونه‌ای که جاذب حرکت پیاده نیز باشند، همچنین گذرهای سرپوشیده و سرباز که رو به معماری منحصر به فرد ابنیه دارد.
	محیط زیست	پوشش گیاهی
		اقلیم
		عوارض طبیعی
	تعیین حدود مرز	
	عرض و ابعاد معابر پیاده	
	خط آسمان	
	فاصله از مبدأ تا مقصد	
	جانمایی مبلمان	
	آثار تاریخی	
	کف‌سازی	
	اندازه قطعات شهری	
	تراکم	

نوع فعالیت	اجتماعی و فرهنگی	انجام فعالیت‌های اجتماعی هم‌چون معرکه‌گیری
	اقتصادی	تلفیق بازار با محورهای اصلی پیاده
	تفریحی	بازی کودکان، گذران اوقات فراغت و گفتگو با همسایه‌ها
ایمنی		ایمنی عابرین پیاده در برابر وسایل نقلیه دیگر به‌واسطه تسلط پیاده‌ها بر فضا ایجاد می‌شود.
امنیت	گروه‌های ناهنجار اجتماعی	به دلیل آشنایی ساکنین یک محله با یکدیگر و حضور کمتر غریبه‌ها بر امنیت عابرین پیاده در محلات افزوده می‌شود.
	روشنایی	
جذابیت		استفاده از جزئیات فضایی که صرفاً نقش تزئین نداشته و عملکردی بوده‌اند بر جذابیت فضا می‌افزاید.
نفوذپذیری		تقاطع دسترسی‌های فرعی با محورهای اصلی نفوذپذیری عابرین پیاده ساکنین محله را افزایش می‌دهد. این در حالی است که توجه به سلسله‌مراتب دسترسی و شکل‌گیری معابر با تبعیت از عوارض طبیعی منطقه منجر به کاهش دسترسی سریع غریبه‌ها در محلات می‌شود.
آسایش اقلیمی		جهت‌گیری صحیح معابر که در راستای باد غالب نبوده و هم‌چنین سایه‌اندازی سطوح با استفاده از معابر سرپوشیده و پوشش گیاهی که بر مطبوع بودن فضا می‌افزاید.
خوانایی		خوانایی معابر دسترسی با استفاده از نشانه‌های شاخص برای ساکنین محله
مقیاس انسانی		تناسب ارتفاع ابنیه و عرض معابر به گونه‌ای که انسانی بوده و بر مقیاس عابر پیاده تأکید دارد.
نظافت و پاکیزگی		عدم وجود بوی نامطبوع، زباله، حیوانات ولگرد و ... که بر حضور عابر پیاده تأثیرگذار است.
تنوع		تنوع عملکردها و تنوع در جزئیات مؤثر بر جذابیت فضا برای عابر پیاده
وجود فضاهای مکث		فضاهای مکث که با ایجاد تباین فضایی محل ایست در طول مسیر را ایجاد می‌نمایند.
پیوستگی و تداوم مسیر		عدم وجود اختلاف ارتفاع‌های نامناسب در طول مسیرهای عابر پیاده و هم‌چنین تداوم طول مسیر پیاده بدون تقاطع‌های ناهماهنگ و تعریف نشده
سرزندگی		حضور افراد در فضا، انجام کارکردهای مختلف در معابر پیاده هم‌چون گفتگو، حرکت، نشستن، بازی کردن کودکان، خرید مایحتاج روزانه و ...
تباین		تعریف فضاهای سرباز و سربسته، عقب‌نشینی و جلوآمدگی در معابر و شکل‌گیری فضاهای تجمع همسایه‌ها
هویت		تعریف محله با عناصر هویت‌مند و ایجاد احساس قلمرو فضایی برای ساکنین محله

۵- بررسی نمونه موردی

با توجه به سیر تحول تاریخی شهر مشهد، انواع بافت‌های مسکونی در شهر مشاهده می‌شود. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان بافت‌های مسکونی شهر مشهد را به سه بخش اصلی بافت درونی (تاریخی)، بافت میانی و بافت بیرونی (جدید)، شامل گسترش‌های شهری اخیر تقسیم‌بندی نمود.

۵-۱- بخش درونی (تاریخی)

بخش درونی (تاریخی) شهر مشهد محصول شکل‌گیری مداوم و پیوسته‌ای است که در طول چندین قرن رخ داده است (توسلی، ۱۳۸۸: ۸). اواخر دوره قاجار مشهد دارای ۶ محله بزرگ و ۱۰ محله کوچک بوده است. محلات بزرگ شهر عبارت بودند از: محله بالاخیابان، محله پایین خیابان، محله سراب، محله عیدگاه، محله چهارباغ و محله نوغان. محلات کوچک شهر نیز شامل سرشور، پاچنار، ارگ، سرحوضان، جدیدها، مروی‌ها، تپ‌محله، غرشمال‌ها، کشمیرها و محله چاه‌نو بوده‌اند (حسینی، ۱۳۹۰: ۸۴).

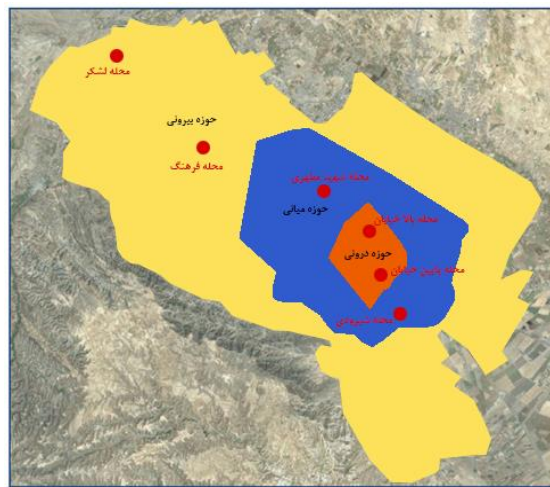
۵-۲- بخش میانی

بخش میانی در حاشیه بخش درونی شهر مشهد شکل گرفته‌است و قسمت‌هایی را شامل می‌شود که نه به کندی بخش درونی رشد یافته‌اند و نه به سرعت بخش بیرونی، بلکه با سرعتی مشخص منجر به گسترش شهر در دهه‌های اول تا سوم قرن حاضر شده‌اند (توسلی، ۱۳۸۸: ۸). در شهر مشهد گسترش شهر در سه دهه اول قرن حاضر در اراضی اطراف شهر و به‌خصوص در سمت جنوب و غرب بخش تاریخی شهر مشهد انجام گرفت. اراضی سعدآباد در غرب شهر و اراضی الندشت در جنوب غربی شهر قدیم که در آنها باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی وجود داشت، اولین محدوده‌هایی بود که گسترش شهری در آن انجام گرفت (ثقه‌الاسلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۵).

۵-۳- بخش بیرونی (معاصر)

بخش بیرونی عمدتاً محصول فعالیت‌های ساختمانی دهه‌های حاضر است و فاقد ارزش فضایی بخش درونی و میانی است. در اغلب شهرها علی‌رغم شرایط اقلیمی متفاوت، این بخش به هم شباهت دارد (توسلی، ۱۳۸۸: ۸). در حال حاضر در شهر مشهد این‌گونه

بافت، محدوده وسیعی از شهر را در بر گرفته است. در گسترش شهری در بافت جدید بسیاری از روستاها و سکونتگاه‌های اطراف شهر در داخل محدوده گسترش شهر قرار می‌گیرد. در بعضی محدوده‌ها، شرکت‌های تعاونی که متعلق به نهادها و سازمان‌های مختلف بوده‌اند، به ساخت‌وساز مسکن پرداخته‌اند و بعضی محدوده‌ها نام شهرک به خود گرفته است، مانند شهرک فرهنگیان، شهرک مخابرات، شهرک لشکر، شهرک شهربانی و ... (ثقه الاسلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۶).

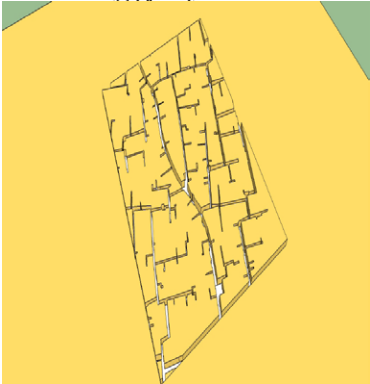
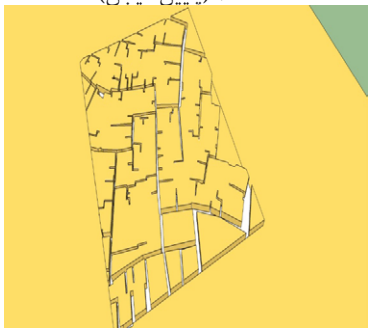


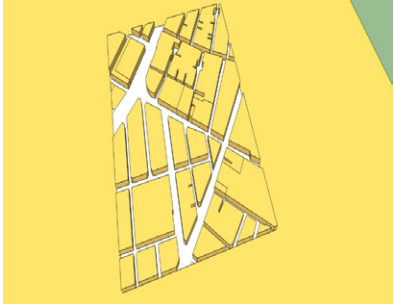
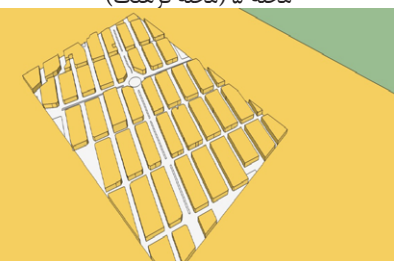
نقشه ۱) حوزه‌های فراگیر شهر مشهد

در پژوهش حاضر به منظور بررسی میزان تبعیت از معیارهای مؤثر بر حضورپذیری عابرین پیاده در محلات شهر مشهد که از بخش مبانی نظری مستخرج شده است، شش محله به‌طور تصادفی انتخاب گردید که به ترتیب دو محله از بافت درونی (محله بالاخیابان و محله پایین‌خیابان)، دو محله از بافت میانی (محله شیرودی و محله شهید مطهری) و دو محله از بافت بیرونی (محله فرهنگ و محله لشکر) می‌باشند. در نقشه ۱ مکان این محلات در سه حوزه شهر مشهد نشان داده شده است. هر یک از این محله‌ها با توجه به محل قرارگیری خود، دارای ویژگی‌های مشخصی می‌باشند که این ویژگی‌ها متأثر از نوع بافت و نوع دسترسی‌ها و کیفیات محیطی می‌باشد. در جدول ۳ شرح

مختصری از ویژگی‌های هر محله با نقشه‌ای از بافت همان محله تهیه شده است.

جدول ۳) ویژگی‌های کالبدی و عملکردی محلات انتخابی در شهر مشهد

ویژگی‌های کالبدی و عملکردی	محلات
این محله در راستای خیابان شیرازی واقع شده است. عناصر نشانه‌ای هویتی، ادراکی در حوزه پیرامونی شامل باغ نادری، بازارچه سراب، محله ارگ، میدان شهدا، باغ خونی و بازار فرش می‌باشد. بافت این محدوده به صورت طبیعی و بدون نقشه از پیش تعیین شده شکل گرفته است و سلسله مراتب دسترسی‌ها از معبر اصلی تا کوچه‌های بن بست رعایت شده است که در سال‌های اخیر به دلیل هجوم اتومبیل‌ها با مشکلات حمل و نقلی بسیاری مواجه شده است. محورهای پیاده دارای تسلط بیشتری بر بافت می‌باشند و نقش ارتباطی میان حرم و حوزه‌های پیرامون را ایفاء می‌کنند. در حال حاضر نقش محلی این محدوده به واسطه حضور بسیار زوار کم‌رنگ شده است و طرح‌های شهری در حال ساخت در تناسب با بافت قدیم نمی‌باشند.	محله ۱ (بالاخیابان) 
پایین خیابان یکی از محله‌های مشهد است که در شرق حرم امام رضا (ع) قرار دارد و خیابان اصلی آن، اکنون به نام خیابان نواب صفوی خوانده می‌شود. این محله، جزء شش محله قدیمی مشهد است که خیابان آن در زمان شاه عباس صفوی بنا شده است. مهم‌ترین بناهای تاریخی این محدوده شامل مصلاي پایین خیابان، آرامگاه پیر پالاندوز و مدرسه عباسقلی خان می‌باشد. دارای بافت فرسوده بسیاری می‌باشد. بافت محله در تناسب با عوارض طبیعی زمین و به صورت محور اصلی با کوچه‌ها تعریف شده است و کالبد فعلی با نقش هویت محدوده مرکزی شهر هماهنگی ندارد.	محله ۲ (پایین خیابان) 
این محله در حوزه میانی غربی قرار گرفته است. بافت محله تلفیقی از معابر شطرنجی و معابر متناسب با عوارض طبیعی زمین می‌باشد. خطوط منظم شطرنجی نشان دهنده غلبه تفکرات نوین است که در برخی نقاط با تأکید بیشتری شکل گرفته‌اند. به دلیل مجاورت با بخش مرکزی می‌توان گفت دارای حس تعلق بیشتر از محلات بخش بیرونی است و عناصر موجود در محله در ایجاد هویت محلی مؤثر هستند.	محله ۳ (شهید مطهری) 

محلۀ شیروودی در میانه شرقی شهر مشهد قرار دارد. محلۀ ای قدیمی با ساکنین قدیمی تر، این محلۀ نیز دارای بافت تلفیقی شطرنجی و می باشد. معابر شهری فاقد کیفیت مطلوب هستند و دسترسی های عابرین پیاده به درستی تعریف نشده و فضا در تسلط اتومبیل ها است. این محلۀ فاقد امنیت کافی می باشد و همچنین از نظر تسهیلات و امکانات فضاهای عمومی در فقر به سر می برد.	محلۀ ۴ (شیروودی) 
این محلۀ جزء ساخت و سازهای اخیر در بافت شهر مشهد محسوب می شود که دارای بافت شطرنجی می باشد. اندازه قطعات تقریباً مشابه می باشد و سلسله مراتب دسترسی ها قابل تشخیص نیست. معابر اصلی با عرض بیشتر امکان حرکت سریع اتومبیل ها را فراهم می کنند. مسیرهای مستقیم و راست گوشه از جمله ویژگی های این بافت است. خوانایی معابر کم و نفوذپذیری زیاد است. مسیرهای حرکت پیاده به پیاده روهای جدا شده از سواره رو خلاصه می گردد که در اکثر موارد محل توقف اتومبیل ها می باشد.	محلۀ ۵ (محلۀ فرهنگ) 
این محلۀ نیز در اراضی بیرونی شهر مشهد و در راستای گسترش غربی این شهر واقع شده است که در شمال بزرگراه امام علی (ع) می باشد. همانند محلۀ فرهنگ دارای بافتی شطرنجی است. سلسله مراتب دسترسی مشخص نمی باشد. از جمله مشکلات این محدوده، کیفیت نامطلوب ساختمان های مسکونی و یکنواختی و عدم تنوع و عدم تعریف مسیرهای پیاده، نبود سرزندگی و اختلاط کاربری ها می باشد.	محلۀ ۶ (محلۀ لشکر) 

۶- یافته ها

بحث پیرامون بررسی میزان توجه به معیارهای مؤثر بر حرکت عابرین پیاده در محلات شهر مشهد منوط به شناخت معیارهای کالبدی و کیفی هر یک می باشد. از این رو، در جهت تعیین میزان توجه به هر یک از معیارهای مستخرج از مبانی نظری، بافت محلات مورد نظر بر اساس مشاهدات میدانی مورد بررسی قرار گرفت. در گام بعدی پس از دستیابی اطلاعات اولیه از محیط، علاوه بر مشاهده به نظرسنجی از متخصصان

در ارتباط با هر یک از مؤلفه‌ها اقدام گردید. بدین ترتیب همزمان با برداشت میدانی از فضا و تعیین مزایا و معایب مرتبط با هر محله، از نظرات متخصصین پیرامون کیفیات محیطی دسترسی پیاده در هر یک از محلات استفاده شد.

جدول ۴ برآیند داده‌های مستخرج از مشاهده و نظرسنجی از متخصصین (پژوهشکده ثامن) در ارتباط با هر یک از مؤلفه‌های کالبدی و کیفی مورد نظر در محلات منتخب می‌باشد. به منظور امتیازدهی به هر یک از معیارها، داده‌ها به صورت درصد میزان رضایت گزارش شده است. در اعمال نظر متخصصین سعی شده است از افرادی نظرسنجی شود که اشراف کافی به بافت مشهد داشته‌اند تا با ارائه تصاویر ثبت شده از محلات و نقشه‌های موجود، اطلاعات جامع‌تری را نسبت به بافت مورد نظر به آنها ارائه دهند. هم‌چنین در اعمال نظرات متخصصین از روش دلفی استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا معیارها توسط متخصصین امتیازدهی شد و سپس بعد از اعمال نظر آنها، فهرستی مجدداً برای ارزیابی در اختیار متخصصین قرار گرفت. بازخوردهای ارائه شده تحلیل شد و نهایتاً جمع‌بندی جامعی انجام گردید که در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴) تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر حضور عابرین پیاده در محلات منتخب

مؤلفه‌ها		بافت مرکزی		بافت میانی		بافت بیرونی	
		محله ۱	محله ۲	محله ۳	محله ۴	محله ۵	محله ۶
مؤلفه‌های کالبدی	توجه به دسترسی پیاده	٪۶۵	٪۵۲	٪۴۰	٪۳۵	٪۴۸	٪۳۸
	اختلاط کاربری‌ها	٪۷۳	٪۶۵	٪۴۵	٪۳۰	٪۴۲	٪۲۸
	کیفیت معماری ابنیه	٪۲۵	٪۳۰	٪۳۰	٪۲۸	٪۶۰	٪۴۲
	توجه به محیط زیست	٪۳۳	٪۳۰	٪۲۸	٪۲۵	٪۵۸	٪۳۶
	عرض و ابعاد معابر پیاده	٪۳۵	٪۳۵	٪۳۰	٪۲۶	٪۴۰	٪۳۲
	خط آسمان	٪۴۷	٪۳۰	٪۶۵	٪۶۷	٪۵۲	٪۴۲
	فاصله از مبدأ تا مقصد	٪۶۶	٪۵۶	٪۶۰	٪۶۰	٪۶۱	٪۴۶
	جانمایی مبلمان	٪۳۲	٪۲۸	٪۲۷	٪۲۳	٪۴۶	٪۳۵
	حفظ آثار تاریخی	٪۳۵	٪۲۶	٪۱۰	٪۱۲	---	---
	کف‌سازی	٪۳۰	٪۳۵	٪۲۸	٪۲۴	٪۶۳	٪۵۰
	اندازه قطعات شهری	٪۵۴	٪۵۰	٪۵۰	٪۵۰	٪۶۵	٪۳۳
	تراکم	٪۳۴	٪۳۶	٪۳۰	٪۲۵	٪۷۶	٪۵۳
مؤلفه‌های کیفی	ایمنی	٪۲۸	٪۲۵	٪۲۸	٪۲۳	٪۷۲	٪۶۱
	امنیت	٪۲۵	٪۲۵	٪۳۵	٪۲۰	٪۸۳	٪۵۴
	جذابیت	٪۶۳	٪۵۵	٪۳۷	٪۲۵	٪۴۱	٪۳۲
	نفوذپذیری	٪۶۰	٪۶۰	٪۵۶	٪۵۲	٪۳۲	٪۲۶
	آسایش اقلیمی	٪۳۷	٪۳۰	٪۳۰	٪۲۷	٪۴۴	٪۴۲
	خوانایی	٪۷۰	٪۶۲	٪۵۲	٪۴۴	٪۳۲	٪۳۰
	مقیاس انسانی	٪۶۸	٪۶۵	٪۶۵	٪۶۵	٪۶۵	٪۴۶
	نظافت و پاکیزگی	٪۳۲	٪۳۰	٪۳۴	٪۲۳	٪۸۱	٪۶۵
	تنوع کاربری	٪۷۰	٪۶۵	٪۵۳	٪۴۵	٪۳۳	٪۲۷
	وجود فضاهای مکث	٪۴۸	٪۴۵	٪۴۵	٪۴۰	٪۲۷	٪۲۵
	پیوستگی و تداوم مسیر	٪۵۵	٪۴۴	٪۳۰	٪۲۵	٪۶۴	٪۵۸
	سرزندگی	٪۷۶	٪۶۵	٪۴۵	٪۳۵	٪۴۲	٪۳۱
	تباین	٪۵۸	٪۴۵	٪۴۲	٪۳۵	٪۲۵	٪۲۵
	هویت	٪۸۵	٪۷۵	٪۶۵	٪۶۰	٪۲۸	٪۲۱
	میانگین معیارهای کالبدی	٪۴۴	٪۳۹٫۴	٪۳۷	٪۳۳٫۷	٪۵۱	٪۳۶٫۲
	میانگین معیارهای کیفی	٪۵۵٫۳	٪۴۹٫۳	٪۴۴	٪۳۷	٪۴۷٫۷	٪۳۸٫۷

۷- نتیجه گیری

برخی از معیارهای مؤثر بر حضور عابر پیاده در شکل گیری شهر اسلامی، واجد جایگاه و ارزش هستند که در این پژوهش بدان‌ها اشاره شده است. این معیارها در دو دسته کالبدی و عملکردی تقسیم شده است. هر کدام از سه بافت تشکیل دهنده شهر مشهد به فراخور جایگاه، قدمت، نوع کاربری‌ها و کالبد محیط از این معیارها بهره‌مند می‌باشند. بافت قدیم و تاریخی شهر مشهد به‌عنوان هسته اولیه تشکیل دهنده این شهر و هم‌چنین وجود بارگاه امام رضا (ع) از دیرباز مورد توجه بوده است. شکل‌گیری بازارها و رونق کسبه و هم‌چنین وجهه مذهبی و شکل‌گیری مساجد، این بافت را متمایز نموده است. کیفیات محیطی هم‌چون هویت‌مندی، سرزندگی، تنوع و اختلاط کاربری، جذابیت، نفوذپذیری و ... بر میزان ارزشمندی این بافت مؤثر می‌باشند.

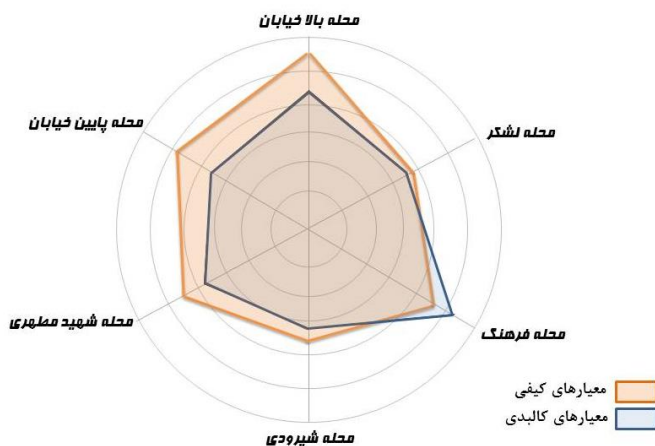
با این وجود در دهه‌های اخیر و گسترش تعداد اتومبیل‌ها در بافت و هم‌چنین نیاز به تعریض خیابان‌ها و ساخت‌وسازهای گسترده و تخریب‌های وسیع در این بافت، بسیاری از معانی ارزشمند این بافت را با خطر مواجه ساخته است و از بُعد کالبد محیط تغییرات بسیاری را ایجاد نموده است. به‌عنوان مثال، برخی آثار تاریخی ارزشمند که نیاز به احیاء داشته‌اند و عامل هویت‌مند محلات به‌شمار می‌رفته‌اند، در معرض تخریب و یا رهاشدگی قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، ابنیه با بافت فرسوده امکان ایجاد فضاهای ناامن و هم‌چنین فقدان کیفیت محلات را به همراه داشته‌اند. با ورود اتومبیل‌ها در معابر با عرض کم که از دیرباز برای حضور و جابه‌جایی افراد پیاده در نظر گرفته شده بود، سطح ایمنی معابر در این بخش از بافت شهری کاهش یافته است به گونه‌ای که افراد پیاده دیگر هم‌چون گذشته بر فضا مسلط نبوده و تابع اتومبیل‌ها می‌باشد.

بافت میانی شهر مشهد هم از هویت بافت تاریخی بهره برده است و هم تحت تأثیر خیابان‌کشی‌های نوین قرار گرفته است. معضل مهم این بافت رهاشدگی اراضی و کیفیت نامطلوب ابنیه در پاره‌ای از موارد است. چون به نسبت بافت تاریخی که مرکز توجهات و گسترش ساخت‌وسازها است و هم‌چنین بافت بیرونی که ساختمان‌سازی‌های نوین را به‌خود جلب می‌کند، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. معابر با کیفیت نامطلوب،

کمبود تسهیلات و خدمات محلی، نبود ایمنی و امنیت کافی و همچنین نبود معابر پیاده مطلوب و مناسب، از جمله معضلات این بافت است. از سوی دیگر، فضا دارای شخصیتی دوگانه است، چون هم در پی حفظ هویت و هم در حال حرکت به سوی خیابان‌کشی‌های شهرسازی نوین است که در این میان، موضوعی که کمتر بدان توجه می‌شود، کیفیت فضای پیاده است.

بافت بیرونی شهر مشهد در دهه‌های اخیر گسترش یافته است و نتیجه ورود مهاجرین و همچنین ازدیاد جمعیت در این شهر است. در بیشتر موارد، محلات این بخش دارای بافت شطرنجی هستند و فضا کاملاً در غلبه سواره است. البته به دلیل نوع ساخت‌وسازها و کیفیت مناسب ابنیه، توجه به استانداردها در طراحی فضا و در اختیار قرار دادن تسهیلات شهری، کالبد محیط از شرایط مناسب‌تری برخوردار است. با این وجود، این امر در تمام نقاط بافت بیرونی قابل تعمیم نیست. به عنوان مثال، محلات موجود در گسترش غربی شهر مشهد در برخی موارد به صورت مجتمع‌های همسان طراحی شده‌اند که فاقد جذابیت، نفوذپذیری و خوانایی می‌باشند و همچنین از برخی امکانات مورد نیاز عابرین پیاده محروم مانده‌اند.

در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن شش محله از بافت مرکزی، میانی و بیرونی شهر مشهد، به بررسی معیارهای مؤثر بر حضورپذیری افراد پیاده مستخرج از مبانی نظری پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که هر یک از محلات با توجه به قدمت و موقعیت قرارگیری، ویژگی‌های مختص به خود را دارند (نمودار ۳).



نمودار ۳) تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر حضور پیاده در محلات منتخب

با این وجود، می‌توان گفت بافت بیرونی شهر مشهد به دلیل تراکم مناسب، نوع کف‌سازی مطلوب، نوع تجهیزات شهری و کیفیت ابنیه در مقابل کاستی‌های بسیاری که به لحاظ عرض معابر و تعریف صحیح معابر پیاده دارد، دارای ویژگی‌های قابل قبول‌تری برای پیاده‌روی است که البته در محلات نوساز به دلیل امکانات اندک و غفلت از نیازهای عابرین پیاده، میزان توجه به این معیار با افت بسیاری مواجه شده است. این در حالی است که معیارهای کیفی هم‌چون سرزندگی، تنوع، هویت‌مندی، نفوذپذیری، خوانایی در محلات مرکزی شهر مشهد دارای شرایط مناسب‌تری هستند. قدمت، هویت و عملکردهای مشخص که از دیرباز تاکنون باقی مانده‌اند و وجود راسته‌بازارهای تجاری نقش مؤثری در ارتقای سطح کیفیات محیطی برای حضور عابر پیاده داشته‌اند. البته عواملی هم‌چون نبود امنیت و ایمنی کافی و سلطه اتومبیل‌ها در فضا و شکل‌گیری توقفگاه‌های اتومبیل‌ها در نقاط مختلف، از کیفیات فضایی در این محلات کاسته است. این موضوع نشان می‌دهد، با وجود این‌که بافت کالبدی محلات تاریخی شهر مشهد در سال‌های اخیر، طی ساخت‌وسازهای گسترده به فراموشی سپرده شده است، ولی مؤلفه‌های کیفی محیط هم‌چنان سعی در حذف ارزش‌های خود نموده‌اند که این

موضوع، وابستگی بسیاری به هویت‌مندی این محلات و بافت طبیعی آن دارد که از ابتدا با در نظر گرفتن تناسبات انسانی و برای حرکت، مکث، استراحت، گفتگو و ... یک انسان طراحی شده بود. این در حالی است که محلات جدید شهر مشهد با اولویت قرار دادن اتومبیل‌ها و سهولت در حرکت آنها، فضا در تسخیر اتومبیل‌ها طراحی شده است و از این‌رو، همان‌گونه که از نتایج تحقیق برآمده است، افت کیفیات محیطی از دیدگاه عابرین پیاده مشاهده می‌گردد، در حالی که کالبد محیط، دارای شرایط مناسب‌تری است. بدین منظور، در ادامه پیشنهادهای در جهت ارتقای سطح کیفی و کالبدی محلات معاصر و کهن شهر مشهد ارائه می‌گردد.

در محلات بافت درونی و میانی پیشنهاد می‌گردد:

- جلب مشارکت ساکنان و شاغلان بافت نابسامان شهری در زمینه بهسازی و نوسازی؛
- بهسازی و باززنده‌سازی نواحی نابسامان در بافت تاریخی با در نظر گرفتن حفظ ساختار و ارزش‌های تاریخی ابنیه و محورهای ارزشمند؛
- تعریض و احداث معابر با کمترین تخریب ابنیه ارزشمند و واجد هویت برای حل مشکل نفوذناپذیری؛
- به‌کارگیری طراحی شهری مطلوب به منظور تجدید حیات شهری در عرصه‌های تاریخی - فرهنگی به منظور حفظ هویت این محلات؛
- احیای مسیرهای پیاده در بافت به همراه بازسازی بدنه‌ها در جهت گسترش حضورپذیری عابر پیاده؛
- توجه به کیفیات زیست‌محیطی فضا از طریق افزایش پوشش گیاهی، ایجاد سایه در طول معابر پیاده، محدود نمودن ورود اتومبیل‌ها و کاهش آلودگی‌های صوتی و هوا؛
- توجه به نوع کف‌سازی که متناسب با حرکت عابر پیاده باشد و از سرعت حرکت اتومبیل‌ها بکاهد؛
- توسعه فضاهای بازهمگانی در مناطق دارای ظرفیت با غلبه حضور عابر پیاده؛
- حفظ نشانه‌ها و اصلاح منظر نامناسب؛
- پررنگ نمودن نقش زیارتی، تاریخی، اقامتی، گردشگری و تجاری در بافت که بر

- حضور بیشتر عابر پیاده تأثیرگذار است؛
- توجه به مسائل امنیتی و اجتماعی، برای حضور بیشتر افراد پیاده؛
- توجه به خط آسمان در ساخت‌وسازهای جدید که متناسب با افراد پیاده باشد؛
- احیای محورهای دید به سمت حرم به‌عنوان نشانه‌ای اصلی جهت حرکت عابر پیاده؛
- توسعه حمل‌ونقل عمومی در مسیرهای مورد نیاز و اختصاص توقفگاه‌هایی برای اتومبیل‌ها در خارج از بافت؛
- حفظ و احیای محورهای ارزشمند موجود در بافت با القای کاربری‌های مشخص در جهت افزایش حرکت پیاده.
- در محلات بافت معاصر پیشنهاد می‌گردد:
- حذف دیوارهای ممتد و طولانی در طول مسیر پیاده که فاقد جاذبه برای عابر پیاده می‌باشند؛
- رعایت تناسبات فضایی در مقیاس انسانی و کنترل فضاهای باز و بسته در ساخت‌وسازهای جدید؛
- توجه به ایجاد عرصه‌های عمومی برای حضور افراد پیاده و القای معنای حسی و رنگ تعلق به مکان؛
- مدیریت مسیرهای صرفاً عبوری در فضاهای شهری معاصر؛
- حفظ مسیرهایی با عملکردهای جاذب برای حضور بیشتر عابر پیاده؛
- پیاده‌محور نمودن مسیرهای منتهی به فعالیت‌هایی که نیاز به دسترسی سواره و روزانه ندارند؛
- در نظر گرفتن سلسله‌مراتب دسترسی در معابر به منظور کاهش سرعت اتومبیل‌ها در محلات مسکونی؛
- توجه به ایجاد نشانه‌های شهری که به‌عنوان عنصری نشانه‌ای منجر به افزایش هویت و حس تعلق در بافت گردند؛
- اختلاط کاربری‌ها در بافت و افزایش جذابیت فضا به منظور حضور گسترده عابر

پیاده؛

- تجهیز معابر پیاده به کف‌سازی مناسب و توجه به عناصر سایه‌انداز و ایجاد تباينات فضایی؛
- مدیریت فضاهای رها شده که امنیت آن را با مشکل مواجه می‌سازد؛
- جلوگیری از ساخت بناهای بی هویت درشت‌دانه در بافت مسکونی؛
- احیای لبه‌های نفوذناپذیر به منظور افزایش جذابیت فضا؛
- ایجاد فضای بازی کودکان، فضای سبز، محل نشستن و گفت‌وگو در معابر مسکونی به منظور افزایش تعاملات اجتماعی و غلبه انسان بر ماشین.

منابع

- احمدی، ملیحه؛ حبیب، فرح (۱۳۸۷). "توسعه پایدار شهری با تأکید بر حرکت پیاده در آسیا". *علوم و تکنولوژی محیط زیست*، دوره دهم، ش ۳ (پاییز): ۱-۱۳.
- اکبری، پرویز؛ داوودی، البرز (۱۳۹۴). "نقش پیاده‌مداری بر بهبود هویت رفتاری شهروندان در فضای شهر اسلامی (مطالعه موردی: خیابان فردوسی سنندج)". *مطالعات شهر ایرانی- اسلامی*، دوره پنجم، ش ۲۰ (تابستان): ۴۹-۵۹.
- بهزادفر، مصطفی؛ رضوانی، نوشین (۱۳۹۴). "بررسی تطبیقی هنجارهای ریخت‌شناسی شهرسازی اسلامی در بافت تاریخی (موردکاوی: محله سرچشمه شهر گرگان)". *پژوهش‌های معماری اسلامی*، سال سوم، ش ۶ (بهار): ۳-۲۲.
- بهزادفر، مصطفی؛ طهماسبی، ارسلان (۱۳۹۲). "شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری (نمونه مورد مطالعه: سنندج)". *باغ نظر*، سال دهم، ش ۲۵ (تابستان): ۱۷-۲۸.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۶۹). "واحد همسایگی". *صفه*، دوره اول، ش ۲ (تابستان): ۱۶-۲۰.
- توسلی، محمود (۱۳۸۸). *طراحی شهری هنر نو کردن ساختار شهر*. تهران: مؤلف.
- ثقه‌الاسلامی، عبدالاسلام (۱۳۹۱). *مفهوم محله در شهرهای معاصر ایران*. مشهد:

- سخن گستر؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، معاونت پژوهشی.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۷). *از شار تا شهر*. تهران: دانشگاه تهران.
 - حسینی، سیدهاشم (۱۳۹۰). "چهارباغ مشهد تیموری در آیین تاریخی". *پژوهش‌های تاریخی*، سال سوم، ش ۲ (تابستان): ۷۳-۸۸.
 - رضازاده، اسفندیار زبردست؛ لطیفی اسکویی، لاله (۱۳۹۰). "سنجش ذهنی قابلیت پیاده‌مداری و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن در محلات (مطالعه موردی: محله چیدر)". *مدیریت شهری و روستایی*، دوره نهم، ش ۲۸ (پاییز و زمستان): ۲۹۷-۳۱۲.
 - سلطان حسینی، محمد، و دیگران (۱۳۹۰). "امکان‌سنجی قابلیت پیاده‌روی در فضای شهری بر پایه الگوهای توسعه پایدار و نو شهرسازی (مطالعه موردی: محله سعادت‌آباد تهران)". *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، دوره دوم، ش ۴ (بهار): ۴۳-۵۶.
 - شکوهی دولت‌آبادی، محمود؛ مسعود، محمد (۱۳۸۹). "پیاده‌راه عاملی برای افزایش سرمایه اجتماعی". *انجمن علمی و شهرسازی ایران*، دوره اول، ش ۱ (پاییز): ۵۵-۶۶.
 - شماعی، علی؛ اقبال، محمدرضا (۱۳۹۵). "عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت محیط پیاده‌راه‌های شهرهای ایرانی- اسلامی (مورد مطالعه: پیاده‌راه میدان امام حسین (ع) و هفده شهریور)". *الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی*، دوره چهارم، ش ۷ (بهار و تابستان): ۱۲۷-۱۵۱.
 - صرافی، مظفر؛ محمدیان مصمم، حسن (۱۳۹۲). "امکان‌سنجی پیاده‌راه‌سازی خیابان‌های مرکز شهر همدان". *آمایش محیط*، دوره ششم، ش ۲۱ (تابستان): ۱۱۱-۱۳۸.
 - صفاری‌راد، علی؛ شمس، مجید (۱۳۹۵). "بررسی تطبیقی معیارهای قابلیت پیاده‌مداری در سطح محلات شهری (مطالعه موردی: محلات جدید و قدیمی شهر رشت)". *آمایش محیط*، دوره دهم، ش ۳۹ (زمستان): ۱۸۳-۲۰۴.
 - علی‌تاجر، سعید؛ کریمی مشاور، مهرداد؛ حاجیان، مینا (۱۳۹۴). "مقایسه تطبیقی عملکرد خیابان‌های پیاده‌محور با هدف تقویت زندگی جمعی در شهر ایرانی-

- اسلامی". نقش جهان، دوره پنجم، ش ۳ (پاییز): ۸۰-۸۸.
- علی‌زاده مقدم، سمیرا؛ ذاکریان، ملیحه؛ تشکری، بابک (۱۳۹۷). "بازطراحی مسیر عابر پیاده با رویکرد ارتقاء کیفیت حضورپذیری افراد در بافت تاریخی شهر یزد (نمونه موردی: پیاده‌روی خیابان فرخی شهر یزد)". پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال نهم، ش ۳۴ (پاییز): ۱۳۳-۱۴۸.
 - قربانی، رسول؛ جام کسری، محمد (۱۳۸۹). "جنبش پیاده‌گستری، رویکردی نو در احیاء مراکز شهری (مورد مطالعه: پیاده‌راه تربیت تبریز)". مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال دوم، ش ۶ (پاییز): ۵۵-۷۲.
 - کاشانی‌جو، خشایار (۱۳۸۹). "بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری". هویت شهر، سال چهارم، ش ۶ (تابستان): ۹۵-۱۰۶.
 - مشکینی، ابوالفضل؛ رضایی‌مقدم، علی (۱۳۹۳). "بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر اسلامی با تأکید بر نقش و اهمیت فرهنگ‌سازی در تحقق الگوی شهرسازی اسلامی- ایرانی". شهر پدیدار، دوره دوم، ش ۲ (زمستان): ۳۷-۶۸.
 - وحید، فریدون؛ نگینی، سمیه (۱۳۹۱). "ساخت و اعتباریابی مقیاس هویت محله‌ای". مطالعات شهری، سال دوم، ش ۲ (بهار): ۳۵-۵۸.
 - Bouchard, Marc (2019). "Walking in the City of Ottawa: Pedestrian Volume and its Relationship with Walkability". Master thesis in Geography, Department of Geography Environment and Geomatics, Faculty of Arts, university of Ottawa, Canada.
 - Gehl, Jan (2010). *Cities for people*. Washington: Island Press.

The relationship between social capital and improving the well-being of citizens in Mashhad

Pezhman Ebrahimi ¹

Gholam Reza Hasani ²

Alireza Afshani ³

Abstract

As one of the main indicators of development of societies and the universal human rights, well-being is one of the issues emphasized in most countries. One of the factors affecting the well-being of community members is social capital. Therefore, the main purpose of this paper is to examine the relationship between social capital and the well-being of citizens aged 30 years and above in Mashhad. The statistical population of this research was the citizens of the city of Mashhad, thirty years old and above among which 384 were selected using multi-stage cluster sampling. Also, for research data and collection, survey method and SF_36 standard questionnaire of well-being and the researcher-made social capital questionnaire have been used. The results showed that compared to non-employed individuals and females, the employed individuals and men had a higher well-being score, respectively. Also, the correlation between social capital and well-being was equal to 0.618. Concerning the dimensions of social capital, the results also indicate that the social norm has the highest correlation with well-being (0.603), followed by social network variables and social trust, respectively. The results of the structural equation model showed that %0.29 of the

1. MA Student, Ferdowsi University of Mashhad; Email: pezhman. ebrahimi@yahoo.com

2. Assistant Prof, Demography, Ferdowsi University of Mashhad; Email: gh-hassani@um.ac.ir

3. Associate Prof, Sociology, Yazd University; Email: afshanalireza@yazduni.ac.ir

changes in the dependent variable (well-being) were explained by social capital dimensions.

Keywords: Health, Social capital, Social norm, Citizens of Mashhad

Reflection of ethical sects in Sufism in KhorasanPeiman Abolbashari ¹Hasan Sadeghi Samarjani ²**Abstract**

Based on the distinguished and indigenous intellectuals of the Zohhad movement in Iraq, Sufism in the great Khorasan of the fifth and sixth centuries was able to begin with a profound transformation in the history of the inner world of Islam and the production of Sufi scriptures. The status of the state of Khorasan and the diversity of religious minorities contributed greatly to the prosperity of Sufism in this land. Khorasani's Sheikhs, with the help of beliefs, as well as the Javanmardi, Malamati, the Ayyari and the Ghalandari that existed in this line, helped to bring more and more Sufism to fertility and cut it off from a cognitive cocoon. The stubborn asceticism, as it was in Iraq, turned into a powerful stream, a situation that did not exist before. The findings of this research, which are based on a descriptive-analytic approach, show that Sufism in Khorasan has been used independently of the evolutionary, calenderi, Javanmardi, and so on for the expansion of their. Ultimately, by eliminating the autonomy of these thoughts, they have digested them.

Keywords: Sufis, Ayyaran, Javanmardan, Khorasan, Qalandar, Melamati.

1. PhD, History, Ferdowsi University of Mashhad; Email: peiman.ab@gmail.com

2. Faculty Member, History, Hamid Sabzevari University; Email: h.sadeghi@hsu.ac.ir

Comparative study of the value system of ordinary couples and divorce applicant couples in Gonabad city

Aghdas Asghari ¹

Abstract:

This research was conducted with the aim of comparing the value system of ordinary couples and divorce applicants in Gonabad city in 2015. Theoretical context of research is a combination of Inglehart's value transformation theory and the Allport values system. The method of research in this study was survey type. The statistical population included couples referring to Gonabad courts with the application of divorce and ordinary couples in the same county. According to the research constraints, the sampling method was different in the two groups. In the case of couples applying for divorce, non-random sampling method using snowball method has been used. Regarding the group of normal couples, it is also done in a simple random method. The sample size for couples applying for divorce was 30 couples (30 women and 30 husbands) and 30 couples (30 men and 30 women) in ordinary cases. The results of the assumptions test showed that, there is a significant difference between the two groups of couples, except in the religious values system, in all five other values of Allport.

Keyword: Value system, Normal couples, Divorce applicant couples, Inglehart's value transformation, Allport's values system

¹ Assistant Prof, Social Science, Gonabad University; Email: a_asghari2002@yahoo.com

The effects of Bajgeeran Border Market on Social and Economic Security of surrounding rural areas (Case Study: Dolatkhaneh county of Ghochan)

Hamid Jalalian ¹

Hassan Momeni ²

Malihe Soltanabadi ³

Abstract

Security has different dimensions. An important and important dimension is the socio-economic security that holds onto the territorial communities. The existence of the boundary has created the potential for trade exchanges, including the creation of border markets for product supply. There are 43 markets in the border regions of the country. The Bajgeeran border market is also one of the border markets of the country, which was built in the city of Ghochan and bordered by Turkmenistan. Therefore, the research question is such that the extent to which the Bajgeeran border market has brought socioeconomic security to neighboring villages. Data gathering method was used as a library-field survey and data analysis method was used as descriptive statistics (mean, standard deviation) and inferential statistics. Research items have been obtained from the socioeconomic security component. The statistical population of the research includes 22 villages of the rural districts of Golestan province. Due to the large population of this village, 5 villages (Burdur, Biradam, Sheikhanlou, Shamkhal and Karehikheh)

1. Associate Prof, Geography and urban Planning, Kharazmi University; Email: hamidjalalian@khu.ac.ir

2. PhD Student, Geography and urban Planning, Kharazmi University; Email: Geography and urban Planning, Kharazmi University; Email:

3. MA, Geography and urban Planning, Kharazmi University; Email: malihe.soltanabadi@gmail.com

were investigated near the border crossing. Using the Morgan table, the required number of 180 questionnaires was determined. The results indicate that the employment situation has changed before and after the establishment of the market, and the agricultural and livestock sector has decreased. The market has created new businesses such as salespersons, transportation services, manpower (service workers), and more. The statistics show that the amount of smuggling in the region has fallen in the past, as well as the establishment of market infrastructure and exchanges caused by it. The relationship between villages has also been expanded.

Key words: Socio-economic security, border markets, rural areas, Bajgeeran region.

The relationship between social and cultural capital as well as media and the tendency to local consumption of food ¹

Mehrdad Zeidi ²

Hossein Ghodrati ³

Shafieh Ghodrati ⁴

Abstract

“Local consumption” or tendency to consuming products outside the conventional mass production system, with its abundance and easy access to industrial goods, is a new phenomenon in consumer research. This phenomenon is affected by various socioeconomic factors. The purpose of this study is to investigate the relationship between this phenomenon and social and economic capital. Through a survey and using questionnaire and multi-stage cluster sampling, 383 individuals were interviewed in Sabzevar. Findings showed that there were no relationship between mass media and dependent variable, however, cultural capital and education had direct and significant relationship with dependent variable. Also it is notable that social capital influenced dependent variable negatively. Multi-variate analysis by entering all independent variables indicated that personal and generalized trust as well as organizational trust had the highest reverse impact on the tendency to local consumption of food.

Keywords: Tendency to Consumption, Local Products, Social Capital, Cultural Capital, media consumption

1. This article is an excerpt from a master's degree in Social Science Research

2. MSc, Social Sciences Research, Hakim Sabzevari University; Email: Merdadzeydi@gmail.com

3. Associate Prof, Sociology, Hakim Sabzevari University (Corresponding Author); Email: hos-seineghodrati@gmail.com

4. MA Student, Ferdowsi University of Hakim Sabzevari; shghodrati@gmail.com

Analytical review Effective Criteria on the presence of Pedestrian in the Islamic city with a comparative Viewpoint to the neighborhoods of Mashhad

Elaheh Mousavi Sarvineh Baghi ¹

Abstract

The emergence of urbanization problems and, consequently, the decline in the quality of citizen lives in the urban fabric have led the experts to find a way to adjust the conditions of the human environment. Paying attention to the presence of pedestrians in urban spaces is one of the effective ways to improve the quality of urban areas. Unfortunately, due to the dominance of cars in cities, they have become the center of attention, causing pedestrians to be isolated in urban fabric. Mashhad, as one of the major metropolises of Iran, welcomes many tourists and pilgrims every year, which has adversely affected the traffic spread to the central, middle and even outer city neighborhoods. The main objective of this research is to achieve qualitative and environmental measures that are effective in improving the presence level of pedestrians in urban areas, as well as analyzing and evaluating these criteria and their priority level in the context of Mashhad neighborhoods. The research method is descriptive, analytical and case study. To this end, based on library resources and documents, theoretical discussions about the factors affecting the presence of pedestrians in urban neighborhoods have been discussed and effective components and indicators have been extracted. The extracted components are divided into two environmental and functional dimensions and analyzed in six neighborhoods of Mashhad. The results of this research show that although the attention

1. MA, Urban Design, Tarbiat Modarres University; Email: elahe.mousavi@modares.ac.ir

to environmental criteria is evident in contemporary urban areas, but qualitative criteria have a higher quality in inner context of Mashhad. The inner context of Mashhad has preserved its identity and environmental qualities while the new constructions and growing presence of cars convey a different image from the identity of this urban fabric.

Key words: presence of Pedestrian, Islamic city, Traditional and contemporary neighborhoods, Mashhad

Table of Content

The relationship between social capital and improving the well-being of citizens in Mashhad

Pezhman Ebrahimi/ Gholam Reza Hasani/ Alireza Afshani 7

Reflection of ethical sects in Sufism in Khorasan

Peiman Abolbashari/ Hasan Sadeghi Samarjani 35

Comparative study of the value system of ordinary couples and divorce applicant couples in Gonabad city

Aghdas Asghari 51

The effects of Bajgeeran Border Market on Social and Economic Security of surrounding rural areas (Case Study: Dolatkhaneh county of Ghochan)

Hamid Jalalian/ Hassan Momeni/ Malihe Soltanabadi 79

The relationship between social and cultural capital as well as media and the tendency to local consumption of food

Mehrdad Zeidi/ Hossein Ghodrati/ Shafieh Ghodrati 99

Analytical review Effective Criteria on the presence of Pedestrian in the Islamic city with a comparative Viewpoint to the neighborhoods of Mashhad

Elaheh Mousavi Sarvineh Baghi 129

Referees of This Period. (Alphabetical Order)

- Dr. Mohammad Bagher Akhondi; Assistant Professor, University of Birjand
- Dr. Aghdas Asghari; Assistant Professor, Azad University of Gonabad
- Dr. Mohammad Eskandari Sani; Assistant Professor, University of Birjand
- Mehdi Hosseini; Lecturer, University of Birjand
- Dr. Mohammad Hajipoor; Assistant Professor, University of Birjand
- Dr. Emran Rasti; Assistant Professor, University of Birjand
- Dr. Zahra Alizadeh Birjandi; Associate Professor, University of Birjand
- Dr. Kolsoom Ghorbani Joybari; Assistant Professor, University of Birjand
- Dr. Javad Mekaniki; Associate Professor, University of Birjand



In The Name Of God

Khorasan Quarterly of Cultural and Social Studies

Serial: 49

ISBN 1735-8256

Vol. 13. No. 1. Fall 2018

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Nabizadeh, Naser

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Rezaei, Hamed

Executive manager: Zerang, Mahin

Editorial Board:

1. Habib Allah Abbasi/ Professor, Kharazmi University, Tehran
2. Habib Ahmadi/ Professor, Shiraz University
3. Mohammad Bagher Akhouni/ Assistant Professor, University of Birjand
4. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
5. Bibi Aghdas Asghari/ Assistant Professor, Islamic Azad University, Gonabad
6. Mohammad Ali Beidokhti/ Assistant Professor, University of Birjand
7. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
8. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
9. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
10. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
11. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
12. Mofid Shateri/ Assistant Professor, University of Birjand

Editors: Nasrollahi, Seyyed Noorollah

Translator and English Editor: Toosheh, Elahe

Technical affairs: fekreBekr publications

Lithography & Press: Erfan Institute

Circulation: 1000

Price: 20000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction,

Research Society Office

Tel: 056-32323393

Fax: 056-32323277

Email: pazhoheshkhorasanj@farhangmail.ir

info@farhangekhorasan.ir

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.

فرآیند دریافت وجه جهت پذیرش نهایی مقالات

نگارندگان محترمی که مقاله ایشان پس از طی مراحل داوری و بررسی نهایی مورد پذیرش قرار گرفته است، می بایست مبلغ ۱۰۰ هزار تومان بابت پذیرش نهایی به حساب جاری ۵۶۴۷۳۷۰۹ بانک رفاه شعبه طالقانی - مؤسسه فرهنگی - هنری عرفان واریز و تصویر فیش پرداختی را از طریق سامانه و یا به آدرس info@farhangekhorasan.ir ارسال فرمایند. (مقالاتی که فاقد فیش واریزی هستند در اولویت چاپ قرار نخواهند گرفت).